

كتاب ملحة دانيال

٢٧٠٦

صاحبها الكاظم العبد

حميد الدين الكاتب بکچر

درگاه عالی



و در ظل آفتاب عالم و حکمت صلیب آسمان در الارض من الارض حکم  
 علی عظمه اعدال احسن الصاعد سره الی اوج بحر و السعد المظلم السطی  
 اس اسطی السطی الوال صوم و المعارج مجموع و صم اس السطی  
 مصطفی حال دام فی راویه صلاحه تسکین السک و ابلع العنوا  
 و فی روح سلطنة العالم الی هایت الدور و ایاه العقره  
 و فی مصطفی طاهر النفس صاحب من السرفه  
 المحرم من عهده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
سپاس خدای را که پافرید مرد و جهان را و بیار است بخورشید  
و ماه و ستاره آسمان را و روزی رساند از کرم جانوران را و احتیاً  
کرد از جمله حیوان آدمیان را و درود خدای بر خاتم پیغمبران  
و برگزین پندان و اقطاب انس و جان محمد مصطفی صلی الله  
علیه و آله و سلم و بر اولاد و اهل بیت او که زین اکوان اند  
باد **اما بعد** چنین گوید حکیم کمال الدین جمال الاسلام **الفضل**  
جمش بن ابراهیم بن محمد التعلیسی رحمه الله که چون از کتاب  
قانون الادب پرداختم نگاه کردم که پادشاهان و بزرگان  
با وجود کتابهای نفیس کتاب **مخبر اغرب** تر و حریف ترند از هر که

چون علامتی از علامت های آسمان و جو سوا و زمین بوسیله از  
اوقات بیدار آید ایشان خواهند که تاثیر آن بدانند و اقلان  
هر کس که در خلوت بودی با خدا این مناجات کردی که بد  
که این دلیل علامت چه نوع خیر و شر در عالم خواهد شد  
پس چون احوال بدین صفت دیدم جهد کردم و بر حسب طاقت  
و قدرت دانش خویش این کتاب از کتابهای تازی تالیف  
کردم و جمع آوردم **اغاز کتاب** بدانکه نخست  
اصل این کتاب **طیحه دانیال** پیغمبر علیه السلام نهاده است  
و بعد از او قدام حکما چون **مرفر و بزرجمهر** و **والیس حکیم** مرکن  
برور کار خویش تجربتی کرده اند و در کتابهای خویش **مخبر**  
دایار نموده و بعد از ایشان حضرت **امام جعفر صادق** علیه السلام  
کتابی دیگر مختصرتر از کتاب **دانیال** علیه السلام ترتیب فرموده است

و استخراج حکم کتاب دانیال و کتاب حضرت امام علیها السلام  
بر حسب ماههای رومیانست و استخراج حکم دلیل حکمای دیگر  
بر حسب بودن ماه در برجست ولیکن طریق سر کتابی  
مختلفست و نیز در حکم بیماری جای در میان ایشان  
خلافت و چنان دان که معنی بلغم پارسه رزمگاه بود  
و از بهر آنکه درین کتاب رزم و خون ریختن بسیار بود  
دانیال علیه السلام و حکما دیگر ویرا بلغم خوانند پس ازین کتابها  
نفیس که یاد کرده شد حکم دلپهای سیت و مشیت علامته را  
که تاثیر فعل ایشان در عالم پشتر و قوی ترست اندرین  
کتاب مختصر در سیت و مشیت فصل ترتیب پانزدهم کردم  
و نامش اصول الملاسم نهادم زیرا که اصول کتابهای بلغم را  
در شرح کردم و او را بدو مقالت منقسم کردم در مقالت

۲  
نخستین استخراج حکم دلیل سیت و پنج علامت در سیت  
و پنج فصل ترتیب بر حسب ماههای رومیان باز نمودم  
و در مقالت دوم استخراج حکم دلیل جمله علامت  
را بر حسب بودن ماه در بروج اندر سیت و مشیت  
فصل بنسق بر طریق مقالت نخستین یاد کردم و ترتیب  
کتاب چنان ساختم که در مقالت نخستین حکم دلیل علامت  
که در ماه تشرین اول پیدا شود نخست شرح دلیل هر علامت  
نویشتم زیرا که این ماه تشرین الاول نوروز رومیانست  
که از روز کارا که گذرد و القمین رومی نهاده اند چون اول  
ساعت این بود پس در اولش روزهای ویرا کیفیتم که اگر  
اولش روز یکشنبه بود در آن سال دلیلش از خیر و شر چه  
تاثیر کند و اگر اول او دوشنبه بود دلیلش از خیر و شر چه تاثیر

کند و همچنین دلیلهای روزهای دیگر را تا روز یکشنبه باز نمودم  
پس در **فصل اول** حکم دلیلهای کسوف اقیاب را بنشتم  
و در **فصل دوم** حکم دلیلهای خسوف ماه را و در **فصل**  
**سیوم** حکم دلیلهای دایره اقیاب را و در **فصل چهارم** حکم دلیلهای  
دایره ماه را و در **فصل پنجم** حکم دلیلهای ماه نو بر آمدن را  
و در **فصل ششم** حکم دلیلهای ستاره کسوف دار را و در **فصل**  
**هفتم** حکم دلیلهای افتاد ستاره را و در **فصل هشتم** حکم  
دلیلهای قوس قزح را و در **فصل نهم** حکم دلیلهای سیر  
و در **فصل دهم** حکم دلیلهای سرخی را که در آسمان بید آید  
و در **فصل یازدهم** حکم دلیلهای علامتی عجیب را که در آسمان  
پیدا شود و در **فصل دوازدهم** حکم دلیلهای علامت ماندن  
شخصی را که در سوا پیدا شود و در **فصل سیزدهم** حکم دلیلهای

بانگ کردن رعد و در **فصل چهاردهم** حکم دلیلهای خشیدن  
برق را و در **فصل پانزدهم** حکم دلیلهای آتش را که از هوا  
بر زمین افتد و در **فصل شانزدهم** حکم دلیلهای باریدن باران  
و در **فصل هجدهم** حکم دلیلهای باریدن مگس را و در **فصل**  
**سجدهم** حکم دلیلهای باریدن خاک سرخ از هوا و در **فصل نوزدهم**  
حکم دلیلهای باریدن وزق یا گرم از هوا و در **فصل بیستم** حکم دلیلهای  
پیدا شدن غباری صعب در هوا و در **فصل بیست و یکم** حکم  
دلیلهای تاریک شدن هوا و در **فصل بیست و دوم** حکم  
دلیلهای جستن بادهای سخت را و در **فصل بیست و سوم**  
حکم دلیلهای بانهایی که از هوا شنوند و در **فصل بیست و چهارم**  
حکم دلیلهای بانهایی که از زمین شنوند و در **فصل بیست و پنجم**  
حکم دلیلهای زمین لرزه و در **فصل بیست و ششم** حکم

دلیلهای گرامی پی سنگام و در فصل بیست و هشتم حکم دلیلهای  
سرمای پی سنگام و در فصل بیست و نهم حکم دلیلهای  
باریدن برف پی سنگام این جمله علامتها که یاد کردیم  
حکم دلیلهای بیست و پنج علامت را در مقالات نخستین ترتیب  
و نظام بیان کردیم که چون در مابقی از مابقی رویان  
ازین سبب و پنج علامت چیزی پیدا شود و لیلیس خیر و شر  
بر چه صفت موجود گردد و تاثیرش در کدام اقلیم یاد کردیم  
ولایت بود و حکم دلیل مابقی را بخصوص وی باز  
نمودیم و بچند جا بجا علامت آمدن تم و باران هم درین  
مقالات بگفتیم تا خواننده را این جمله معلوم گردد و در  
مقالات دوم حکم دلیل همین علامتها را که یاد کرده شد  
برسوق و ترتیب مقالات نخستین حکم دلیل هر یکی را بر حسب

بودن ماه در بروج اندر نیست و مشت فصل یاد کردیم  
تا کتاب ازین نظام نکردد زیرا که خواننده این کتاب  
را از دانشستن این مرد و مقالات بنا کردیست تا بوقت  
حکم کردن دلیل این علامتها بروی خطایی نیستند  
و چون کسی خواهد که حکم دلیل علامتی ازین علامتها  
درست بگوید باید که نخست حکم دلیل و در مقاله اول  
بماه رو میان طلب کند و بهینند که حکم دلیل بر خیز  
کند یا بر شرس و دیگر باره در مقالات دوم هم حکم آن  
علامت را بگوید و چنان خواننده دانشستن که نخستین بدانند که  
ماه در کدام برجست پس در آن علامت دلیل حکم  
ویرا بدان برج بیاید و چون یافت نگاه کند که حکم دلیل  
بر خیز کند یا شرس اگر پسندد که مرد و مقالات حکم دلیل بر خیزند

و نیز از روز اتصال ستارگان بهم نیک بود و پیداشدن آن  
علامت بطالع و ساعت نیک بود که دلیل سخت نیک شنیده  
است و اگر پند که در مرد و معات حکم دلیل بر شر کند و روز  
طالع آن ساعت بد باشد بدانکه دلیل بد و ناسنیده است  
و اگر در معات نخستین حکم دلیل بر خیر بود و در معات دوم بر  
بدانکه در اول سال از آن حکم دلایلی شریک شود و در  
سال از آن حکم دلایلی خیر پیدا شود و اگر پند که در معات  
نخستین دلیل بر شر کند و در معات دوم دلیل بر خیر بداند که در  
اول سالها از آن حکم دلایلی خیر پیدا شود و در آخر سال از آن  
حکم دلایلی شریک شود و علی جمله چون ابتدا این علامتها بش نیک  
یا بروز نیک و طالع نیک باشد اگر چه حکم دلایلی وی بر شر  
کند تا اثر آن شر کمتر باشد و چون ابتدا بش بد یا بروز بد و طالع

و ساعت بد بود اگر چه حکم دلایلی وی بر خیر کند تا اثر آن خیر کمتر  
باشد بفرمان خداوند تبارک و تعالی زیرا که روز نیک  
و بد هم با هم و حکم وی بدید آید چنانچه در قرآن مجید یاد کرده است  
فی ایام نجات و جای دیگر گفته فی یوم نحن مستمر پس یقین که هر چه  
حکما و قدیم گفته اند جو صیح و معقول بود و بدان که مقصود  
حضرت دانیال نهم و حضرت امام جعفر صادق علیهما السلام و حکما  
قدیم از ناید کردن حکم دلیل این علامتها آن بود که تا چون علامتی  
کمتر باشد از این علامتها در کسیتی پیدا شود حکم و دلیل و بر این  
کتاب نگاه کند اگر حکمش دلیل بر خیر و سگی کند خدای عز و جل  
را شکر و سپاس داری میکند با حسنی و خیراتی که بایشان از راه  
خواهد داشت و اگر حکمش دلیل بر شر کند از فساد و معصیت  
توبه کند و بخدای باز گردند و در طاعت و احسان آیند و عاف

نباشند تا بفضل و کرم خویش حق تعالی شر آن نمانند و بلا از ایشان  
دفع کند زیرا که مسبب اسباب علامتهای خیر و شر از دست  
عزوجل و لیکن مرخیزی را بحکمت بالغه خویش سببی موجود چنانکه  
در کلام مجید خویش میفرماید لکل شیء سبباً فاتبع سبباً و نیز رسول  
علیه السلام گفت لکل شیء سبب پس از راه فرد چنان دان که  
سبب علامتهای خیر از فضل او بود و سبب علامتهای شر از  
عدل و خشم او باشد و از حق تعالی توفیق خواهم تمام کردن این کتاب  
تا از من یاد کار بماند و دیگر از آن عکس بود و مراد و ثواب آن  
جهانی دارم بدعا می که خواننده این بمن رساند چون ازوفی فایده  
بردارد و ازین پس فهرست فصلهای کتاب یاد کنیم ان شاء الله  
**فصل نخستین** در حکم و لیلیهای صوف اقیاب **فصل**  
دوم در حکم و لیلیهای صوف ماه **فصل** سوم در حکم و لیلیهای

دائرة اقیاب **فصل** چهارم در حکم و لیلیهای دائرة ماه  
**فصل** پنجم در حکم و لیلیهای برآمدن ماه **فصل** ششم  
در حکم و لیلیهای شماره کیسود از **فصل** هفتم در حکم و لیلیهای  
افتادن شماره **فصل** هشتم در حکم و لیلیهای قوتی قوتی  
**فصل** نهم در حکم و لیلیهای علامت جبهه **فصل** دهم در  
حکم و لیلیهای سرخی که در آسمان بیدارید **فصل** یازدهم در حکم  
و لیلیهای علامت عجب که در آسمان بیدارید **فصل** دوازدهم  
در حکم و لیلیهای مانند شخصی که در مواپید **فصل** سیزدهم در حکم  
و لیلیهای بابت کردن رعد **فصل** چهاردهم در حکم و لیلیهای  
درخشیدن برق **فصل** پانزدهم در حکم و لیلیهای آتش  
که از تنوا بر زمین افتد **فصل** شانزدهم در حکم و لیلیهای باریدن  
باران سخت **فصل** هجدهم در حکم و لیلیهای باریدن تگرگ

**فصل** نهم در حکم دلیلهای باریدن خاک سرخ از هوا **فصل**  
نوزدهم در حکم دلیلهای باریدن وزق یا گرم از ابر **فصل**  
پنجم در حکم دلیلهای غبار صعب از هوا **فصل** ششم در حکم  
در حکم دلیلهای طلعت و تارک شدن هوا **فصل** هفتم در حکم  
در حکم دلیلهای جستن باد سخت **فصل** هشتم در حکم  
دلیلهای باینکه که از هوا شوند **فصل** نهم در حکم دلیلهای  
باینکه که از زمین شوند **فصل** دهم در حکم دلیلهای زمین  
لرزه **فصل** یازدهم در حکم دلیلهای گرمای پی سنگام  
**فصل** دهم در حکم دلیلهای سرمای پی سنگام **فصل**  
پنجم در حکم دلیلهای باریدن برف پی سنگام  
**و بدانک** از فضل نخستین تا باخر **فصل** ششم در حکم  
دلیلهای این جمله را در مقاله نخستین ترتیب یاد کردیم

و تتمه از فضل نخستین تا باخر **فصل** هفتم در حکم دلیلهای  
این جمله را اندر مقالات دوم ترتیب هر علامتی را بموضعش دلیل  
باز نمودیم تا بوقت استخراج مقصودی که خواننده این کتاب را  
باشد این قدر بروی پوشیده نماند  
**مقاله اول** در استخراج آن پست و پنج علامت  
که اندر پست و پنج فصل گفته شده بر حسب ماههای رومیان  
**دلیلهای ماه تشرین اول** که تشرین اول سی و یک روز  
بود دوم روز از ماه رومیان اکثر سن ماه پارسیمان آذرماه  
عوار آید و سریع الموتر فرو شود و یازدهم روز از روی سماک  
بر آید و در ثا فرو شود و پست و نهم روز از روی غفر بر آید و  
شرطین فرو شود و در اول این ماه باد صبا جستن کرد  
و حکما قدیم چنین گویند که اگر اول این ماه روز یکشنبه باشد



رستان خوش بود یعنی سرمای سخت نباشد و تابستان سخت  
گرم بود و کوهسخت و کاور و عنق و انکین درین سال  
بسیار باشد و اگر اولش روز دوشنبه بود رستان  
پسندیده باشد و باران بسیار بارد و تابستان سخت گرم  
باشد و درختان و کشت و رزرافت رسد و بیماریهای مختلف  
و مرک بسیار باشد و انکین کم بود و اگر اولش روز سه شنبه  
بود رستان سخت سرد بود و برف و یخ بسیار بود و مردم  
را رگام و نزله و بیماریها اندرین سال بسیار بود و اگر اولش  
روز چهارشنبه باشد رستان معتدل بود یعنی نه گرم باشد  
و نه سرد و باران بسیار بارد و تابستان خوش بود و میوه  
بسیار باشد و مرک مردان پشتر بود و اگر اولش روز پنجشنبه  
بود رستان سخت سرد نباشد و میوه و انکین بسیار بود

و تبا و مرک اندرین سال بسیار باشد و اگر اولش روز  
آدینه بود گندم و جو و دانه و گندم بسیار بود و مرک  
کودکان بود و اگر اولش روز شنبه بود رستان سخت سرد  
باشد و باد بسیار بود و برف و یخ و گندم و جو کم بود و مرک  
کودکان بسیار بود و مردم را بیماریهای مختلف بود **فصل**  
نخستین در حکم دلیلهای کسوف اقیاب اگر درین ماه اقیاب  
بگیرد دلیل کند که دشمنان ذلیل و مسخر باد شاه شوند و یخ بسیار  
بود و سه ماه باران کم بارد و در ولایت جسته و توبه  
مخط و تنگی و نایابی باشد **فصل دهم** در حکم دلیلهای  
خسوف ماه اگر درین ماه ماه بگیرد دلیل کند که در زمین مغز  
مخط و تنگی سخت و مرک بسیار باشد و در ولایت یابل  
باران بسیار بارد و کشت و رزرافت زمین را از سرما

رسد و پادشاه بابل را و ششم بسیار بیدار آید و مرک مرغان  
و ماسیان بسیار بود و مردم را اندرین سال گزود در پیشم  
و در لیبهای تن بسیار بود و در میان اهل مشرق و مغرب جنگ  
و فتنه افتد و قتل و خون ریختن اندر آنجا بسیار بود و می  
برزگوار در مغرب پادشاهی طلب کند **فصل سوم** در حکم  
دلیلهای دایره آفتاب و آن دایره همچون حلقه بود که پرامن  
چشمه آفتاب بوقتی از اوقات بیدار آید و اورا بتاری  
داره و ماله گویند اما چون این حال اندرین ماه پیدا شود  
دلیل کند بر جنگ و فتنه در شهرها و خصومت سخت در میان  
مردم افتد و اهل تجارت را رنج رسد از اشقیه و لایق  
و ناایمنی **فصل چهارم** در حکم دلیلهای دایره ماه و آن چون  
حلقه باشد که پرامن ماه بوقتی از اوقات بیدار آید چون

آن دایره اندرین ماه بیند و دلیل کند بر فتنه عظیم و اشقیه  
و ناایمنی مردم از دروزان و راه زنان **فصل پنجم** در حکم  
که ماه هلال راست بر آید دلیل کند بر زمین لرزه و سختی مردم و اگر  
بیند که پنداری که یک جانب وی بر خاسته است دلیل کند  
که اندرین ماه باد بسیار بود و آن درختها که میوه نیارند بسیار  
خشک شود و درختها که میوه آرند قوی و بر شاخ شوند و  
میوه بسیار آرند و نبات بسیار بود **فصل ششم** در حکم  
دلیلهای ستاره کیسودار و اورا بتاری دوزن بیه گویند  
و مردم عوام ستاره دم دار گویند چون ویرا اندرین ماه بیند  
دلیل کند بر مرگ مردمان و چهار پیمان خاصه در ولایت مغرب  
و نیز دلیل کند بر بلا و فتنه مردم و کمی آبها و مرگ ماسیان  
دریا و جنگ و خصومت میان پادشاهان و اشقیه و لایق

**فصل هفتم** در حکم دلیلهای افتادن ستاره اگر در  
ماه ستاره افتد دلیل کند بر قسوه و جنگ و خون ریختن بسیار  
از آنجانب که ستاره بدو می افتد و مردم آن دیار را غم  
و اندیشه بسیار بود از نا امانی ولایت **فصل هشتم**  
در حکم دلیلهای خوشخبر و احوالی بود که بر آسمان بید آید اگر از  
جانب مشرق پند دلیل کند بر جنگ و فتنه و بلاد و ولایت  
مشرق و مرک چهار پایان و نیز دلیل کند بر جنگ و فتنه  
در ولایت روم و اشفگی ولایت شام و اسواز اما غله و  
اندرین سال بسیار بود و با خوار احوال مردم نیکو گردد و نیز  
دلیل کند که پادشاهی در بابل هلاک شود و اگر در جانب  
مغرب بود دلیل بود بر سلامتی و راحت و خوشی عیش مردمان  
و بر عدل و انصاف پادشاهان **فصل نهم** در حکم دلیلهای

علامت حربه بد آنکه حربه آن نوری باشد که اندر آسمان بید آید  
مانند نیم نيزه و شاید که در از تر باشد یا کوتاه تر اگر در اندر  
ماه بجانب مشرق پند دلیل کند که اندر میان مردمان محبت  
و عداوة افتد و بسیار مردم بر دست یکدیگر هلاک شوند  
خاصه جانب دیار بابل و مرک چهار پایان بسیار بود اگر در  
جانب مغرب پند دلیل کند که پادشاهان دیار بابل میرند و  
و بندگان مطیع خداوندان کردند و کهنتران فرمان بردار  
مهران شوند و امنی باشد **فصل دهم** در حکم دلیلهای  
سرخی که در آسمان بید آید اگر سرخی اندرین ماه بجانب مشرق  
پند دلیل کند بر فتنه و خون ریختن بسیار و اشفگی ولایت  
و اگر بجانب مغرب پند دلیل کند بر نعمت و فراخی و امن و کرامت  
و نیکویی احوال مردم خاصه که ماه زایده نور باشد و الله اعلم

**فصل یازدهم** در حکم دلیلهای علائق عجایب که در آسمان  
بید آید دلیل کندیر آنکه اندرین سال میوهها بساد شود و مردم ریش  
را از مصادره و جو ریادشاهان غنیمت و اندوه رسد و اهل  
تجارت را کسب و معاش نباشد **فصل دوازدهم** در حکم دلیلهای  
مانند شخصی که از سوای پداسود دلیل کند بر مرکب پادشاهان بزرگوار  
و اشغلی ولایت و تسکین طعام و نمانی بازگان از جهت دروا  
وراه زمان و عم و اندیشه مردمان و کرانی زنها و کی نباشد  
زمین **فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای بانک کردن رعد اگر  
اول بار روز چهارم این ماه رعد بفرود دلیل که مردی بزرگوار  
ملاک شود و اگر روز پنجم یا ششم یا هفتم این ماه رعد بفرود  
دلیل کند که خداوندان شهر و دیار مملک شود و میوهها و غلهها  
بود خاصه انگور و اگر دهم این ماه بفرود میوهها درختان

تباہ شود و اگر در نهم این ماه بفرود مردمان اندرین سال رخ  
و سختی نیند لکن غله و انگور بسیار بود و اگر روز دهم این  
ماه بفرود زنها اندرین سال ارزان شود لیکن حال پادشاهان  
سخت بود و اگر در یازدهم ماه بفرود بلخ بسیار بود اما زان  
کتر باشد و اگر در دوازدهم این ماه بفرود ملکشت و زرع را  
بخورد و غله کران شود و اگر در سیزدهم این ماه بفرود جو و گندم  
بسیار بود و احوال آن دیار خوب گردد و اگر در چهاردهم  
این ماه بفرود پادشاه آن شهر را خرج بسیار افتد چنانچه در  
نتی کرد و اگر در پانزدهم این ماه بفرود ما آخر ماه این جمله  
دلیل بر سلامتی مردم و امن و ولایت بود و بعضی از حکما  
گفتند اند اگر ماه زاید النور بود اندرین سال باد و نم و  
باران بسیار باشد و اگر ماه در نقصان بود آنچه گفتیم

در سال آئینه باشد **فصل چهارم** در حکم دلیلهای  
در خشدن برق اگر در اول بن ماه برق بسیار چید  
دلیل کند که لشکرها از مشرق قصد مغرب کنند و اشفتگی  
بود در ولایت های مغرب و اهل روستا در پنج رسد  
از لشکریان و راه زنان و زمین لرزه **فصل پنجم**  
در حکم دلیلهای آتش که از سوا بر زمین افتد اگر درین ماه آتشی  
از سوا بر زمین افتد دلیل کند بر بیماریهای صعب اندرین سال  
و مرکب بسیار و غم و اندیشه مردمان و خسران از جهت  
زدان و راه زنان تجار را مضرت باشد **فصل شانزدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن باران سخت اگر اندرین ماه باران  
سخت بارد دلیل کند بر زیادهای آنها و ایمنی و راحت  
مردمان و کسب و معیشت بازارکان و نیز دلیل کند که

۱۱  
زنان آبتن بوقت زادن سلامت باشند اما مرکب میان بسیار  
بود **فصل نهم** در حکم دلیلهای باریدن بکرک اگر بکرک  
ببارد دلیل کند بر مرگ بسیار اندران دیار و نیز دلیل  
کند که بر پادشاه بابل خوارج خروج کنند و لیکن ایشانرا  
پی ثباتی باشد و بعد از آن پادشاه بابل ایشانرا هلاک کند  
**فصل دهم** در حکم دلیلهای باریدن خاک  
سرخ از سوا اگر درین ماه باد خاک سرخ ببارد یا از سوا خاک  
سرخ بر زمین افتد دلیل که اندرین سال مردمان بزرگوار بسیار  
بمیرند و لیکن میوه و نبات زمین بسیار بود و در  
را از پادشاه عدل و ایمنی باشد **فصل نهم**  
در حکم دلیلهای باریدن وزق یا گرم از ابر اگر اندرین  
ماه وزق یا گرم از ابر بارد دلیل کند بر بیماری غلبه و نبات

رزمین و مرک چهارپایان و غم و اندیشه مردم و جور پادشاهان  
بر رعیت آن ولایت و بیماری بسیار و پیکسی مردمان اندرین  
سال **فصل پشم** در حکم دلیلهای پیداشدن غبار صعب  
در هوا اگر غبار صعب در هوا پیداشود دلیل کذب و جنک  
و خصومت مردمان با یکدیگر و کلمات آنها و باران اندرین سال  
دلیل کذب و هلاک مردی بزرگوار و اشک و غم و اندیشه  
مردمان آن ولایت و **فصل سبت و یکم** در حکم  
ظلمت و تاریکی شدن هوا اگر اندرین ماه بروز ظلمت  
و تاریکی هوا پدید آید دلیل کذب و قحط و تنگی سال و فساد طعاهما  
و حبوبات و نیز دلیل کند که اندرین سال بسیار کشتها دریا  
غرق شود از سبب اشفتن دریا **فصل سبت و نهم** در حکم  
جستن باد سخت اگر درین ماه باد سخت بجدد دلیل کند که پادشاه

۱۶  
بزرگی هلاک شود و در میان مردمان قتل و خونریزی  
پدید آید و غله و حبوبات فراوان و با فرسال بیماری و مرک  
چهارپایان بود **فصل سبت و یوم** در حکم دلیلهای بانگی که از  
موا بشنوند و آن دلیل کند بر فتنه و خصومت ملوک آن  
ولایت و محاربه ایشان با یکدیگر و برترس و پشم رعیت از نا  
اندرین سال و خبرها از ارجیف و مصرنت بازارگانان و الله اعلم  
**فصل سبت و چهارم** در حکم دلیلهای بانگی که از زمین بشنوند  
اگر اندرین ماه بانگی از زمین بشنوند دلیل کذب و غم و اندیشه  
و تشویش مردم و بیکسی و کلمات آنها و معیشت اهل تجارت و باران  
بسیار و سرمای صعب خاصه اندر زمستان و نیز دلیل  
کند که میوه و نبات زمین فراوان باشد **فصل سبت و پنجم**  
در حکم دلیلهای زمین لرزه اگر درین ماه بروز زمین بلرزد دلیل

که اندر همه جایگاه طعام بسیار بود و جو بات و میوه باو داشت  
زمین فراوان باشد و مردی بزرگوار ممالک شود و اگر زمین  
لرزه بشت بود دلیل کتد بر محط و تنگی و بیماریها و مرگ  
چهار پایان و جنگ و فتنه بسیار و اهل زمین بابل و مصر را  
بهم حرب افتد و بسیار مردم هلاک شوند و الله اعلم  
**دلایلی ماه تشرین دوم** بد آنکه تشرین دوم سی روز  
بود یا زود نیم از و مثل زبانا بر آید و بطن سرد شود و دست  
و چهارم روز از وی کلیل بر آید و ثریا فرو شود **فصل اول**  
در حکم دلایلی کسوف آفتاب اگر درین ماه آفتاب بکشد  
دلیل کند بفتنه و بلا و خرابی شهرها و بعضی از حکما گفت اند  
که دلیل کند بر ازانی نرها و در آن سال بیماری بسیار بود و مردم  
در غم و اندیشه و تشویش باشند **فصل دوم** در حکم دلایلی

دلایلی خسوف ماه اگر درین ماه ماه بگیرد دلیل بود بر  
فتنه و تشویش مردمان و محط و تنگی و ولایت ستم و یونان و مرگ  
بسیار و جنگ و خصومت اهل مشرق و مغرب و بلا  
عظیم و نیز دلیل کند که بر پادشاه مشرق خوارج بدید آید  
و باز طفرد ویرا باشد و اثر نرا قهر کند **فصل سیم**  
در حکم دلایلی دایره آفتاب اگر درین ماه دایره آفتاب بکشد  
دلیل کند بر هلاک چهار پای و مضرت مردمان از جور و مصائب  
ملوک و نیز دلیل کند بر خسران بازرگانان و نایمانی را مه از  
دزدان و تشویش مردم **فصل چهارم** در حکم دلایلی دایره  
ماه اگر درین ماه دایره ماه بینند دلیل کند که در زمین بابل  
فتنه عظیم و جنگ و خصومت در میان مردمان و قهرها  
اراجیف بسیار بود اما در آخر سال احوالها مردم خوب گردد

و بصلاح آید **فصل پنجم** در حکم دلیلهای برآمدن ماه نو  
چون درین ماه سپند که ماه بلال راست بر آید دلیل کذب زیاد  
کاو و کوسفتد و ارزانی زرها و نعمتها و اگر سپند که پنداری  
که یک جانب وی بلند بر خاسته است دلیل کذب بر ما  
دبر و بیخ بسیار و هلاک بز و کوسفتد **فصل ششم**  
در حکم دلیلهای ستاره کیسودار اگر ویرا درین ماه  
دلیل کذب قوت حال پادشاهان و ضعف احوال رعیت  
و کراپنی زرها و بیماری و مرگ چهارپایان و اشفتگی  
ولایت و خصومت علما در آن دیار که در ستاره بجانب وی  
باشد و الله اعلم **فصل هفتم** در حکم دلیلهای ستاره  
افتادن اگر درین ماه ستاره بسیار افتد دلیل کذب پادشاهان  
ولایت با یکدیگر جنگ و غلبه کنند و خبرها را راجیف و بداند

۱۶  
میان مردم افتد و آب از چشمها ورود نکند شود و نبات زمین کم  
باشد **فصل هشتم** در حکم دلیلهای قوتس قرح اگر ویرا از  
جانب مشرق نشند دلیل کذب که مرگ بسیار بود و مخطوکی  
ولایت فارس و بابل و مرگ پادشاه آن ولایت بود  
و در آن ولایت تا بنه سال پادشاهی و قوی و لجاجت  
بودن از ناامنی و اندرین سال باران بسیار بارد و اگر ویرا  
مغرب نشند حکم وی بر خلاف این باشد که ذکر کرده شد و الله اعلم  
**فصل نهم** در حکم دلیلهای حرب اگر ویرا درین ماه بجانب  
مشرق نشند دلیل کذب که اندرین سال ترکان مردم را کزدرسانند  
و سه سال از ایشان مردم را هلاکت بود و نیز دلیل کذب که پادشاه  
بابل از جایگاه خویش حرکت کند و اندرین سه سال مردم را رنج  
تن و بیماری بسیار بود و سکنی طعام باشد و پادشاه بابل



و انصاف باز آید و اگر در ایجاب مغرب پسند دلیل کند که سه  
سال رکان بر مردمان ستم و غلبه کنند و چون سه سال بر آید  
بعد حادثات ضعیف گردد **فصل دهم** در حکم دلپهای  
سرخی که در آسمان بید آید اگر سرخی بجانب مشرق پسند دلیل  
کند بر تباہی و فساد علقها و اگر با این سرخی ستاره بزرگ  
بیفتد دلیل کند که پادشاهی بزرگ ممالک شود و اگر سرخی  
بجانب مغرب پسند دلیل کند بر جنگ و خون ریختن در ولایت  
مغرب و غم و اندیشه مردمان آن دیار **فصل یازدهم** در حکم  
دلپهای علامتی عجیب که در آسمان بید آید اگر درین ماه علامتی  
عجیب در آسمان بید آید دلیل کند بر خصومت مردم و فساد  
میوه و نایمی از سبب در دزدان و راه زنان و خبرهای آرای  
اما غله و طعام بسیار بود و با آن سال احوال مردم خوبتر گردد

و آنکه علم **فصل دوازدهم** در حکم دلپهای که مانند شخصی در هوا پیدا  
شود اگر درین ماه مانند شخصی در هوا پیدا شود دلیل کند بر خصومت  
پادشاهان با یکدیگر و قتل و خونریزی بسیار و فساد میوه و سبب  
مردمان از نایمی در دزدان و راه زنان و تشویش مردم است  
از ظلم پادشاهان **فصل سیزدهم** در حکم دلپهای با بک رعد  
اگر رعد بفرزد اندر دهنه اول اندرین ماه دلیل کند بر بیماری بسیار و  
از حکما گفته اند که اگر از اول ماه تا نیمه ماه رعد بفرزد دلیل کند  
بر صلاح و منفعت احوال مردمان و اگر در نیمه آفرین ماه  
بفرزد بخلاف این باشد که گفته شد و اگر درین ماه در اول ماه  
بمالی بفرزد دلیل کند بر غم و باران بسیار و اگر رعد بفرزد  
دلیل کند بر سردی زمستان و برف و باد بسیار و کمی غله و میوه  
و اگر ماه در نقصان بود این سردی و برف و باد در سال آید باشد

**فصل چهارم** در حکم دلیلهای درخشدن برق اگر درین ماه  
برق بسیار بجد دلیل کند که مضر است بسیار از اهل مشرق بشکر  
اهل مغرب رسد و ترس و بیم بود در ولایت مغرب و زمین  
بربر و مسافران مضر است بود از زردان و قطع الطریق  
و الله اعلم **فصل پنجم** در حکم دلیلهای آتشی که از نوا  
زمین افتد اگر اندرین ماه آتشی از نوا بر زمین افتد دلیل کند  
بر محط و تنگی سال و قتل مردم خاصه در آن دیار که آتش بجای  
وی افتد و تشویش و غم و اندیش مردم از ناامنی و نیز  
دلیل کند بر بیماری بسیار و **فصل شانزدهم** در حکم  
دلیلهای باریدن باران سخت اگر درین ماه باران سخت  
بارد دلیل کند که بیماری در زردان از زردی دست بازدا  
و توبه کنند از آفتی که حق تعالی بر ایشان کمارد و اگر باران

سخت بسیار بارد دلیل کند بر قحط و خورجین میان مردم اندر آن  
دیار که باران بارد و الله اعلم **فصل سدهم** در حکم دلیلهای  
باریدن تگرگ اگر درین ماه تگرگ بارد دلیل کند که اندرین  
سال در دیار مضر حط و تنگی بود و بر زمین بربر و خارج خروج  
کنند و اگر تگرگ بسیار بود دلیل کند که درین دیار مرگ  
بسیار بود و بیماریهای صعب و دشوار بید آید و الله اعلم  
**فصل یازدهم** در احکام دلیلهای باریدن خاک سرخ  
از نوا اگر درین ماه خاک سرخ از نوا بارد دلیل کند که اندرین  
سال مرگ مفاجات بسیار بود و ناامنی بود از سبب در آن  
وراه زمان اندر آن دیار که خاک همی بارد و بیماریهای  
سوداوی بسیار باشد و نیز دلیل کند بر خشکی سال و الله اعلم  
**فصل نوزدهم** در احکام دلیلهای باریدن ورق

یا کرم از ایزد اگر درین ماه وزق یا کرم از ایزد بیارد و لیل کند  
بر فساد میوهها و کمی نبات زمین و پماریهای و بائی چون  
و سرسام و ذات الجنب و مانند این علتهای و نیز دلیل کند  
که مردی بزرگ در آن دیار هلاک شود و بسیار گشته  
درین دریا غرقه شود درین سال **فصل سیم** در احکام لیلهای  
پیدا شدن غبار صعب از هوا اگر درین ماه غبار صعب  
در هوا پیدا شود دلیل کند بر باران بسیار و زیادتی  
آبها و شوش و اندیشه مردم از خبرها، اراجیف و کسبی  
و کمی معیشت مردم اما غله و جو بهای بسیار بود و الله اعلم  
**فصل سیم و بیستم** در حکم لیلهای ظلمت و تاریک شدن  
هوا اگر درین ماه بروز ظلمت و تاریکی هوا پیدا آید دلیل کند  
که اندرین سال غله و خسرها و اوان باشد و نبات زمین

بسیار

بسیار بود و باد جنوب بسیار جهد و مردمان را سرفه و آنرا و  
رکام بسیار باشد و مرک دودام درین سال بسیار بود  
**فصل سیم و نهم** در احکام و لیلهای حبتن باد سخت  
اگر درین ماه باد سخت بجهد دلیل کند که بسیار کس از مهره آن  
بزرگ و مردمان معروف اندرین سال هلاک شوند  
و پادشاه این ولایت بسیار کس را از مردم خویش قتل  
کند و رعیت را از پادشاه غم و اندیشه بدید آید  
**فصل سیم و بیست و نهم** در حکم و دلایلی بانی که از هوا شنود  
اگر درین ماه بانی از هوا شنود دلیل کند بر مرگ چهارمان  
و بیماری بسیار و پیکسی مردم و اشفتگی ولایت و ناآ  
رعیت از جور ملوک و مضرت بازرگانان از سبب دردان  
و راه زنان اما غله و جو بهای اندرین سال بسیار بود

**فصل بیست و چهارم** در حکم دلیلهای بانگی که از زمین بشنوند اگر درین  
ماه بانگ از زمین بشنوند دلیل کنیز بسیاری غله و طعام نشود  
میوهها و ضعف و بیماری چهار پایان و مرک مردمی بزرگوار اندر  
دیار و غرق شدن بسیار کشتیها اندرین سال و خبر بار آهست  
و الله اعلم **فصل بیست و پنجم** در حکم دلیلهای زمین لرزه اگر درین  
روز زمین بلرزد دلیل کند که پادشاهی پیدا شود که ملک  
روی زمین را بگیرد و توانگر از او رویش کرد اند و درویشا  
عسفی کند و اندرین سال مرک و خوزنخستن بسیار بود و اگر  
زمین لرزه بشود دلیل کنیز کمی غلهها اگر با زمین لرزه عس  
و برق بود دلیل کنیز بادهای سخت و سرمای صعب و بر  
و پنج بسیار اندرین سال و مرک چهار پایان و درندگان بود  
از شدت سرما و الله اعلم و حکم دلیلهای ماه **کانون اول**

بدانکه کانون اول سی و یکروز بود و هفتم روز از روی  
منزل قلب بر آید و در آن فرو شود و سرما قوت گیرد در  
میلاد و میلاد زادن عیسی بود علیه السلام و آن **سپت و پنجم**  
کانون اول باشد چنان گویند حکما قدیم که اگر میلاد بروز  
یکشنبه بود در نستان خوش باشد و سنگام میوهها هم و باران  
بود و کوفتند بسیار باشد و انکبین و روغن هم بسیار بود  
و اندرین سال مرک جوانان پیشتر باشد و **اکر** میلاد روز دوشنبه  
بود در نستان بیک و پسندین باشد و در ماه نستان و ایار  
باران بسیار بارد و تابستان در وقت میوهها بیماری و  
تنها بسیار بود و **اکر** میلاد بروز شنبه بود در نستان  
در از کشت امانا تابستان خوش گذرد و کشتیها درین سال  
غرق بسیار شود و در تابستان بیماری بود و کندم و جو بسیار

باشد و در دوام بسیار بود و میوه‌ها سخت ارزان بود  
و لکن مرگ بسیار بود **واک** میلاد روز پنجشنبه بود رشتان  
خوش باشد و مسکنام میوه‌ها گرمای سخت بود و مرگ بسیار  
باشد **واک** میلاد روز آدینه بود رشتان دراز کشد و  
برف و باران بسیار باشد و مسکنام بهار مردم درد  
چشم بسیار بود و کوه‌کان خرد بسیار میزند **واک** میلاد  
روز شنبه بود رشتان سخت سرد بود و باد بسیار باشد  
خاصه در ماه ایار و خیزران و تابستان سخت گرم بود  
و جو و گندم کم باشد **فصل اول** در احکام و دلائل  
کسوف اقیاب اگر درین ماه اقیاب بگیرد دلیل گند بر سر ما  
سخت و برف و باران بسیار و در فصل بهار نبات زمینی  
و گیاه بسیار بود و در ولایت ماسین و ماژندران قحط

و تنگی باشد لیکن ماسی و مرغ آبی بسیار بود و در ولایت  
مغرب جنگ و فتنه و محط بود و الله علم **فصل دوم** در احکام  
دلیلهای خسوف ماه اگر درین ماه ماه بگیرد دلیل گند بر مرگ  
دختران و گندم وجود آنها سخت بسیار بود و میوه‌ها و کوه‌سغند  
اندرین سال ارزان باشد و نبات زمین فراوان بود لیکن  
اهل تجارت را کسب و منفعت کمتر باشد و خسران کنند  
**فصل سوم** در حکم دلیلهای دایره اقیاب اگر درین  
ماه دایره اقیاب پندد دلیل گند که رشتان سخت سرد و باران  
بسیار بود و مردم را از سرما مصرت بود و بسیار کوه‌سغند  
و بزار سردی رشتان هلاک شوند اما گیاه و نبات زمین بسیار  
بود **فصل چهارم** در حکم دلیلهای دایره ماه اگر درین  
ماه دایره ماه پندد دلیل گند بر سرهای صعب و مرگ چهارپایان

و بیماریهای صعب و اشغکی بابل و فارس و کرمان و غم و اندوه  
مردم و خبرهای اراجیف اطعام و غله ارزان بود و اهل بخت  
را فایده بود **فصل نهم** در حکم دلیلهای برآمدن ماه نو  
اگر درین ماه پنجم که ماه ملال راست برآمد دلیل گذر ارز  
نرخا خاصه سنگام بهار و اگر پسند که پنداری که جانب  
وی برخاسته است دلیل گذر بیماری نم و برف و باران  
و زیادتی آبها، رود و چشمه و کاریز و جوی و نبات زمین  
اندزین سال فراوان بود **فصل دهم** در حکم دلیلهای  
ستاره کسودار اگر درین ماه پنجم دلیل گذر برشته  
عظیم بر زمین فارس و کرمان و دشتی با پستانان آن ولایت  
و اشغکی و خون ریختن بسیار و جنب و خصومت اندز انجا  
و نیز دلیل کند که در ولایت یمن و طایف مرک بسیار بود

و اندزین سال باران و نم بسیار بود و آبها فراوان شود **فصل**  
**مهم** در حکم دلیلهای افتادن ستاره اگر درین ماه ستاره  
بسیار افتد دلیل گذر بترکی سال و محط و مرک و نیز دلیل کند  
که پادشاهی بزرگ هلاک شود از آنسوی که ستاره بدانجا  
همی افتد و رعیت را از لشکریان غم و اندوه رسد از جهت  
آنکه برایشان دست درازی کند **فصل ششم** در حکم دلیلهای  
خوش قح اگر درین ماه ویرا بجانب مشرق پسند دلیل گذر  
مرک بسیار و قح و بلا و خونریختن و جنب و خصومت در دیا  
مشرق و اگر بجانب مغرب پسند دلیل کند که اندز فصل بهار ملخ  
بسیار بود لیکن سه ماه در همه ولایت نغمه فراح بود  
و چون تابستان در آید بیماری و مرک بسیار باشد و درین  
بابل سه ماه جنب و اشغکی و خون ریختن بود **فصل نهم**

در حکم دلیلهای سرخی که با آسمان بیدید آید اگر ویرا اندرین  
ماه بجانب مشرق نیند دلیل کند که غله و حبوبها فراوان  
باشد و سه ماه کشت و رزان عاصی باشند بر خداوندان حبش  
بعد از آن بطاعت باز آیند و بارانها اندرین سال بسیار بار  
و اگر ویرا بجانب مغرب نیند دلیل کند بر مرک چهارپایان  
و حرکت لشکر و خویش و قتل بسیار وقت و الله اعلم  
**فصل دهم** در حکم دلیلهای سرخی که با آسمان بیدید آید  
اگر سرخی بجانب مشرق بود دلیل کند بر خصومت و دشمنی  
و رنج و اندیش مردم در ولایت مشرق و اگر سرخی بجانب  
مغرب نیند این دلایل که گفتیم در دیار مغرب بود لیکن میوهها  
و نبات زمین اندرین سال فراوان بود و نعمتهای نهایت  
**فصل یازدهم** در حکم دلیلهای علامتی عجیب که در آسمان بیدید

۷۲  
اگر درین ماه علامتی عجیب در آسمان بیدید آید دلیل کند که اندرین  
سال غله و طعام بسیار باشد اما مرک چهارپایان بسیار  
بود و مردم را بیماری و رنج تن و غم و اندیش بسیار باشد  
و کسب و معیشت کم بود خاصه اهل تجارت را و الله اعلم  
**فصل دوازدهم** در حکم دلیلهای سیاه مانند شخصی که در هوا  
بیدید آید اگر درین ماه مانند شخصی در هوا پدید آید دلیل کند  
بر جنگ و خصومت مردم و ظلم پادشاهان بر رعیت  
و پروان آمدن خوارج بر ملوک و باخر سال دلیل کند بر  
سنگی طعام و کرانی زخمها و تشویش مردم **فصل سیزدهم**  
در حکم دلیلهای غریبیدن رعد اگر درین ماه رعد غریب  
دلیل کند بر غم و باران بسیار و آفت میوهها لیکن انگور  
بسیار بود و اگر رعد نبرد و ماه راند النور بود دلیل کند

بر سرهای سخت و زیادتی آبها چشمه ورود و اگر بارعد  
برق بسیار بود دلیل کند بر هلاک کردی از بررگان  
**فصل چهاردهم** در حکم دلیلهای درخشیدن برق اگر  
درین ماه برق بسیار جهد دلیل کند که پادشاه آن ولایت  
مردی بزرگ را مالاک کند و اموال و نعمتش را بجهلستان  
و نبات زمین اندرین سال بسیار بود و مردم را کسب  
و معیشت کمتر باشد لیکن ولایت ایمن باشد از کید دزدان  
**فصل پانزدهم** در حکم دلیلهای آتشی که از سوازمین افتد  
اگر درین ماه آتشی از سوازمین افتد دلیل کند بر جنگ و صورت  
و خونریختن و نیز دلیل کند که مردمان معسند و پی سامان که باشند  
اندرین سال مالاک شوند و احوال دزدان و اهل فساد بود  
و اهل تجارت را با فرسال فائده باشد **فصل شانزدهم**

در حکم دلیلهای باریدن باران سخت اگر درین ماه باران سخت  
بیارد دلیل کند بر زیادتی آبها و نم و باران بسیار و نیز که شهری  
از شهرهای روم خراب گردد و مردم را اندرین سال بیجوشی  
و کسب بسیار باشد و بر رعیت از پادشاه عدل و انصاف بود  
**فصل مفصل** در حکم دلیلهای باریدن تگرگ اگر درین ماه  
تگرگ بارد دلیل کند که اندران دیار خوارج پیدا شود و مردم را  
از ایشان رنج و ستم رسد و بعد از یک سال مردم بر ایشان  
ظفر بیاورد و ایشانرا مالاک کند و مال و نعمتشان غارت  
کند **فصل مجدهم** در حکم دلیلهای باریدن خاک سرخ  
از سوا اگر درین ماه خاک سرخ از سوا بیارد دلیل کند بر عزم و تفرک  
مردم و آشفتگی ولایت و پیکسی بازرگانان و سنگی معیشت  
مردم بازاری و نیز دلیل کند که بسیار قافلها اندرین سال





دلیلهای باینکه که از زمین شستوند اگر درین ماه باینکه از زمین شستوند  
دلیل کنیز استفسکی ولایت و محاصمت ملوک بیکدیگر و قتل و خون  
ریختن بسیار و خرابی ضیاع و دیهها و خسران اهل تجارت  
لیکن باخرسال احوال مردم نیک گردد و کسب و ایمنی بدیداید  
**فصل پنجم** در حکم دیلهای زمین لرزه اگر درین ماه زمین  
بزرگ برود دلیل کند بر قهر و خون ریختن بسیار و مخالفت  
میان سرسنگان و امرا و بعضی از شهرها خراب شود و مرگ  
چهار پایان بود اما جو کسندم و غله فراوان باشد و اگر بسنگام  
زمین لرزه قمر و وبال یا در طریقه محرقه یا در میان دو ستاره  
نخس باشد دلیل کند که مردی بزرگوار مالاک شود و اگر زمین  
لرزه شب بود دلیل کند که اندرین سال نعمت و طعام بسیار  
باشد و مردی بزرگوار مالاک شود و الله اعلم بالصواب

**دلیلهای ماه کانوردوم** بدانکه کانون دوم سی و یکروز  
بود دوم روز از وی منزل نعیم برآید و سمنه فرود  
و سیزدهم روز از وی بلده برآید و ذراع فرود شود  
و سپت و ستم روز از وی سعد برآید و نثر فرود شود و حکما  
قدیم چنین گویند که اگر اول این ماه روزیکشینه باشد دلیل بود  
که رشتان نه گرم باشد و نه سرد و در فصل بهار نم و باران  
بسیار بود و تابستان خشک باشد و مهج باران نیارد  
و فصل خنران باد بسیار بود و غله ارزان شود و اکنون  
بسیار بود و مرگ جوانان بیشتر بود **و اگر** اولش روز  
دوشنبه بود دلیل بود که رشتان خوش باشد و فصل  
بهار و تابستان گرم بود و باران بسیار بارد و فصل  
خران باران نیارد و ازین سبب مردم رات ربح و تباه

سرد بود و بیماریها سوداوی و مرک بسیار بود و انکبین کم بود  
**دک** اولش روز سه شنبه بود در نستان سخت سرد بود  
یخ بسیار باشد و در فصل بهار نم و باران بسیار بود و در  
فصل خزان باران نیارد و میوه کم بود و بیماریها صعب و  
مرک مفاجات بسیار باشد خاصه مرک زمان و اندرین سال  
سفر دریا صعب و دشوار باشد **دک** اولش روز چهارشنبه  
بود غله و گندم اندک باشد لکن میوه بسیار بود و مرک  
مردمان بیشتر باشد و در نستان برف و باران کم بود و در  
فصل ربیع باران و نم بسیار بود و در فصل خزان معتدل  
باشد و اگر اولش روز پنجشنبه بود گوشت و میوه بسیار  
باشد و انکبین کم بود و نستان خوش باشد و در فصل بهار  
باد بسیار بود و انکبین بود و نستان خوش باشد و در فصل

خزان معتدل باشد **دک** اولش روز آدین باشد در نستان  
سخت سرد باشد و در نستان نم و باران بسیار باشد  
و مرک کودکان خرد بیشتر بود **دک** اولش روز شنبه باشد  
در فصل نستان باد بسیار بود و فصل بهار و نستان  
سخت گرم باشد و در فصل خزان هیچ نم و باران نبود و غله  
و میوه کم بود و درین سال زمان آبتن بچه بسیار افکند  
و تب و بیماریهای مختلف و خریق هم بسیار باشد  
**فصل نخستین** در حکم دیدهای کسوف آفتاب اگر درین  
ماه آفتاب بگیرد دلیل کند که سال فراخی و نعمت باشد و در  
سه شهرها گندم و جو سخت اززان باشد و مردمی بزرگوار ازروم  
تا بجانب فارس بگیرد و خدمت پادشاه فارس کند و بسیار  
خواهبار در آنجا عمارت کند و اگر آفتاب بهسکام فروشد

گرفت باشد در آن دیار هم و برتس آن سال بسیار بود **فصل**  
**دوم** در حکم دلیلهای خسوف ماه اگر درین ماه ماه بگیرد دلیل  
کند که اندرین سال عله بسیار باشد و زرخها ارزان شود در  
سمه جایگایه و میوهها و نعمت سقیاس بود ملخ هم بسیار  
باشد ولیکن زیان کمگردد و باران بسیار بود آبها فراوان  
بود و نبات زمین بی اندازه باشد **فصل سیوم** در حکم  
دلیلهای دایره آفتاب اگر درین ماه دایره آفتاب پشند  
دلیل کند بر مرگ بسیار و هلاک زوگو سفند و آفت درختان  
و بیماری بسیار و غم و اندیشه مردم و پیکسی بازارگانان  
و ناایمنی راهها از جهت در زمان و راه زمان و یک  
معیشت مردم **فصل چهارم** در حکم دلیلهای دایره ماه  
اگر درین ماه دایره ماه پشند دلیل کند بر غم و باران بسیار

وزیادتی آبها و خاصه اندر فصل بهار و گیاه و نبات زمین  
سقیاس بود ولیکن مردم را اندرین سال زلزله و زکام و سرفه  
بسیار باشد و بیماری چهارپایان بود **فصل پنجم** در حکم  
دلیلهای دیدن ماه نو اگر درین ماه پشند که ماه هلال راست براید  
دلیل کند که نبات زمین و گیاه سخت بسیار باشد و اگر پشند که  
نپداری که یک جانب وی بر خاسته است دلیل کند که درختها  
از سر مایا از تنگ آفت رسد لیکن انگبین بسیار بود **فصل**  
**ششم** در حکم دلیلهای ستاره کیسودار اگر ستاره کیسودار  
درین ماه پشند دلیل کند بر قوت حال پادشاهان لیکن در اندک  
روز کار و نیر دلیل کند بر فتنه و اشفتگی و خون ریختن بسیار  
بجانب مغرب و دشمنی و خصومت پادشاهان در ولایت روم  
و مرگ بسیار و هلاک مرغان و مامیان اندرین سال و الله اعلم

**فصل هفتم** در حکم دلیلهای افتادن ستاره اگر درین ماه  
ستاره بسیار افتد دلیل کند بر ترس و بیم مردمان و نا امنی  
و غم و اندوه رعیت از لشکریان لیکن غله و حبوبها فراوان  
باشد و نیز دلیل کند که اندرین سال زمین لرزه بسیار باشد  
و بیماری چهار پایان بود **فصل هشتم** در حکم دلیلهای  
فوتس قح اگر درین ماه ویرا بجانب مشرق پسته دلیل  
کند که دشمنان بر پادشاه طفر نمایند و بسیاری از امارا  
و مقربان پادشاه را هلاک کند و درختها و انگور را  
آفت رسد و برف و یخ بسیار باشد لیکن تابستان غله  
ارزان شود و سرما سخت باشد و مردم بود لیکن ایمنی  
باشد و اهل تجارت را کار و بار بسیار بود **فصل نهم**  
در حکم دلیلهای علامه حربه اگر ویرا اندرین ماه بجانب

مشرق پسندد دلیل کند که مردی بزرگ با پادشاه خویش عذر  
کند و بعد از آن ویرا بکشد و پادشاه را حال نیکو کردد و اندر  
آن ولایت بسیار خرابی پیدا شود و اگر ویرا بجانب مغرب  
پسندد دلیل کند که در ویرا زلزله و ولایت بر بر تنگی و  
فخط پیدا شود **فصل دهم** در حکم دلیلهای سرخی که  
در آسمان بیدید آید اگر سرخی بجانب مشرق پسندد دلیل کند  
که در آخر سال در ولایت مشرق جنگ و خون ریزی و  
اشغلی باشد و اگر سرخی بجانب مغرب پسندد آنچه گفتیم  
در ولایت مغرب بود اما میوهها از آن باشد و آن پاد  
را بر رعیت عدل انصاف بود و الله اعلم **فصل یازدهم**  
در حکم دلیلهای علامتی عجیب که در آسمان بیدید آید اگر اندرین  
ماه علامتی عجیب بیدید دلیل کند که زمان آفتاب را چو از

شکم پخته و نیز مردمان را با یکدیگر محاربه بسیار بود و اهل کجارت  
رامضرت و خمران رسد از سبب دروان **فصل دوازدهم**  
در حکم دلیلهای مانند شخصی که در هوا پیدا شود اگر درین ماه  
مانند شخصی در هوا پیدا شود دلیل کند بر سختی رستان و تنگی  
سال و ترس و بیم مردم و نیز دلیل کند که اندرین سال پادشاه آن  
دیار مملوک شود و بسیاری مردم از لشکر وی قتل آیند  
و خون ریختن باشد **فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای  
بانگ کردن رعده اگر در اول این ماه رعد نبرد و ماه زائد  
الوز بود دلیل کند بر جنگ و خصومت و خونریختن و آشوب  
ولایت و غم و اندیشه مردم و اگر ماه ناقص الوز بود  
دلیل کند که آنچه گفتیم در سال آینده باشد و باز سال باران  
و غم بسیار بود و از آن پس ایمنی و صلاح بدید آید

**فصل چهاردهم** در حکم دلیلهای درخشیدن برق اگر  
درین ماه برق بسیار جهد دلیل کند بر آشفتگی و تنگی ولایت  
مصر و بابل و قتل بسیار اندر آنجا و نیز دلیل کند بر زیادتی  
آبها و باریدن باران و نبات زمین بسیار بود و در تابستان  
بیماری بسیار باشد **فصل پانزدهم** در حکم دلیلهای آتشی  
که از هوا بر زمین افتد اگر درین ماه آتشی از هوا بر زمین افتد  
دلیل کند بر جنگ و فتنه و خون ریختن بسیار اندر آن دیار  
و خصوصت پادشاهان با یکدیگر و ناسیمنی و ترس و اندیشه  
مردم و نیز دلیل کند بر خنق بسیار اندرین سال **فصل**  
**شانزدهم** در حکم دلیلهای باریدن باران سخت اگر اندرین  
ماه باران سخت بارد دلیل کند که اندرین سال مردمان را در چشم  
بود و کشته و غله فراوان گردد و اگر باران سخت بسیار بارد

دلیل کند که مرکب مفاجات و پاریهای صعب بسیار بود  
**فصل هفتم** در حکم دلیلهای باریدن تگرگ اگر اندرین  
ماه تگرگ بیارد دلیل کند که اهل مملکت را درین سال خیر و خوش  
و نیکی رسد و از ملوک بر رعیت عدل و انصاف بود و غله  
و جو به وفراوان بود و بازار کانا را در شهرها خیر و منفعت بسیار  
**فصل هجدهم** در حکم دلیلهای باریدن خاک سرخ از  
موا اگر درین ماه خاک سرخ از هوا بیارد دلیل بود  
بر و با آفت چهار پایان و پاری بسیار و تفکر و اندیشه  
مردم از جور پادشاهان و از ناامنی و نیز دلیل کند که میوهها  
را آفت رسد اما غله بسیار بود و الله اعلم **فصل نوزدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن وزق یا گرم از ابر اگر درین ماه  
وزق یا گرم از ابر بارود دلیل کند بر محظ و غم و اندیشه

مردمان و کرانی ترخا و پاریهای و بای و جور پادشاهان بر رعیت  
و منفعت باز کانا از سبب رزدان و راه زنان و <sup>معشیت</sup>  
مردم **فصل بیستم** در حکم دلیلهای پیداشدن عمارت  
صعب از هوا اگر درین ماه عمارت صعب در هوا پیداشد  
دلیل کند بر آشفتگی ولایت و ناامنی و خصومت ملوکان  
با یکدیگر و جنگ و خون ریزن بسیار و در این سال مردم را  
کسب و منفعت بود **فصل بیست و یکم** در حکم دلیلهای  
ظلمت و تاریک شدن هوا اگر درین ماه ظلمت و تاریکی  
موا بید آید دلیل کند که اندرین سال نبات زمین و حیوانات  
فراوان بود و باران و نم در رستان بسیار باشد و اما <sup>بجای</sup>  
را منفعت بود اما کشتیها در دریا بسیار غرق شود  
**فصل بیست و دوم** در حکم دلیلهای جستن باد سخت اگر درین

بادی سخت بجد دلیل کند که پادشاه مشرق بحرب خصمی شود  
و بسیار مردم از لشکروی هلاک شوند و در دیار مشرق  
فحط و تنگی بود و رعیت را از مردم سپاهی بسیار بچ  
و مضرت رسد و در آخر سال صلح و ایمنی بدیداید **فصل نهم**  
**و سونم** در حکم دلیلهای باینکه که از نوا بشنوند اگر درین ماه باینکه  
از نوا بشنوند دلیل کند که سرمای سخت و برف و یخبندان  
بسیار بود و کمی میوه و نبات زمین باشد و تشویش مردم  
و خبرهای اراجیف و پیم و ترس رعیت از ملوک و مرگ چهارپایان  
**فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای باینکه که از زمین بشنوند اگر  
درین ماه باینکه از زمین بشنوند دلیل کند بر بیماریها و وبا و مرگ  
مفاجات و غم و اندیش مردم و زیانی آنها و زمین لرزه  
اما غله و حبوبات و فراوان باشد و از پادشاهان بر رعیت

عدل و انصاف بود **فصل پانزدهم** در حکم دلیلهای زمین لرزه  
اگر درین ماه بروز زمین لرزه دلیل کند که اندرین سال مردم راستگی  
بود اما کودکان بسیار بیمار شوند و شکرها جمع آیند و لیکن قتل  
و خورجین نماند و در آخر سال تنگی طعام بود و اگر زمین لرزه  
بیش بود دلیل کند بر غم و اندوه و اختلاف احوال مردم  
و اشفتگی ولایت از سبب دزدان و راه زنان و خون  
ریختن و بیماریهای مختلف باشد و باران و نم بسیار بود  
و **الله علم دلیلهای ماه شباط** ماه قیصر اریس  
ماه پارسیان فروردین ماه بدانکه ماه شباط است و  
سشت روز بود پس چون مغفنه از وی بگذرد جمره اول  
بر زمین افتد و چون چهارده روز بگذرد جمره دوم سفتد  
و چون سست و یکروز بگذرد جمره سوم سفتد و هشتم روز



اروی منزل بلیج برآید و طرفه فرود شود و پستم روز  
اروی منزل سعد برآید و حبه فرود شود و روز نختین  
اروی یا دوم ناچار بود که باران بیارد یا برف و وقت  
سرمای کم شود و در پای زویم این ماه زمین گرم گردد و باوی  
که در خاثر آب تن کند جستن گیرد **فصل نختین** در حکم  
دلیلهای کسوف اقیاب اگر درین ماه اقیاب بکشد دلیل  
کند که در جمله ولایتها قحط و تنگی بود و باران کم بارد  
و ماه نینان بلخ بسیار بد آید و مرک و وبا در چهار پاپان  
افتد و احوال پادشاه فارس بد گردد و خوارج بروی بدر  
و در شهر مارتس و ناایمنی بود و مردی از رعیت در وقت  
فارین پادشاهی بنشیند و روز کاری ملک بروی  
قرار گیرد **فصل دوم** در حکم دلیلهای خسوف ماه

اگر درین ماه ماه بگیرد دلیل کمزیر نم و باران بسیار و  
ماری و مرغان بسیار اندرین سال باشند و گشت و غله  
و حبوبها میک باشد و اگر رنگ ماه بوقت خسوف  
سخت سیاه بود دلیل کند که میان اهل و کفر جنگ و  
خسوفت و خونریختن بسیار باشد و ناایمنی از فرزندان باشد  
**فصل سوم** در حکم دلیلهای دایره اقیاب اگر  
درین ماه دایره اقیاب بنشد دلیل کند که اندرین سال و باو  
بیماری بسیار بود و نم و باران بسیار باشد و مردم زکام  
و زلزله و سرفه بسیار باشد و نباتات و جوها فراوان بود  
**فصل چهارم** در حکم دلیلهای دایره ماه اگر درین ماه  
دایره ماه بنشیند دلیل بود بر نم و باران بسیار و زیادتی  
آبها چشمه و رود در فصل بهار نباتات زمین بسیار

و از پادشاهان بر رعیت عدل و انصاف بود و آنرا  
پاری بسیار باشد لیکن سلاطین بود **فصل پنجم**  
در حکم دلیلهای بر آمدن ماه نو اگر درین ماه پند که ماه  
راست بر آید دلیل کند بر سرمای سخت و برف و بچ بسیار  
در زمستان و اگر نیند که نپداری یک جانب وی بر خاست  
دلیل کند بر بسیاری ابر و باران و زیادتی آبهای چشمه و رود  
و نبات زمین و گشت و رز سخت یک باشد **فصل ششم**  
در حکم دلیلهای ستاره کیسودار اگر درین ماه پند دلیل کند بر مرگ  
پادشاهی بزرگوار و در میان پادشاهان جنگ و خصومت افتد و اهل  
عین را احوال بخت دشود و در آنجا خربت بسیار بود و در ولایت  
آسوازش فکلی و نا امانی بود و آبها زنده شود لیکن باران کم بارد  
و سیو مانند بود و بادها بسیار باشد و اندرین سال اشفتن دریا

سما

بسیار بود **فصل هفتم** در حکم دلیلهای افتادن ستاره  
اگر اندرین ماه ستاره بسیار افتد دلیل کند که مردی بزرگوار بمیرد  
و دیگری بجایگاه وی بنشیند و مردم و بازرگانان و اهل تجارت  
را کسب و منفعت کم تر بود اندرین سال و امانی باشد **فصل هشتم**  
در حکم دلیلهای و تس قزح اگر ویرا بجانب مشرق پند دلیل  
کند که بسیار کس از حجاب و ام ابر ملوک عاصی شوند اندرین  
سال و اگر ویرا بجانب مغرب پند دلیل کند که پادشاه بامردمان  
جنگ و خصومت کند و لیکن در دشمنان طغیان نماید و بعضی از  
حکما گفته اند که دشمنان در شهرها شوند و خرابی بسیار کنند  
و در ولایت مصر جنگ و خصومت و اشفتگی بود و باران  
بسیار بارد و در مغرب طغ بسیار بدید آید و سه سال اندر  
انجا قحط و تنگی بود چنانچه مردم آنجا از شهرهای خود لشکرهای

دیکرگزیند **فصل نهم** در حکم دلیلهای علامت جوبه اگر درین  
ماه ویرا بجانب مشرق پند دلیل کند بر مرک کوسفندان و چهار <sup>مان</sup>  
و بسیاری باران و سگی طعام بود و دو دوام اندرین سال بسیار  
باشد مردم را از ایشان رنج و مضرت بود خاصه در ولایت  
رگستان و اگر ویرا بجانب مغرب پند دلیل کند که در میان  
مردمان گفت و گوی و خصومت بسیار افتد و خبرهای اراغی  
کویند و در میان ملوک مغرب محاربه و خصومت افتد و قوت  
اهل اسلام را باشد و با خبر گفتار ایشان خراج فرستند و اعم  
**فصل دهم** در حکم دلیلهای سرخی که در آسمان بیدید آید  
اگر سرخی بجانب مشرق بود دلیل بود بر بسیاری ابر و باران  
و اگر بشب سرخی پند و روزی سخت تاریک و مظلم کرد و  
دلیل کند که پادشاهی بزرگوار ممالک شود و اگر سرخی بجانب

مغرب پند دلیل کند که آنچه گفتیم در ولایت مغرب باشد  
**فصل یازدهم** در حکم دلیلهای علامتی عجیب که در آسمان  
بیدید آید اگر اندرین ماه از آسمان بیدید آید دلیل کند که اندرین  
سال زنان آبتن را بچه از شکم بسیار افتد و نیز دلیل کند که  
مردمان را بر یکدیگر قتل و محاربه بسیار باشد و مضرت بود بازرگان  
از سبب دزدان **فصل دوازدهم** در حکم دلیلهای مانند شخصی  
که در سوایند اشود اگر درین ماه از آسمان بیدید آید مانند شخصی  
دلیل کند بر ممالک پادشاهی بزرگوار و قتل و نزاع بسیار  
اندر آن دیار و غم و اندیشه مردم از محط و تنگی و نا امانی  
و اهل ستاق و از شکر بیان رنج و مضرت رسد **فصل**  
**سیزدهم** در حکم دلیلهای بانک کردن رعد اگر درین ماه رعد بفرود  
دلیل کند که اندرین سال انگور و میوهها بسیار باشد پس اگر

سخت بفرود پست که در ماه میان چندان روز که ازین ماه  
گذشته باشد درختها انکور را آفت رسد اگر بعد بفرود دلیل  
بر مرکب بسیار و کمی غله و میوه و اگر بوقت عین رعد ماه ناقص  
النور بود دلیل کند که آنچه گفتیم در سال آئینده و بعضی از حکما گفته اند  
که اگر ماه ناقص النور بود و رعد بفرود انکور و غله اندرین سال بسیار  
**فصل چهاردهم** در حکم دلیلهای درخشیدن برق اگر درین  
ماه برق بسیار جهد دلیل کند که اندرین سال بارانها بسیار  
بود و آبها فراوان شود و میوه و غله و نبات زمین بسیار باشد  
و مردم را کسب و ایمنی بود و بارزگانانرا منفعت باشد و نیز  
دلیل کند که پادشاهی بزرگ از مجوسیان کشته شود **فصل**  
**پانزدهم** در حکم دلیلهای آتشی که از سوا بر زمین افتد اگر درین ماه  
آتشی از سوا بر زمین افتد دلیل کند بر هلاک دشمن پادشاهی

بزرگ و آشننگی و مضرت مسافران از سبب در دقان و راه زانها  
و غم و اندیش مردم و نیز دلیل کند بر بیماری و هلاک چهار پایان  
و ناایمنی خاصه در آخر سال **فصل شانزدهم** در حکم دلیلهای  
باریدن باران سخت اگر درین ماه باران سخت بیارد و دلیل کند  
که سال نیک بود و مردمانرا ایمنی و سلامت باشد و نعمت فراخ  
بود و بازارگانانرا کسب و معیشت باشد و بر رعیت از پادشاهان  
عدل و انصاف بود و حرمانرا او ان باشد **فصل هجدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن تگرگ اگر اندرین ماه تگرگ بیارد دلیل  
کند بر غم و اندوه پادشاهان آن دیار و در آخر سال تنگی  
و محظ بود و رعیت را از شکر باین رخ بسیار رسد و غله و حبوبات  
کمتر باشد و مسافرانرا در سفرهای زیان افتد از ناایمنی **فصل**  
**هجدهم** در حکم و دلیلهای باریدن خاک سرخ از سوا اگر درین ماه

خاک سرخ از موایبار و دلیل کند که مردم اندرین سال شوش  
کردند و راههای سفر بر اهل تجارت مقطع کرد و در ولایت رکنبار  
رنج و تنگی و ناآسینگی بود و بسیار مردم اندر آنجا هلاک شوند  
**فصل نوزدهم** در حکم دلیلهای باریدن وزق یا گرم از ابر اگر  
درین ماه وزق یا گرم از ابر بارد دلیل کند بر گرانی برنها و مرگ  
چارپایان و بیماری و بانگی چون تب و سرسام و علتهای صعب  
و مرگ زنان و کودکان بیشتر باشد خاصه در اول سال و اده علم  
**فصل بیستم** در حکم دلیلهای پیداشدن غباری صعب از هوا  
اگر درین ماه غباری صعب از هوا پیداشود دلیل کند بر جنگ  
و خصومت مردم با یکدیگر و قوت حال پادشاهان و ضعف احوال  
رعیت از نسب مصادره و جور ملوک اما در آخر سال احوال مردم  
بتر شود و کسب و امینی بدید آید **فصل بیست و یکم** در حکم دلیلهای

طلعت و تاریکی هوا اگر درین ماه طلعت و تاریکی در هوا بدید آید  
دلیل کند بر مرگ چارپایان و شوش مردم اما غله و جو بهای  
و نبات زمین فراوان بود و اهل تجارت را در سفرها سود و  
منفعت بود و امینی باشد خاصه در اول سال **فصل بیست و دوم**  
در حکم دلیلهای حستن باد سخت اگر درین ماه باد سخت بجد و لگن  
که اندرین سال میوهها بفساد رود و پادشاهی از آن دیار اندر حربه  
کشته شود و اشنگتی و شوش مردم باشد و مسافران از سفر  
خطر بود از نسب دردان در راه زنان و عاقبت کار احوال  
سنگو گردد و اده علم **فصل بیست و سوم** در حکم دلیلهای با یکی که  
از هوا بشنوند اگر درین ماه با یکی از هوا بشنوند دلیل بود بر  
سرمای سخت و کمی میوهها و خیرهای اراجیف و خصومت پادشاهان  
مشرق با یکدیگر و جنگ و فتنه و ضعف احوال رعیت از لشکرهای

وکی معیشت مردم از پی کسی و نایمینی **فصل پنجم** در حکم  
دلیلهای مابکلی که از زمین بشنوند اگر درین ماه مابکلی از زمین بشنوند  
دلیل کند بر کسی تاستان و خشکی سال و کمی گیاه و نبات  
زمین و کرانی رختا و پرون آمدن خوارج بر ملک و اشغلی و لا  
از سبب زردان و راه زمان و غم و اندیشه مردم **فصل**  
**ششم** در حکم و دلیلهای زمین لرزه اگر درین ماه بر زمین  
لرزد و دلیل کند بر غلّه زردان و حرامیان بر پادشاه  
ان ولایت و بیماری بسیار بود لیکن احوال مردم  
سنگ کرد و طعام و نعمت بسیار شود و در ولایت محط و سگی  
بود و مرکب بسیار باشد و اگر زمین لرزه شب بود دلیل بود که  
دیههای آن دیار جواب شود از غارت لشکر چکانه یا ارشکر  
پادشاه آن ولایت و در میان مردم اراجیف و بیم و ترس بود و آنها

افزون شود و مرکب جوانان بسیار بود و آنکه علم بالاصواب  
دلیلهای آزار ماه **روم** بدانکه آذاری و یک روز  
بود و اندزوی روز و شب یکسان کرد و چهارم روز از وی  
منزل اجتناب براید و روزه نشود و شازدهم روز از وی  
فزع المعظم براید و نشود و سبت و نهم روز از وی  
فزع الموفز براید و عواذ و شود **فصل هفتم** در حکم دلیلهای  
کسوف آفتاب اگر درین ماه آفتاب بگیرد و دلیل کند بر ازانی  
غله و نرخ طعام و بسیاری میوهها و نیز دلیل کند که پادشاه را  
یا مردی بزرگوار در ولایت شام بزمه هلاک کند و اگر آفتاب  
بوقت کسوف سرخ بود دلیل کند بر محط و سگی و کرانی غله و  
مردم در بلا و ترس و بیم باشند از نایمینی را مسها و ولایا  
**فصل هفتم** در حکم دلیلهای خسوف ماه اگر درین ماه

دلیل کند بر قحط و سستی در همه جای کامی لیکن نامی و مرغان  
آبی درین سال بسیار باشد و در ولایت مصر جنگ و قتل  
و خون ریختن بود و اموال مردم ایشان تاراج دهند و باران  
کم بارد و بعضی از حکما گفته اند که مردی بزرگوار یا پادشاهی  
ملاک شود و اگر رنگ ماه بوقت خوف سیاه بود دلیل  
کند که درختای انکور سیاه شود و نیز دلیل کند که در چشم  
و درد کلوب بسیار بود و اگر ماه بوقت خوف سپید بود دلیل  
کند بر مبارکی سال و باران بسیار و زرخه از آن شود  
خاصه در آخر سال **فصل ششم** در حکم دلیلهای دایره  
افتاب اگر درین ماه دایره افتاب پسند و دلیل کند که اندرین  
سال در همه چیزها برکات بود خاصه که دایره در اول ماه پسند  
پس اگر دایره در آخر ماه پسند دلیل کند بر بیماری بسیار و

و حضومت و دشمنی مردم با یکدیگر و نم و باران بسیار بود  
و نیز دلیل کند که مردی بزرگوار از پادشاهی بگریزد **فصل**  
**هفتم** در حکم دلیلهای دایره ماه اگر درین ماه دایره ماه پسند  
دلیل کند بر نم و باران و نباتات بسیار و زیادتی آنها چشمه  
و رود و عدل و انصاف پادشاهان بر رعیت و اینجی ولایت  
خاصه که دایره در اول ماه پسند و اگر در آخر این ماه پسند  
بجلاف این باشد **فصل هشتم** در حکم دلیلهای برآمدن  
ماه نو اگر درین ماه پسند که ماه مهلال راست برآمده  
دلیل کند بر نقصان همه چیزها و اگر پسند که پندارند که یک  
جانب وی بر خاسته است دلیل کند که غله و میوهها بسیار  
بود و زرخه از آن شود و سالی پسندیده و صالح باشد  
و اگر باین حال که گفتیم باران بارود دلیل کند بر بیکارستن

غلتا و فراخی نعمت اندرین سال و اینی ولایت و کار و کسب  
**فصل ششم** در حکم دلیلهای ستاره کیسودار اگر درین ماه  
ستاره کیسودار پند دلیل کند بر مرک فقیر روم یا بر مرک  
پادشاه مغرب و در ولایتهای ترس و بیم و فتنه و اشفتگی  
بود و طعام عزیز باشد و در میان مردم جنگ و خصومت  
بسیار بود و اگر آن ستاره در ناحیه مشرق بود دلیل  
کند بر جنگ و فتنه و زرد و راه زن و حرامی و خرابی دیهها و  
پرونی آمدن خوارج بر پادشاهان و ضعف احوال اهل دین  
و قتل و خونریختن و جور و ظلم ملوک بر رعیت و بیشتر بخت  
مردم روستا را بود بعد از آن پادشاهان از خوارج طغیان  
و ولایتهای این شود **فصل هفتم** در حکم دلیلهای افغان  
ستاره اگر درین ماه ستاره بسیار افتد دلیل کند که پادشاهی

بزرگ ببرد از آن طرف که ستاره بر جانب وی افتد و محسوس شود  
و مردم آن دیار رنج و مضرت رسد از دروزان و لشکر بیگانه  
و سرانجام صلح کنند و احوال مردم سیکو کرد **فصل هشتم**  
در حکم دلیلهای قوس قزح اگر درین ماه بجانب مشرق  
پندد دلیل کند که در میان دو پادشاه جنگ و خصومت افتد  
و بسیاری مردم در میان هلاک شوند و اگر در جانب مغرب  
پندد دلیل کند بر مرک بسیار و قحط و تشکی تا سه سال خاصه در ولایت  
مغرب و بعضی از حکما گفتند که دلیل کند بر بیماری مرک  
کند و باریدن باران و پرونی آمدن خوارج بر پادشاه بابل و  
باخرطفر و پرا بود و اگر در آخر ماه بجانب مغرب پندد دلیل  
کند بر بدی احوال مردم و سه سال قحط و تشکی بود و باران و نم  
بسیار بارد چنانکه گشت و زرزرا از آن مضرت باشد و الله اعلم



**فصل نهم** در حکم دلیلهای علامت حربه اگر درین ماه  
ویرای جانب مشرق پسند دلیل کند که اندر ولایت مشرق نازکانه  
اموال جمع کنند و اهل ضیاع از هر جانب بهم جمع شوند از ترس  
و بیم و نم و باران بسیار بود اندرین سال و اگر ویرای جانب  
مغرب پسند دلیل کند که درین سال مرگ و بیماری بود و باران  
بسیار بارد و بلخ بگومها اندر شود و پادشاهان تعرض کنند  
اهل تجارت را و خداوندان مال را سه سال **فصل دهم**  
در حکم دلیلهای سرخی که در آسمان بیدیدید اگر سرخی بنجاب  
مشرق پسند خاصه در اول ماه دلیل کند بر سکونی احوال مردم  
و ارزانی زرها و معیشت و خیر مردم و اگر در آسمان در ماه  
ارباب دستان بر رعیت پیدا دوستم بسیار باشد و اگر سرخی  
بجانب مغرب پسند خاصه که ماه ناقص الهوز بود دلیل کند

۷۱  
که رنستان سخت سرد باشد و برف و یخ بسیار بود و مردی  
بزرگ بر پادشاهی عاصی شوند و در ولایتش بسیار جوانی کنند  
و رعیت را از زورنج رسد **فصل یازدهم** در حکم دلیلهای  
علامتی عجیب که در آسمان بیدیدید اگر درین ماه علامتی عجیب از  
آسمان پیدا شود دلیل کند که اندرین سال مرگ بسیار باشد بر جان  
و مردم را غم و مصیبت بود اما غله و حبوبات و میوهها فراوان  
باشد و کسب و امینی بود خاصه در آخر سال **فصل دوازدهم**  
در حکم دلیلهای مانند شخصی که در هوا پیدا شود اگر درین ماه مانند شخصی  
در هوا پیدا شود دلیل کند بر هلاک پادشاهی بزرگوار و افسوس  
ولایت و تسکین طعام و نایمینی از نسیب در دزدان و راه زنان و  
یکسبی مردم از میوهها و خرما و انگبین بسیار بود **فصل سیزدهم**  
در حکم دلیلهای بانگ کردن رعد اگر در اول این ماه رعد نبرد

دلیل کند بر بسیاری نبات زمین و گیاه و اگر بعد نبرد  
و ماه زائد النور بود دلیل کند بر صلاح احوال مردم و خیر  
برکات بسیار اندرین سال و اگر بوقت عنین رعد ماه نعل  
النور بود دلیل کند بر عاقبت احوال مردم و ناامنی سال و فراخی  
نعمت و بسیاری جو و گندم و جو بابت **فصل چهارم در حکم**  
دلیلهای درخشیدن برق اگر درین ماه برق بسیار بجدیل  
کند که در اول سال چهار پیاپی آفت رسد و قتل و عارت  
و فتنه بسیار بود و مردم در اندیشه و غم و اندوه باشند  
و اهل تجارت را کسب و معیشت کمتر بود اما طعام فراوان باشد  
**فصل پنجم** در حکم دلیلهای آتش که از مواز بر زمین آفتند  
اگر درین ماه آتش از مواز بر زمین آفتند دلیل کند بر ظلم و جور  
پادشاهان بر رعیت و نیز دلیل کند بر صعوبت رشتان و بر

و غن بسیار و بر خصومت و مخالفت ملوک با یکدیگر و تشویش  
مردم و اندیشه بسیار **فصل شانزدهم** در حکم دلیلهای باریدن  
باران سخت اگر درین ماه باران سخت بیاید دلیل کند که  
مردم را اندرین سال راحت و خیرات بسیار باشد و میوهها و نبات  
زمین و گیاه و ماهی اندرین سال فراوان باشد و مردم را  
کسب و معیشت و منفعت بود اما چهار پیاپی زراعتی و آفت  
رسد **فصل نهم** در حکم دلیلهای باریدن تگرگ اگر درین  
ماه تگرگ بارد دلیل کند بر خون رنجین بسیار و منافعت  
شکرمان با یکدیگر و تشویش مردم و اختلاف خبرها و آراء  
و ضرر ان بازرگان و مضرت ایشان از سبب زردان و راه ران  
و ناامنی ولایت **فصل** بجدیم در حکم دلیلهای  
باریدن خاک سرخ از مواز اگر درین ماه خاک سرخ از مواز

دلیل کند بر ترس و پیمردمان و تنگی احوال مردم و محطو  
کر سنگی و قتل و فتنه و خون ریختن بسیار اندرین سال  
در آن دیار و غم و اندیشه مردم از سبب پیکسی و ناامنی  
ولایت **فصل نوزدهم** در حکم دلیلهای باریدن و زرق یا گرم  
ایر اگر درین ماه و زرق یا گرم از ابر بسیار دلیلی کند بر غم و باران  
بسیار و زیادتی آبها و نیز دلیلی کند که میوهها را آفت رسد اما  
غله و جو بابت و نبات زمین فراوان بود و مردم را کسب و  
منفعت باشد و بیماریها بسیار باشد **فصل بیستم** در حکم  
دلیلهای پیداشدن عبادی صعب ارنوا اگر درین ماه عبادی صعب  
از مواید شود دلیل کند بر گرمی تابستان و بسیاری میوهها  
و بیماریهای صعب و کمی گیاه و نبات زمین و خبرها از آفت  
و جنگ و خصومت مردمان با یکدیگر و نیز دلیلی کند که مردم از <sup>دوام</sup> <sup>از</sup> <sup>درد</sup>

۲۱  
مصرت رسد **فصل بیست و یکم** در حکم دلیلهای ظلمت و تاریکی  
شدن هوا اگر درین ماه بروز ظلمت و تاریکی هوا بیداید دلیل  
بر حرکت باد شاه و رنج و بیماریهای صعب و غم و اندیشه است  
از جو و ظلم ملوک اما غله و جوها و میوه فراوان بود و مردم را  
کسب و منفعت بسیار باشد **فصل بیست و دوم** در حکم دلیلهای  
جستن باد سخت اگر درین ماه باد سخت بجد دلیلی کند که اندرین  
سال غم و باران و نبات زمین بسیار باشد و مردمان را رنج  
و بیماریهای صعب بود و باشد که میوهها بفساد شود از  
بسیاری باران و نم و مرگ زنان و دختران بیشتر باشد  
**فصل بیست و سوم** در حکم دلیلهای باکنی که ارنوا بشنوند  
اگر درین ماه باکنی ارنوا بشنوند دلیل کند بر فساد حال  
مردم و ناسازگاری زنان با مردان و خصومت و عداوت

مردمان بایکدیگر و رنجوری و بیماری صعب چون سرسام و ذاکت  
و بتای صغراوی **فصل پنجم** در حکم دلیلهای بانگی که از زمین  
بشوند اگر درین ماه بانگی از زمین دلیل کند که اندرین سال پادشاه  
ان ولایت هلاک شود و مردم در غم و اندیشه و تکر باشند و  
بآخر سال محظوظی طعام بید آید و احوال بازارگانان بد بود از  
سبب راه زمان **فصل ششم** در حکم دلیلهای زمین لرزه  
اگر درین ماه بر زمین لرزد دلیل کند بر بدی احوال و خلافتها و  
جریا اراجیف و در ولایت مصر جنگ و فتنه و خون ریختن بود  
و مرک چهار پایان بسیار باشد و پادشاه آن دیار بمردونا  
ایمنی بود از دروزدان و راه زمان و بیماریهای مختلف بسیار باشد  
و اگر زمین لرزه بسبب بود دلیل کند بر قتل و جنگ و خون ریختن  
در آن دیار که زمین وی همی لرزد و اگر با زمین لرزه ستاره بزرگ

بریزد در میان مردم جنگ افتد و بر رعیت از پادشاهان جور  
و ظلم باشد و الله علم بالصواب **دلیلهای ماه نیسان**  
بدانکه ماه نیسان سی روز بود و دهم روز از وی منزل ریشاب آید  
و سماک فرو شود و پست و دوم روز از وی شریطن بر آید و غفر  
فرو شود و حکما چنین گویند که چون در ماه نیسان ماه نوسود  
در منزل شریطن دلیل کند که آن سال باران بسیار بارد و در  
مفتم این ماه بنا در بود که نم یا باران بارد و در دهم این ماه بود  
وفات آدم علیه السلام **فصل هفتم** در حکم دلیلهای کسوف  
اگر درین ماه افتاب بکشد دلیل بود که خیرهای نوز و حادثهای  
عظیم در ملتها بید آید و در ختایف دستود و بیماریها بسیار  
بود و اگر آنکه افتاب در وقت کسوف سرخ باشد دلیل کند  
بر جنگ و خصومت بسیار در میان مردم و غله را افت رسد

وزنان آبتن پی سبب فرزند بسیار افکنند و نیز رزگواری  
یا پادشاهی اندرین سال مملکت شود **فصل دهم**  
در حکم دلیلهای خوف ماه اگر درین ماه ماه بگیرد دلیل کند که در  
همه شهرهای آنکه بود و درجهای انکورا افت رسد  
در میان مردم جنگ و قتل و خسارت و بیماریا و دردم  
و در چشم اندرین سال بسیار بود و در ولایت محظ و تشکی  
و جنگ و قتل باشد **فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای دایره  
انقلاب اگر درین ماه دایره انقلاب بنشیند دلیل کند که مردمان  
زومایه و دون در همه جایکایه قوت گیرد و غلبه کنند  
بزرگان و اهل صلاح و مردمان را بیماریا و صعبی بسیار بود  
و مرگ کودکان شسته بود و بادهای سخت اندرین سال  
بسیار بود **فصل چهارم** در حکم دلیلهای دایره ماه اگر درین

دایره ماه پنند دلیل کند که مملکت پادشاه بروی مستقیم  
و پاینده باشد و آبهای چشمه و جامها زیاد شود و غلبه و جو  
و نبات زمین بسیار بود اما مردم را کسب و منفعت کمتر بود  
**فصل نهم** در حکم دلیلهای برآمدن ماه نو اگر درین ماه بنشیند  
که ماه هلال راست برآید دلیل کند که زن آبتن را اندرین  
سال بسیار فرزند از شکم بزبان آید و در زادن برایشان صعب  
شود و اگر بنشیند که یک جانب وی بر خاسته است دلیل کند که  
مرگ کودکان بسیار بود و اگر در اول این ماه هلال نو شود  
دلیل کند برغم و باران و نبات بسیار **فصل ششم** در حکم  
دلیلهای ستاره کیسودار اگر در این ماه بنشیند دلیل کند  
بر مرگ پادشاهی بزرگوار و قتل عظیم و جنگ و خسارت میان  
ملوک مابین و بابل و روم و و با و محظ و تشکی بود در ولایت

بابل و مرکب بسیار و بیماریهای صعب بود و در ولایت فارس  
نمایم باشد **فصل هفتم** در حکم دلیلهای افتاد  
ستاره اگر درین ماه ستاره بسیار افتد دلیل کند بر  
تسویس مردمان و اندیشه و خبرهای اراجیف و خسران بازرگانان  
و هلاک پادشاه بزرگوار و بدی احوال روستا از جور و ظلم  
سکرها مخالف و نمایم مردم **فصل هشتم** در حکم دلیلهای  
فوت سحر اگر در ایجاب مشرق پسند دلیل کند که در ولایت  
امواز نشسته و بلا و اختلاف افتد و در بابل و دیار نوبه بیماری  
صعب و مختلف باشد و باران بسیار بارد و رنستان سخت  
سرد بود و برف و یخ بسیار باشد و در ولایت مغرب جنگ  
و خصومت و خونریزی بود و پادشاهان بمقران خویش خشم کنند  
و اگر در ایجاب مغرب پسند دلیل کند که در ولایت مصر محظوظ

دلیلی

و تنگی و گرانی بر آنها بود و در مغرب اشعکلی و اختلاف و  
نمایم باشد اندرین سال **فصل نهم** در حکم دلیلهای  
علامه حربه اگر درین ماه ویرای اجاب مشرق پسند دلیل کند  
که در ولایت فارس و خوزستان بلا و تنگی بود و بسیار  
مردم اندر اجاهلاک شوند و اگر در ایجاب مغرب پسند  
دلیل کند بر قتل و خونریزی بسیار خاصه در ولایت مغرب  
و پادشاه آن دیار جور و ظلم کند بر رعیت و مردم از ظلم او در بلا  
باشند و نیز دلیل کند بر برف و بارانهای بسیار اندرین سال  
**فصل دهم** در حکم دلیلهای سرخی که در آسمان بیداید اگر در  
ماه سرخی در مشرق پسند دلیل کند بر فتنه و رنج و بلا و اشعکلی  
در ولایت فارس لیکن با خونسال راحت و امنی بیداید  
و اگر سرخی بجانب مغرب پسند دلیل کند که جنگ و فتنه و

و اشکلی در ولایت مغرب بود در نستان سخت سرد بود  
و برف و یخ بسیار باشد و آبها در زیادتی باشد **فصل یازدهم**  
در حکم دلیلهای علامت عجب که در آسمان بیدید آید اگر درین  
ماه علامت بیدید در آسمان دلیل کند که اندرین سال باران  
بسیار بارد و محتشان و خداوندان مال را از ملک مصافحه  
و غم و اندوه رسد و بسیاری کشتیها در دریا غرق شود **فصل**  
**دوازدهم** در حکم دلیلهای مانند شخصی در سواید شود اگر درین ماه  
مانند شخصی در سواید شود دلیل کند بر غم و اندیش مردم و مرگ  
مفاجات و بیماریها و باده و هلاک پادشاهی بزرگوار و قتل و خون  
ریختن بسیار و بدی احوال روستا و نایمنی مردمان **فصل**  
**سیزدهم** در حکم دلیلهای بابت کردن رعد اگر درین ماه در هفته اول  
رعد بفرود دلیل کند بر خیر و صلاح پادشاه آن شهر و غله و حبوبات

۴۷  
اندرین سال بسیار بود و اگر با غرین رعد یا دشمال خیزد دلیل کند  
بر فساد و آفت کشت و رز و انگور و اگر بوقت غرین رعد  
زاید انور دلیل کند بر نعمت و فراخی سال و بسیاری میوه  
و ترنج کردن اندرین سال بسیار بود و اگر بوقت غرین رعد  
ماه ناقص انور بود دلیل کند که آنچه گفتیم در سال آئینده باشد  
**فصل چهاردهم** در حکم دلیلهای در خشدن برق اگر درین ماه  
برق بسیار جهد دلیل کند بر بیماری بسیار خاصه در ولایت  
بابل و اگر باد خشدن برق باد سخت جهد خاصه از جانب  
مشرق دلیل کند که پادشاه مشرق مدی بزرگ را از لشکر  
خویش هلاک کند و اگر باد خشدن برق باد از جانب  
جهد دلیل کند که سال نیک و مبارک باشد و غله و حبوبات  
و میوه بسیار بود اما از مردمان پارسا و پرسیه کار بسیار گس

هلاک شود در کفام و سرفه و زلزله اندرین سال بسیار باشد و مرک  
بسیار بود لیکن در آخر سال فراخی تمت و ایمنی بود **فصل**  
**پانزدهم** در حکم دلیلهای آتش که از سوا بر زمین افتد اگر اندرین ماه  
آتش از سوا بر زمین افتد دلیل کند بر جنگ و خصومت و  
اشفتگی و غم و اندیشه مردمان آن ولایت که آتش در روی افتاده  
باشد و نیز دلیل کند که بسیار از چهار پایان اندرین سال  
هلاک شوند و درختهای میوه را افت رسد **فصل شانزدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن باران سخت اگر درین ماه باران سخت  
بارد و دلیل کند بر اقبال و مبارکی سال و خیرت و کسب  
مردم و بعضی از حکما گفته اند که هیچ تأثیری از خیر و شر نکند  
اما گیاه و نبات زمین فراوان باشد و نم و باران بسیار  
بود **فصل هفدهم** در حکم دلیلهای باریدن بکرک اگر درین ماه

بکرک بارد و دلیل کند بر بیماریهای صعب و مرک و قتل و فویرکتن خاصه در  
زمین مایل و درین سال نم و باران بسیار بود و نبات زمین و گیاه فراوان  
باشد و پادشاه بابل بر دشمن طغریابد **فصل مجدهم** در حکم دلیلهای  
باریدن خاک سرخ از سوا اگر درین ماه خاک سرخ از سوا بیاید و دلیل کند  
بر خبرهای راجیف و اشفتگی ولایت و ناایمنی و غم و اندیشه و  
بدی احوال مردمان آن دیار و نیز دلیل کند که غله و نبات زمین  
و جو بهای کمتر بود اندرین سال **فصل نوزدهم** در حکم دلیلهای  
باریدن وزق یا گرم از سوا اگر درین سال وزق یا گرم از سوا بارد  
و دلیل کند بر بیماریهای صعب چون سرسام و برسام و ذات  
الجنین و آنچه بدین ماند و مرک چهار پایان باشد و مردم را غم و اندیشه بود  
از سبب اشفتگی ولایت و سیکبی و مصا دره **فصل بیستم**  
در حکم دلیلهای غباری که از سوا پیدا شود اگر درین ماه غباری



صعب از نو پدید شود و لیل کند که خوارج بر پادشاه آن دیار  
خروج کند و بسیار مردم را از آن لشکر خنارت و مصرت رسد  
و با خرفند پادشاه را بود و دشمن بر دست وی ملامت شود  
**فصل سست و یکم** در حکم دلیلهای ظلمت و تاریکی هوا اگر درین  
ماه بروز ظلمت و تاریکی در هوا پدید آید دلیل کندرت تابعی میو  
و افت گشت و غله و مرک چهارپایان و خصوصت مردم با یکدیگر  
و خبرهای اریحیف و خمران اهل تجارت اندرین سال **فصلت**  
**و دوم** در حکم دلیلهای جستن باد سخت اگر درین ماه بادی سخت  
بجهد و لیل کندرت تابعی میو و کمی آنها و نبات زمین و اگر جستن  
باد باران بیارد دلیل کند که غله و حبوبات بریان آید و برستان  
سرما صعب بود و برف و یخ بسیار باشد و مرک چهارپایان  
بود **فصل سست و سوم** در حکم دلیلهای تاریکی که از هوا بشنوند

اگر درین ماه تاریکی از هوا بشنوند دلیل کندرت جنگ و خون ریزختن  
و غم و اندیشه مردم از پریشانی و برستان سرمای صعب بود  
و برف و یخ بسیار باشد و چهارپایان از سرما بسیار ملامت شوند  
**فصل سست و چهارم** در حکم دلیلهای تاریکی که از زمین بشنوند  
اگر درین ماه تاریکی از زمین بشنوند دلیل کندرت کراماتتستان و کمی آنها  
رود و کارز و چشمها و غم و اندیشه و خصوصت مردم با یکدیگر  
و نیز دلیل کند که پادشاه آن دیار ملامت شود و ولایت آشفته گردد  
**فصل سست و پنجم** در حکم دلیلهای زمین لرزه اگر درین ماه  
بروز زمین بلرزد و لیل کندرت باران بسیار و مرک مردی  
بزرگوار و نیز زمین لرزه در از کشد و دزدولایت روم قحط و کمی  
و مرک چهارپایان بود و بعضی حکما گفته اند که دلیل کندرت قتل  
و خون ریزختن بسیار در زمین بابل و خراسان و بسیار مردم اینجا

کشته شوند از مخالفت که در میان ایشان افتد و اگر زمین لرزه باشد  
باشد دلیل کند بر مرک بسیار و گرمای سخت و اشفتگی و غلبه مردم  
بایکدیگر و اگر بار زمین لرزه مکرر باشد دلیل کند که در ولایت فارس  
قتل و خونریزی و فتنه باشد و همچنین در ولایت بابل و پادشاه معرب  
کار بلند و نیکو گردد و بر جمله دشمنان خویش ظفر ریابد و ایشانرا  
مغزور گرداند و اگر بار زمین لرزه ماه تازمان سیه روز تمام  
بود دلیل کند که پادشاه بابل را بلا و محنت و پیم باشد از دشمنان  
و در ولایت شام زخما ارزان و اگر ماه تازمان سیه کم یک روز  
بود دلیل کند بر بیماری ابرو باران و مرک و بیماری صعب  
و الله اعلم بالصواب **دلیلهای ماه ایار** بدانکه ایار  
سیه و یک روز بود هشتم روز از قوی منزل یطین برآید و زبانه فرو  
نشد و سپتم روز از قوی برآید و اکلیل فرو شود

**فصل نخستین** در حکم دلیلهای کسوف اقیاب اگر درین ماه  
اقیاب بگیرد دلیل کند که چیزهای نو و حادثهای عظیم در  
ملکها بدید آید و میوهها از درختان زوریزد و در ولایتها اشفتگی  
و خرابی بود و اراجیف بسیار کونند و اگر رنگ اقیاب  
بوقت کسوف سرخ بود دلیل کند بر جنگ و خون ریختن  
بسیار **فصل نهم** در حکم دلیلهای خسوف ماه اگر  
درین ماه بگیرد دلیل کند بر جنگ و خصومت و مرک  
بسیار و در ولایت فارس و بابل قحط و تشکی بود و باران  
بسیار بارد و میوهها و مرغ آبی بسیار باشد خاصه در ولایت  
کهستان و بعضی از حکما گفته اند که دلیل کند بر ترس و پیم  
و بیماریهای صغراوی و یرقان و در ولایت مغرب خبک و خون  
ریختن و مرک بسیار بود و همچنین بود در ولایت فارس و اگر

رنگ ماه بوقت خون ماه سیاه بود دلیل کند بر بسیاری  
مرک زمان **فصل سوم** در حکم دلیلهای دانه افتاب  
اگر درین ماه دانه افتاب نیند دلیل کند بر بسیاری در زمان  
وراه زمان و شرف و فساد مردمان دون و نیز دلیل کند  
که نم و باران اندرین سال بسیار بود سرانجام احوال مردم  
رعیت سبک کرد و از پادشاهان بر رعیت عدل و انصاف بود  
**فصل چهارم** در حکم دلیلهای دانه ماه اگر درین ماه  
دانه ماه نیند دلیل کند بر جنگ و قتل و خون ریختن و بسیاری  
کندم و جو و جو بهای دیگر و رنج و اندیشه مردم از سبب گرانی  
زرها و ناامنی ولایت از سبب در زمان و راه زمان **فصل**  
**پنجم** در حکم دلیلهای بر آمدن ماه تو اگر درین ماه نیند که ماه  
نور است بر آید دلیل کند بر بیماری مردمان که ایشان را غم نیند

و اگر نیند که بیماری که یک جانب وی بزحمت است دلیل  
کند بر فراخی نعمت و ارزانی زرها و خیر بسیار و سبکویی  
احوال مردم و اگر باین صفت که گفتیم ماه تا زمان سی روز  
تمام بود دلیل کند با خرف سال بر ترس و بیم مردمان و اگر  
ماه تا زمان سی کم یک روز بود دلیل کند که پادشاه از جاهای  
خویش غم جای دیگر کند و از شکروی بسیاری از وی  
بگریزند و از آن پس پادشاه باز جای خویش باید و هر که  
درین سال بیمار شود بیماری وی خطرناک بود **فصل ششم**  
در حکم دلیلهای ستاره کیسودار اگر درین ماه نیند دلیل کند  
که در دیار روم آشفتگی بود و در ولایت بابل مرگ بسیار  
بود و گرانی غله و تنگی باشد و درین و طایف و بادیه  
و آرمیدگی مردم بود **فصل هفتم** در حکم دلیلهای

افتاد و ستاره اگر درین ماه ستاره بسیار افتد دلیل  
کند که در میان اهل مغرب و اهل بربر زمین جنگ و محو  
و محاربه افتد و بسیاری مردم اینجا هلاک شوند و اگر شاه  
بزرگ بیعت و لیل کند بر مرک پادشاهان بزرگ و  
خرابی ولایت **فصل هشتم** در حکم دلیلهای قوس قزح  
اگر درین ماه ویرا بجانب مشرق بیند دلیل کند بر مرک  
چهار پیمان و بسیاری نبات و گیاه و مخالفت پادشاهان  
ببزرگان و مقرمان و هلاک کوسعدان و اگر ویرا بجانب  
مغرب بیند دلیل کند بر فتنه و بلا و برتس و بیم مردم در آن  
ولایت و ظلم پادشاه بر رعیت و بسیاری باران و کروی  
حکما گفتند دلیل کند که پادشاه بر دشمنان ظفر نماید و ایشانرا  
مقتور گرداند و بهر نیت روند **فصل نهم** در حکم دلیلهای

علامت حربه اگر ویرا درین ماه بجانب مشرق بیند دلیل  
کند که اندرین سال غله و نبات زمین فراوان باشد و چاربهایی بسیار بود  
و کسانی که دشمن پادشاه باشند بعد از ایند و از و عفو خواهند  
و باران بسیار بارد و اگر ویرا بجانب مغرب بیند میوهها اندرین  
سال فراوان باشد و باران بسیار بارد **فصل دهم**  
در حکم دلیلهای سرخی که با آسمان بیدید آید اگر سرخی بجانب  
مشرق بیند دلیل کند بر بسیار نبات زمین و زیادتی آبها خاصه  
در ولایت مشرق و با فرسال دلیل کند بر اشفتگی ولایت از  
زدان و راه زمان و اگر سرخی بجانب مغرب بیند دلیل کند که  
آنچه گفتیم در دیار مغرب و مصر باشد **فصل یازدهم** در حکم  
دلیلهای علی سیمت که در آسمان پیدا شود اگر درین ماه علامته  
عجیب در آسمان بیدید دلیل کند که پادشاه آن ولایت

کروسی از خدمتکاران خود هلاک کند و سنگی طعام و مخط اندر سر  
مانسته بید آید و مردم در اندیشه و توشش افتد و نایمی بود  
**فصل دوازدهم** در حکم دلیلهای مانند شخصی که در سوا پیدا شود  
اگر درین ماه مانند شخصی در سوا پیدا شود دلیل کند بر زمین لرزه  
و مرگ و بیماریهای صعب و پیرون آمدن خوارج بر ملوک و فتنه  
و قتل و خون ریختن بسیار و غم و اندیشه مردم و مضرت  
بازرگانان و اشفتگی را مه از سبب دزدان و راه زنان  
**فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای بانگ کردن رعد اگر درین  
ماه رعد بغرّه <sup>خاصه در اول</sup> دلیل کند بر غم و باران و بیماری صعب و مرگ بسیار  
و اگر رعد بغرّه و ماه زاید النور بود دلیل کند بر مرگ چهارپایان  
و بیماری تحت و غله و طعام و اگر ماه در نقصان بود دلیل  
کند بر وبا و بیماری صعب اندر سال آینده و اگر رعد بغرّه نوبت

سحر و لیل کند بر ائت و فساد کوسفندان و بسیاری بارانها  
و ارزانی بر نهایی طعام و خرو و شفا **فصل چهاردهم** در حکم دلیلهای  
در خشیدن برق اگر درین ماه برق بسیار جهد دلیل کند که اندر  
سال قتل و حرب بسیار بود و راهها منقطع شود بر مسافران  
از سبب دزدان و راه زنان و کارها زشت و فساد اندر  
میان مردمان **فصل پانزدهم** در حکم دلیلهای آتش که از تنوا  
بر زمین افتد اگر درین ماه آتش از تنوا بر زمین افتد دلیل کند بر نایمی  
و ترس و بیم مسافران از سبب دزدان و راه زنان و کمی غله  
و نبات زمین اندر آن سال و نیز دلیل کند که اندرین سال مردم را  
از درد مضرت بود **فصل شانزدهم** در حکم دلیلهای باریدن  
باران اگر درین ماه باران سخت ببارد دلیل کند که پادشاهان  
و پادشاهان عظیم و پادشاهان و از شکر بیان و مقربان خویش

قومی را هلاک کند و اگر باران بحد بارد دلیل کند بر قحط و تسکین طعام  
و غم و اندوه اندرین ولایت **فصل سفدهم** در حکم دلیلهای  
باریدن تگرگ اگر درین ماه تگرگ بارد دلیل کند که پادشاه  
اندران ولایت در میان و کشته شود و بسیار کس از  
شکروی هلاک شوند خاصه اگر تگرگ چنان آید که زمین را  
پوشاند و نیز دلیل کند که چهار پایان بسیار اندرین سال هلاک  
شوند **فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای باریدن خاک  
سرخ از هوا اگر درین ماه خاک سرخ از هوا بارد دلیل کند  
بر تشکی و قحط خاصه در ولایت سندوستان و زکبار و شوش  
مردم و جو و ظلم کردن پادشاهان بر رعیت و نیز دلیل کند که  
اندرین سال نم و باران کم بارد و نبات زمین کمتر باشد و الله اعلم  
**فصل یازدهم** در حکم دلیلهای باریدن وزنق یا گرم از ابر  
اگر درین ماه وزنق یا گرم از ابر

بارد دلیل کند بر قحط و تشکی و کرانی رزق و اشفتگی ولایت  
و غم و اندیش مردم و جو و ظلم کردن پادشاهان بر رعیت و  
بکسی مردم و کمی معیشت اندرین سال **فصل بیستم** در حکم  
دلیلهای سپاشدن عنباری صعب از هوا اگر اندرین ماه عنباری  
صعب اندر هوا سپاشد دلیل کند بر گرمی تابستان و کمی آبها  
و نبات زمین و بیماریهای صعب اما فرما اندرین سال بسیار  
باشد و پادشاهان بر رعیت عدل و انصاف کند و اینی باشد  
خاصه در آخر سال **فصل سیست و یکم** در حکم دلیلهای ظلمت  
و تاریکی هوا اگر درین ماه بروز ظلمت و تاریکی هوا دیده دلیل  
کند بر تباهی میوهها و مضرت بازار کافران از سبب درزدان و راه  
زمان اما غله و نعمت بسیار بود و نیز دلیل کند که مردی بزرگوار اندر  
ولایت هلاک شود **فصل سیست و دوم** در حکم دلیلهای جستن

باد سخت اگر درین ماه باد سخت بجهد دلیل کند که اندرین سال برهما  
کران شود و طعام کم شود و پادشاه آن ولایت از شهر خویش  
حکمت کند و بر مردم بیماریهای صفاوی و تبها کرم و برقان  
غالب شود ولیکن سلامتی یابند **فصل سی و سوم** در حکم **دلیلها**  
بانگی که از مواش شوند اگر درین ماه بانگی از مواش شوند دلیل  
کند که اندرین سال جنگ و خونریزی بسیار بود و غم و اندیشه  
مردم و بیماری و مرگ مفاجات و آفة میوهها و سگیسی مردم  
و کمی معیشت مردم و رعیت و نیز دلیل کند که اندرین سال بارانها  
بسیار بار و **فصل سی و چهارم** در حکم **دلیلهای بانگی** که از  
زمین بشنوند اگر درین ماه بانگی از زمین بشنوند دلیل کند که در  
میان ملوک جنگ و محاربه افتد و در میان پادشاهی بزرگوار  
هلاک شود و در ولایت بسیار فرانی و فتنه بیداید و مردم

در غم و اندیشه و تشویش باشند **فصل سی و پنجم** در حکم  
دلیلهای زمین لرزه اگر درین ماه بروز زمین بگردد دلیل کند بر خصوص  
پادشاهان یا یکدیگر و اشفتگی ولایت و بسیاری بارانها و مرگ  
مفاجات خاصه بجانب فارس و هندوستان و اگر زمین  
لرزه بشد بود دلیل کند بر مرگ کاو کوسفند و ترس و بیم مردم  
و اشفتگی ولایت بابل و خراسان و نیز دلیل کند که کودکان  
طفل از شکم مادر سفتند و خون ریختن بسیار رود در میان جنگ  
پادشاهی بزرگ کشته شود و نیز دلیل کند بر دشمنان طرفین  
و بیماریها بسیار بود و میوهها از آنان گردد و غم و باران و باده  
کاهشین بسیار گردد **دلیلهای ماه حیران** بدانکه ماه حیران  
سی روز بود و سوم روز از وی منزل دبران برآید و قلب  
فرو شود و معذم روز از وی سفته برآید و سوله فرو شود و

و گویند که چون بوقت بر آمدن درباران ابر بود دلیل کند بر سیاه  
میوه و غله و جوب اندران و یار **فصل نخستین** در حکم  
دلیلهای کسوف آفتاب اگر درین ماه آفتاب بگیرد دلیل کند  
بر مرگ مردی بزرگوار و اگر بوقت کسوف روشنی آفتاب  
تمام شود دلیل کند که پادشاه از آن ولایت در ولایت دیگر حاکم  
کند و در آن ولایت باشد و مقام کم **فصل دوم** در حکم  
دلیلهای خسوف ماه اگر درین ماه ماه بگیرد دلیل کند که گشت روز  
را از کرمای سخت افه رسد و پادشاهان مال رعیت بجز و طعم  
و بشکر خویش نبخشند و مردم را پاره های صغراوی بسیار بود  
یرقان و تبهای گرم و در ولایت مغرب فتنه و خون ریختن بود و  
باران بسیار بار و خاصه در ولایت بابل و آبها زوان گردد  
و بلخ بسیار بود ولیکن زبان نکند و اراجیف بسیار گویند

۵۶  
و که وی بجانب کوسپتان ممالک شوند **فصل سیم** در حکم  
دلیلهای دایره آفتاب اگر درین ماه دایره آفتاب بپزداید  
دلیل کند بر گرمی هوا و خردما و کجند و جوبهای دیگر بسیار بود و  
تفکر و غم و اندوه رعیت از پیکسی و کرانی طعام و نیز دلیل کند  
که اندرین سال بازار کمانا ترا منفعت کمتر بود **فصل چهارم**  
در حکم دلیلهای دایره ماه اگر درین ماه دایره ماه پند دلیل  
کند بر نم و باران بسیار و زیادتی آبها رود و چشمه و نیک  
رستن گشت و رز و نباتها زمین لکن انکبین و روغن و حرم  
کمتر بود اندرین سال و بر رعیت از پادشاه عدل و انصاف بود  
**فصل پنجم** در حکم دلیلهای بر آمدن ماه نو اگر درین ماه  
پنشد که هلال راست برآمده دلیل کند بر کمی باران و آبهای چشمه و  
کاریز و اگر پسندند که پنداری یک جانب وی بر خاسته است



دلیل کند بر پاریها و رنجوری اما فرما بسیار بود و مردم را کسب  
و معیشت و ایمنی باشد و بعضی گویند که مرکب بسیار باشد **فصل**  
**ششم** در حکم دلیلیهای ستاره کیسودار اگر درین ماه پسند  
دلیل کند بر و باو پاریهای صعب و ترس و بیم در شهرها که در  
اطراف بود و نیز دلیل کند بر فساد احوال مردم و اگر با این  
حزب بجانب مشرق بود دلیل کند که پادشاهان بر شهرها غلبه کنند  
و رعیت را رنج رسانند و در ولات عرب مرکب بسیار بود و اگر  
ویرا بجانب مغرب پسند دلیل کند که مردمان و نومایه و دون  
غوغا کنند و مال تو انگر از ان تجارت برند و در ولات فارس  
مخط و مشکلی طعام بود و مردمان را با یکدیگر خصومت و جنگ پیدا  
و بجایهای دیگر غلبه و نعمت فراوان بود **فصل هفتم** در حکم  
دلیلیهای افتادن ستاره اگر درین ماه ستاره بسیار افتد دلیل کند

۵۷  
بر تنگی سال و مرکب چهارپایان و آذوقه میوهها و کمی معیشت و پیکسی مردمان  
و مصرت بازرگانان و اگر ستاره بزرگ پسند دلیل کند بر مرکب  
مردی بزرگوار در آن جانب که ستاره پسند **فصل هشتم** در حکم  
دلیلیهای قوتس قرح اگر در این جانب مشرق پسند دلیل کند که  
پادشاه آن شهر ولایت خویش را خراب کند و مردمان در رنج  
و بلا و فتنه افتند و مرکب چهارپایان بسیار بود و جو و گندم  
و حبوباتهای دیگر فراوان باشد و تو انگران و بزرگان آن شهر  
غناک شوند و پادشاه دشمنان خویش را خلاف کند و باغ  
ظفر پادشاه را بود و جمله را مملاک کند و اگر در این جانب مغرب  
پسند دلیل کند بر جوانی شهرها که بر اطراف ولایت باشد و جنگ  
و خصومت و خون ریختن در میان ایشان باشد و قتل بسیار شود  
و در ولایت فارس و دیار عرب مخط و کرانی بود **فصل نهم**

در حکم دلیلهای علامت حربه اگر درین ماه ویرا بجانب مشرق سیند  
دلیل کند که اندر ولایت مشرق مرک و پادشاه مشرق  
شهری نو بدست آورد که اورا بپوده باشد و اگر ویرا بجانب  
مغرب سیند دلیل کند که مردی بر پادشاه آن ولایت عاصی  
کرد و با قومی بسیار جرب وی شود و در میان رعیت  
اختلاف افتد بعد از آن پادشاه استقامت کرد روزگار  
در آن ولایت فارس رنج و بیماری پیدا شود و مرک کوشندگان  
بود و سبزه و نبات زمین اندرین سال بسیار باشد  
**فصل دهم** در حکم دلیلهای سرخی که در آسمان بیدید  
اگر درین ماه سرخی بجانب مشرق سیند دلیل کند بر اشقیه و جنگ  
و خصومت پادشاهان ولایت مشرق بایکدیگر و کرانی زرخا  
و سرمای سخت خاصه در رستان بجانب مشرق و اگر سرخی

بجانب مغرب سیند آنچه گفتیم در ولایت مغرب باشد **فصل یازدهم**  
در حکم دلیلهای علامت تنه که در آسمان بیدید اگر درین ماه علامت  
بیدید دلیل کند بر کمی طعام و کرانی زرخا و سپکسی مردم  
و اشفتگی ولایت و مرک چهار پایان و غم و اندیشه مردمان  
از سبب تنگی سال و ناسیمنی و مصرت اهل تجارت خاصه  
در اول سال **فصل دوازدهم** در حکم دلیلهای مانند شخصی  
که در هوا پیدا شود اگر درین ماه مانند شخصی در هوا بیدید دلیل  
کند بر خرابی ارا حیف و غم و اندیشه و تشویش مردم و جنگ  
و خصومت پادشاهان بایکدیگر و نیز دلیل کند که پادشاه  
در میان جنگ گشته شود و رعیت را رنج و بلا رسد **فصل**  
**سیزدهم** در حکم دلیلهای بانک کردن رعد اگر درین ماه رعد  
بفرود دلیل کند بر مالاک کرومی از بررکان و فتنه و اشفتگی

ولایت و اگر عدالت بجز دلیل کند که در میان مردمان آن بار  
چنگ و قسه و اشفتگی پیدا شود و اگر بار عدل غنیمت مگر کسب  
دلیل کند بر فراخی سال و ارزانی نعمت و زحما و اگر بوقت  
غنیمت رعد ماه زاید الوز باشد دلیل کند بر خشم خدای تعالی  
بر مردم آن ولایت ارفساد و معصیت ایشان و اگر بوقت  
غنیمت رعد ماه ناقص الوز بود دلیل کند که آنچه گفتیم در سال  
اینده باشد **فصل چهاردهم** در حکم دلیلهای در خشدن برق  
اگر اندرین ماه بسیار جعد دلیل کند که اندرین سال بارانها کم  
و آبها چسته ورود کم شود و غله و نبات زمین کمر بود و مردم راکب  
و معیشت اندک بود و جز با اراجیف بسیار کویند و در میان  
اختلاف و خصومت باشد **فصل پانزدهم** در حکم دلیلهای  
آتش که از سوا بر زمین افتد اگر درین ماه آتش از سوا بر زمین افتد دلیل کند

بر عداوت و صوب کردن ملوک بایکدی و بسیار کس از لشکرشان  
کشته شود و زخمها کمران کرد و مردم را غم و اندوه بسیار بود  
اندرین سال از نا امانی ولایت و قسه و اشفتگی **فصل شانزدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن باران سخت اگر درین ماه باران سخت  
بیارد دلیل کند بر بپاری و غلتهای صعب خاصه در آخر سال  
و نیز دلیل کند که بسیار اطفال اندر سگم ما در آن درین سال هلاک  
شوند و مردم راکب و معیشت کمر باشد **فصل هجدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن تگرگ اگر درین ماه تگرگ بیارد دلیل کند  
بر جنگ و قسه و خونریزی بسیار و اشفتگی و نا امانی ولایت و کمر  
زحما و محظ و سنگی طعام و غم و اندیشه و تشویش مردم و پاریهای  
و بائی و فساد هوا **فصل نهم** در حکم دلیلهای خاک سرخ  
که از سوا بیاید اگر درین ماه خاک سرخ از سوا بیاید دلیل کند

که اندرین سال باران کم بارد و پاری بسیار بود اما غله و حبوبات  
فراوان باشد و از پادشاهان بر رعیت عدل و انصاف بود  
و کسب و ایمنی بود و رفاهیت میان مردمان **فصل نوزدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن و رزق یا گرم ارنوا اگر درین ماه و رزق یا  
گرم از بار بارید دلیل کند که اندرین سال کشت و رزق آفت  
رسد و زحما کران شود و مخط و تنگی بیداید و مردم در غم و اندیشه  
و تشویش باشند و کسب و منفعت کم تر بود **فصل بیستم** در حکم  
دلیلهای غباری صعب که ارنوا پیدا شود اگر درین ماه غباری  
صعب در سوا پیدا شود دلیل کند بر خشکی سال و گرمای تابان  
و کمی آب و نبات زمین و خبرها، اراجیف و اشنگی ولایت  
و خصومت و حرب پادشاهان با یکدیگر و منقطع شدن راهها  
در زمان و راه زمان **فصل بیست و یکم** در حکم دلیلهای

۶۰  
ظلمت و تاریکی هوا اگر درین ماه بروز ظلمت و تاریکی سوا بیداید  
دلیل کند که اندرین سال پادشاهان با یکدیگر خصومت و حلاب بود  
و در میان بسیار مردم هلاک شوند و زحما کران گردد و مردم  
در غم و اندوه و تنگنایند **فصل بیست و دوم** در حکم  
دلیلهای حبتن باد سخت اگر درین ماه بادی سخت بجهت بیداید  
که در ولایت زکبار و هندوستان مخط و تنگی بود و غم و اندوه  
و اندیشه مردمان و نیز دلیل کند که اندرین سال بسیار  
کشتی اندر دریای غرق شود **فصل بیست و سوم** در حکم دلیلهای  
بانگی که از سوا بشنوند اگر درین ماه بانگی از سوا بشنوند دلیل  
کند بر بیماریهای صعب و مرگ مغایه و آفت میوهها و مگس  
مردم و کمی معیشت رعیت و جنگ و خصومت سکران  
با یکدیگر و غم و باران بسیار بود اندرین سال **فصل بیست و چهارم**

در حکم دیلمهای باکلی که از زمین شتونند لیل کند بر فساد میوهها و کشت  
زمین و مخالفت پادشاهان بایکدیگر و قتل و خورجتن بسیار و نیز دلیل  
کند که پادشاهی بزرگ اندرین سال هلاک شود و خبرهای اراجیف  
بسیار گویند **فصل پتیم** در حکم دیلمهای زمین لرزه اگر درین ماه  
بروز زمین بلرزد دلیل کند که بر زمین یونان جنگ و قتل و خورجتن  
بسیار بود و پادشاه ایشان هلاک شود و میوهها اندرین سال بسیار  
بود و بادها تابستان بسیار باشد و مرک زمان خاصه در کفر  
سال و پیشرو ولایت بابل خراب شود و اگر زمین لرزه بشت بود  
دلیل کند که شهری در آن ولایت خراب شود و بسیار کس از قاصدان  
و مقرنای پادشاه هلاک شوند و از آن پس پادشاه نیز برودی  
بمیرد و اگر ماه تارینان درین ماه سی روز بود دلیل کند که در ولایت  
فارس بسیار لشکر جمع شوند و اگر درین ماه زمین بلرزد و آن ماه تارینان

محرّم باشد دلیل کند که در آن سال باران بارد و جو و گندم بسیار  
بود و لیکن در ختمای میوهها را رفت رسد و پادشاه آن ولایت  
شهری از شهرهای معظم کشته یابد و الله اعلم بالصواب  
**دلیلهای ماه تومر** بد آنکه ماه تومر سی و یک روز  
بود نخستین روز از زوی منزل منغه بر آید و نعیام فرو شود و چنانچه  
روز از زوی ذراع بر آید و بلده فرو شود و پست و ششم روز  
از زوی نثره بر آید و سعد الذابج فرو شود و حکما قدیم را از آمدن نم  
و باران از ماه تشرین اول تا اول ماه خزیران تجرتی است بجا  
نیکو و پسندیده و دانستن این تجربه خیاست که پاره پنبه را  
بتر از راست بسجد و از شب مجدم این ماه تا شب پست و پنجم  
وی آن پنبه را در زیر آسمان بپند و باید او در کباره و پرا بسجد  
اگر از نو تر از آن بود که نخست سجیده بوده در هر شب که افزون باشد

در آن مامی که آن شب از برای او وضع کرده اند نم و باران بار در باره  
افزونی آن پنبه یعنی اگر پنبه بسیار افزون باشد باران در آن  
ماه بسیار بارد و اگر پنبه اندک افزونتر باشد در آن ماه نم و  
باران میج بارد و تجربه شب سجدیم این ماه تموز از برای  
تشرین اولست و تجربه شب نوزدهم از برای تشرین دوم است  
و تجربه شب بیستم از برای کانون اول است و همچنین مائیس کن  
سر مامی را تا اول فرزان در ترتیب نگاه دار که این تجربه نخستین است  
و همچنین تجربتی دیگر مست سخت یکنو و معین از بهر یک و بدست و وز  
و دانها و دانستن این تجربه چنانست که در اول ماه تموز هر تخم  
که خواهند از جمله جو بهای اندک اندک در تغاره بزرگ بهر گوشه جدا  
بکارند و لیکن شب ویرا در زیر آسمان رها نکنند تا شازده روز از  
تموز بگذرد چون شب سجدیم این ماه تموز بود آن تغاره را در زیر آسمان

۶۹  
بند تا نورستارگان بروی تا بد پس با باد در آن تغاره نگاه مکنند  
چه از آن تخمها نرسته باشد یا زرد گشته باشد تواند که بدانند که سال  
آینده آن خریبند و خواهد آمدن و آنچه از وی سبز و پاکیزه بود  
دیس کند سال آینده جنس آن خریبک و یسزیده خواهد تن چون  
بدانستند سال دیگر چند آنکه خواهند از آن تخم بکارند که از وفایه  
فرمان خداوند تعالی و اگر شب سجدیم این ماه ابر بود نیک نتوان  
دانست علم این تجربه را که گفته آمد شب سجدیم نیز یازماید و  
سپت و پنجم این ماه بادهای مختلف جدا بخلاف ماسهای نخستین  
**فصل نخستین** در حکم دیلمهای کسوف اقیاب اگر درین ماه اقیاب  
بگیرد و لیل کند که پادشاهان دیگر که نزدیک فارس اند پادشاه  
فارس را مطیع و فرمان بردار شوند و با اهل فرنگ مکر و حلیت  
سازند و اندرین سال مرگ بسیار بود و آبها کم گردد و گیاه و نبات زمین

کتر باشد **فصل دوم** در حکم دلیلهای صوت ماه اگر  
درین ماه بکیر دلیل کند که نم و باران و آبها اوزن گردد  
و جو کندم بسیار باشد و مایمان و مرغان آبی کتر باشد و مردم  
از زیادتی آب مصرت رسد **فصل سوم** در حکم دلیلهای  
دایره آفتاب اگر درین ماه دایره آفتاب بیند دل کند بر مرک  
پادشاهان در شهرهای ختن و اشغکی ولایت و غم و رنج و  
رتس و هم از فرزندان و راه زنان و مصرت و خزان بازگانان  
که نمکنند و کمی آبها چشمه ورود **فصل چهارم** در حکم دلیلهای  
دایره ماه اگر درین ماه دایره ماه بیند دلیل کند بر غم و باران  
بسیار و مرک چهارپایان دشتی و مرغان و خیزه ها و آرایه  
و حضورت مردمان با یکدیگر و نیر دلیل کند که نبات زمین  
و گیاه بسیار بود اندرین سال **فصل پنجم** در حکم دلیلهای

ماه نو اگر درین ماه بیند که یک سر وی خفتی دارد دلیل  
کند بر کمی غله و طعام و اگر بیند که مرد و سر ماه هلال راست بود  
دلیل کند که سالی نیک و پسندیده و مبارک است **فصل**  
**ششم** در حکم دلیلهای ستاره کیسودار اگر درین ماه ستاره  
کیسودار بیند دلیل کند بر فساد و سوای بیماریها و وبا و علتهای صعب  
و اگر با این ستاره با یکی بخت از نو باشند دلیل کند که مردم  
آن دیار کارها کنند که پیش حق تعالی ناپسندیده بود و عدا  
خشم و عقوبت از حق تعالی باشد که پادشاه آن ولایت ملامت  
شود و مرک چهارپایان بسیار بود و اگر با این ستاره بیند  
که زهره متغیر شده است دلیل کند که مردم آن شهر ترس و خطر باشند  
**فصل هفتم** در حکم دلیلهای افتادن ستاره اگر درین ماه  
ستاره بسیار افتد دلیل کند بر بلاها و فتنه و سختی و رنج مردم

آن ولایت و خصومت و محاربه ایشان با یکدیگر و قتل و خویشکشی  
و محاربه پادشاهان و اگر ستاره بزرگ پهنه دلیل کند بر  
هلاک پادشاهی بزرگوار از آن جانب که ستاره پهنه  
**فصل هشتم** در احکام دلیلهای قوس  
اگر درین ماه ویرا بجانب مشرق پهنه دلیل کند بر بسیاری  
بنات زمین و جنگ و خصومت پادشاه مصر و رمله و ولایت  
مصر را بغارت کند و با فر صلاح کنند و اگر ویرا بجانب  
پهنه دلیل کند بر مرگ چهار پیمان و کوسندگان و در میان پادشاه  
مصر و پادشاه فلسطین جنگ و فتنه عظیم بود و بجایت صلح  
کنند و در ولایت مغرب اشعکی و نایمینی باشد **فصل نهم**  
در حکم دلیلهای علامت جبهه اگر درین ماه ویرا بجانب مشرق پهنه  
دلیل کند که پادشاه آن سز از دیار خویش رحیل کند و مردمان

۶۲  
اند خیر و صلاح و سلامتی باشند و اندرین سال میوه بسیار بود  
و اگر ویرا بجانب مغرب پهنه دلیل کند که پادشاه آن ولایت با  
یکدیگر حرب کند و بسیار خون ریخته شود و بعد از آن صلح کنند و رعیت  
آسوده گردند **فصل دهم** در حکم دلیلهای سرخ که در آسمان  
بید آید اگر درین ماه سرخ بجانب مشرق پهنه دلیل بود بر جنگ  
و فتنه و خون ریختن و ترس و بیم رعیت از لشکریان و اگر پهنه که مانند  
اتشی از جانب قبله می درخشند دلیل کند بر قحطی و تنگی و کرانی زرها  
و مرگ مفاجات در ولایت خارستان و سه سال اندر آنجا صلح بود  
و اگر سرخ بجانب مغرب پهنه دلیل کند که در میان شکر اسلام و زونک  
جنگ و فتنه و خون ریختن بود و نیز در ولایت مغرب آشوب و فتنه بود  
و با خظفرا اهل اسلام باشد **فصل یازدهم** در حکم دلیلهای  
علامتی عجیب که در آسمان بید آید اگر درین ماه علامتی عجیب در آسمان



بیدارید دلیل کند بر هلاک ممتز آن بزرگوار و ستم کردن پادشاهان  
بر رعیت اما گیاه و سبزه و نبات زمین اندرین بسیار بود  
و مردم را کسب و معیشت کم بود **فصل دوازدهم** در حکم  
دلیلهای مانند شخصی که در هوا پیداشود اگر درین ماه مانند شخصی از هوا  
پیداشود دلیل کند بر جنگ و خصومت مردمان با یکدیگر و  
غم و اندیشه مردم و رعیت از پادشاه و نیز دلیل کند که پادشاه  
آن دیار اندرین سال هلاک شود و فتنه و آشفتگی در  
ولایت بیدارید **فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای بانگ  
کردن رعد اگر در اول این ماه رعد غبتر دلیل کند که پادشاه  
بزرگ هلاک شود و غلها درین سال بفساد رود و اگر با غنچه  
رعد تکرر بیارد دلیل کند که رنستان سخت سرد باشد و برف  
و برف بسیار بود و اگر بوقت غنچه رعد ماه زاید النور بود

نفوذ باشد خشم و عقوبت خدای تعالی باشد و نیز دلیل کند  
که اندر آن ولایت مردم و دیگر حیوانات هلاک شوند در آن  
سال و بعضی از حکما گفته اند که دلیل کند بر مرگ پادشاه آن ولایت  
و بلا و برف بر رعیت و تباهی غله و کمرانی زرها و اگر ماه ناقص بود  
انچه گفتیم در سال آئیده باشد **فصل چهاردهم** در حکم  
دلیلهای درخشدن برق اگر درین ماه برق بسیار بحد دلیل  
کند که پادشاه یا بل هلاک شود یا مردی بزرگوار اندر آن دیار  
و نیز دلیل کند که در رنستان برف و باران کم باشد و نبات کمتر  
باشد و زرها که آن شود **فصل پانزدهم** در حکم دلیلهای  
آتشی که از هوا بر زمین افتد اگر درین ماه آتشی از هوا بر زمین افتد  
دلیل کند بر مرگ بسیار و بیماریهای صعب و تنگی و محظ و بلخ  
بسیار و خون ریختن بسیار و ترس و بیم و غم و اندیشه مردمان

و خزان اهل تجارت **فصل شانزدهم** در حکم دلیلهای باریدن  
باران سخت اگر درین ماه باران سخت بیارد دلیل کند برف و  
کشتیا و کرانی غلتها و سبوسها و تباہ شدن میوهها و مردم را چنگ  
و علتها و بایستی باشد و از دود دام مضرت یابند و درین  
سال بسیار کشتیها غرق شود **فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای  
باریدن تکرک اگر درین ماه تکرک بیارد دلیل کند برف سخت  
و خصومت پادشاهان با یکدیگر و آفت و خون ریختن بسیار  
و کرانی رزخها و تنگی و محظ و جزای اراجیف و پماریهایی  
**فصل چهاردهم** در حکم دلیلهای باریدن خاک سرخ از هوا  
اگر درین ماه خاک سرخ از هوا بیاید دلیل کند بمرگ چهارپایان  
و اشغکی در ولایت مشرق و پادشاهی بزرگ اندر آنجا هلاک  
شود و بسیاری از لشکرویی کشته شوند و مردمان را از لشکریان

و اهل

و اهل سلاح را رنج رسد خاصه مردم روستا را **فصل پانزدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن وزق یا گرم از ابر اگر درین ماه وزق  
یا گرم از ابر بیاید دلیل کند بفساد کشت و زرع و کرانی رزخها و  
اشغکی ولایت و غم و اندیشه رعیت از جور و ظلم پادشاهان  
و خزان اهل تجارت و رنج و مضرت بازرگانان اندر سفر **فصل**  
**پنجم** در حکم دلیلهای غباری صعب که در هوا پیدا شود اگر درین  
ماه غباری صعب از هوا پیدا شود دلیل کند که اندرین سال  
خوبی بسیار بود و مردم را کسب و منفعت کمر بود و کشتیها را  
آفت رسد و مرگ چهارپایان بسیار باشد و در میان خصومت  
و کفایت و کوباشد **فصل ششم** و یکم در حکم دلیلهای ظلمت  
و تاریکی هوا اگر درین ماه بروز ظلمت و تاریکی در هوا پیدا آید  
کند بر پماریهایی صعب و مرگ بسیار خاصه مرگ جوانان و کودکان

و نیز دلیل کند که پادشاه آن دیار را آفتی رسد از لشکر و بسیار  
مردم در آنجا ممالک شوند **فصل نسیتم و دهم** در حکم دلیلهای بستن  
باد اگر درین ماه بادی سخت بجهت دلیل کند که پادشاهی بزرگ اندر آن  
ولایت ببرد و اندران سال آهبا کم باشد و مردمان در اندیشه و  
تکربا بشند از سبب ظلم و جور پادشاهان و مصادره و اشغکی و لایق  
و نا ایمی **فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای باکلی که از نوا بشنوند  
اگر درین ماه باکلی از نوا بشنوند دلیل کند بر محط و تسکی و ولایت مغرب  
و جنگ و فتنه و خون ریزی بسیار و نیز دلیل کند که پادشاه آن ولایت  
ممالک شود و مرک چهار پیمان بسیار بود **فصل سیزدهم و چهارم**  
در حکم دلیلهای باکلی که از زمین شنوند اگر درین ماه باکلی از زمین شنوند  
دلیل کند بر مخالفت و مخالفت ملوک با یکدیگر و تسکی طعام و کراتی  
زنها و اشغکی و فتنه و نا ایمی و غم و اندیشه اندر ذان و راه زمان

۶۷  
**فصل سیزدهم و پنجم** در حکم دلیلهای زمین لرزه اگر درین ماه  
بروز زمین لرزد دلیل کند بر مرک بسیار و ترس و بیم مردم آن  
ولایت و با آن زمین لرزه اگر عدد بود دلیل کند که مردی  
بزرگوار در آن دیار ممالک شود و بسیاری شهرها اندر آنجا  
خراب شود و محنت و بلای عظیم مردمان آن دیار رسد  
و اگر زمین لرزه بشت بود دلیل کند که پادشاه مصر ممالک  
شود و در زمین بابل و خراسان شرفتنه و خون ریزی بسیار  
بود خاصه تابستان **دلیلهای ماه آب**  
بدانکه ماه آب سی و یک روز بود یا نهم روز از روی  
منزل طرفه بر آید و سعد البلع فرو شود و سبت و چهارم  
روز از روی جبهه بر آید و سعد السعود فرو شود و حکما را در  
این ماه در آمدن باران بجزتی نیکو و پسندیده است که بدانند

که اندرین سال در کدام ماه باران نخواهد آمد و دانستن علم این  
تجربه چنانست که از روز نهم این ماه تا بیست و پنجم وی هر روز  
از پس نماز دیگر تا شب با آسمان نگاه نمیکند اگر در سجده بیستم وی  
در آسمان ابر بود بدانند که در اول صغته از ماه تشرین اول باران  
نخواهد باریدن ولیکن میوه باران نرسد آورد و اگر نیش پند باران  
در صغته نهم ماه تشرین اول بارد و اگر مسکام سحر نیند ما با باد  
بدانند که با آن در صغته آخر تشرین اول بارد و اگر در بیستم  
این ماه بروز و شب صبح ابر در آسمان نرسد دلیل کند که در ماه  
تشرین اول صبح باران نیارد و اگر ابر سطر و بسیار پند  
دلیل کند که باران سخت و بسیار بارد و اگر ابر اندک  
و سنگ پند باران اندک و خرد بارد و از بهر ماسهای دیگر  
را هم تجربه بدین باید کردن چنانکه از بهر ماه تشرین دوم تجربه

۶۱  
شب بیستم این ماه و تا بیست و پنجم وی همچین بر همین طریق  
نگاه دارند که این تجربه تحت آسانست **فصل یکم** در حکم  
دلیلهای خسوف آفتاب اگر درین ماه آفتاب بگیرد دلیل کند بر  
مرگ پادشاهی بزرگوار و آشفتگی و تشویش و اندیشه  
مردم اما نبات و غله پسندیده باشد و زخمایان بود یعنی  
کران و ارزان نباشد و اهل تجارت را مصرت بود از سبب  
دزدان و راه زمان و نا امانی **فصل دوم** در حکم  
خسوف ماه اگر درین ماه بگیرد خاصه بوقت سپیده دم  
دلیل کند که اندران دیار شکر سکانه آید و اهل تجارت  
بایل را احوال سخت بد باشد از فتنه و جنگ و خون ریختن  
و با فریاد شاه بایل ظفر یابد و دشمنان را هلاک کند و بعضی از  
حکما گفته اند که دلیل کند بر باران و برف بسیار و سردی

رستان و فساد مردم خاصه در جانب شام حنک و خون  
ریختن در انجا و با فرامل شام بر دشمنان طفر یا بند و همچنین در  
ولایت بابل حنک و قسقه بود و درین سال زنان آبستن  
فرزند بسیار افکنند **فصل سیوم** در حکم دلیلهای  
دایره افتاب اگر درین ماه دایره افتاب پندد دلیل کند  
که در آن دیار اشفکی و قسقه باشد و مرک چهار پایان بسیار  
بود و لیکن زخمها از آن باشد و حنک و خصومت در  
میان رعیت بسیار بود و کسب و معیشت کم باشد **فصل**  
**چهارم** در حکم دلیلهای دایره ماه درین ماه اگر دایره ماه پندد  
دلیل کند بر زیادتی چهار پایان و لیکن چهار پایان و شتی را  
بد بود و مایه و مرغان الی کم باشند ازین سال  
و خوب و نبات زمین فراوان بود و ولایت این بود **فصل**

۶۹  
**پنجم** در حکم دلیلهای بر آمدن ماه اگر درین ماه پندد که ماه  
هلال راست بر آید دلیل کند بر بسیاری میوهها و اگر پندد که  
که پنداری یک جانب وی برخاسته است دلیل کند بر زیاد  
شاخ و بال درختها و میوههای بسیار و اگر پندد که مرد و سر ماه  
هلال بهم در آمده است دلیل کند بر محظ و تنگی و مرک چهار پایان  
و اگر پندد که ماه هلال با شتری یابی بر آمده است دلیل کند  
بر بسیاری گندم و جو و جو بهای دیگر و انکور هم بسیار باشد  
و اگر هلال از ماه محرم بود دلیل کند بر مرک پادشاهی بزرگ  
و ترس و بیم مردم اندرین سال **فصل ششم** در حکم دلیلهای  
ستاره کیسودار اگر درین ماه پندد دلیل کند بر مرک  
پادشاهی بزرگوار و نیز دلیل کند که پادشاهان در  
عراق با یکدیگر خصومت بر آید و بسیاری مردم در میان

ملاک شوند و پادشاه بابل بر دشمن طغریابد و بسیاری از  
ایشان ملاک کند و اگر اورایجانب مغرب پسند دلیل کند  
که در ولایت فارس و کرمان سه سال قحط و تنگی باشد و مردم  
آن ولایت رانج و محنتی بود و اگر باین علامت که پسند  
مگر یک بار در دلیل کند که در آخر سال زرها از آن شود و لیکن  
بها و بیماری صعب باشد **فصل سفتم** در حکم دلیلهای  
افتادن ستاره اگر درین ماه ستاره بسیار افتد دلیل کند بر  
مرگ پادشاه آن ولایت و جنگ و محی صحت مردمان بلکه اگر  
و نایمینی از سبب زردان و راه زنان اما غله و جوها و نبات  
زمین درین سال فراوان بود و زرها از آن شود **فصل هشتم**  
در حکم دلیلهای و تس قح اگر درین ماه بجانب شرق  
پسند دلیل کند که در ولایت شرق و ما بین قحط و تنگی باشد و

و بیماریهای بسیار بود و اگر در ایجانب مغرب پسند دلیل  
کند بر فتنه و بلا و خصومت مردم در مغرب و ولایت فارس  
و پادشاهی در اینجا کشنه شود و گویند که در ولایت مشرق  
نیز قحط و تنگی و بیماری بسیار بود **فصل نهم** در حکم  
دلیلهای علامت حرب اگر در ایجانب مشرق پسند دلیل کند  
که در ولایت عرب حرب و خصومت افتد و اگر در ایجانب  
مغرب پسند دلیل کند که اندرین سال بسیار مردم را از دزد و  
راه زنان رخ رسد و نیز مردمان بهم شهری بایکدی بگرختند و مجاب  
کنند **فصل دهم** در حکم دلیلهای سرخی که در آسمان  
دید آید اگر سرخی بجانب مشرق پسند دلیل کند بر سرمای سرد  
و برف و یخ بسیار اندر زمستان و اگر سرخی بجانب مغرب  
پسند دلیل کند بر فتنه و جنگ و خصومت و با فر پادشاه مغرب

بر دشمنان طفریابد و ایشانرا از ولایت آواره گرداند **فصل**  
**یازدهم** در حکم دلیلهای علامت عجیب که در آسمان بیدید آید  
دلیل کند بر پاره‌های صعب و مرکب بسیار و غم و اندیشه مردمان  
و ترس و بیم و فتنه و آشفتگی خاصه در ولایت بابل اما خوبها و بدت  
زمین بسیار باشد **فصل دوازدهم** در حکم دلیلهای مانند  
شخصی که در هوا بیدید آید اگر درین ماه مانند شخصی در هوا پیدا شود دلیل  
کند بر غم و تشویش و اندیشه مردم و خبرها و اراجیف و نیز دلیل  
کند که پادشاهی بزرگ اندران دیار مملاک شود و بسیار رنج  
و مضرت از لشکریان بابل مایل روستا رسد و بعد از صلح آینه  
بیدید آید **فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای مابک کردن رعد اگر  
درین ماه رعد بفرود دلیل کند بر بسیاری میوه‌ها و گشت و رز و نبات  
زمین و مردم را بیماری و تنهای گرم بسیار بود و اگر بهنگام رعد

ستاره بزرگ پدید آید دلیل کند بر کشتن مردی بزرگوار و فراری  
شهرها و اگر بوقت غزین رعد ماه زاید النور بود دلیل کند بر سختی  
و تنگی سال و کرانی زخما میوه‌ها لکن انکور بسیار باشد و اگر ماه  
مافض النور بود آنچه گفتیم تا بر سال بود **فصل چهاردهم** در حکم  
دلیلهای درخشیدن برق اگر درین ماه برق بسیار بجهت دلیل  
دلیل کند که مردم را غم و اندیشه و تشویش اندرین سال بسیار  
بود و خبرها و اراجیف بسیار گویند و نیز دلیل کند که پادشاه  
ان دیار مملاک شود یا پاره کرد و ازین سبب آشفتگی در ولایت  
بیدید آید **فصل پانزدهم** در حکم دلیلهای آتشی که از هوا برین  
افتد اگر درین ماه آتشی از هوا بر زمین افتد دلیل کند بر جنگ  
و خصومت و خون ریزی بسیار اندران دیار و سرمای سخت  
اندر رنستان و محاصرت پادشاهان بایکدیگر و ترس و بیم مردم

و حضرت مسافران از نسیب در زمان و راه زمان و نایب  
ولایت **فصل شانزدهم** در حکم دلیلهای باریدن باران  
اگر درین ماه باران نخت بارود دلیل کند بر زیادتی آبها و  
بارانها اندرین سال و غلها و میوه باران سازد و پارههای صعب  
مردم را بیدار آید و مرک چهار پایان بسیار بود و زنها گران شود  
و مردم را بعلتهای و بایستی پیدا شود **فصل مقدم** در حکم دلیلهای  
باریدن تگرگ اگر اندرین ماه تگرگ بارود دلیل کند بر گران  
زنها و پارههای و بایستی و محظوظ کنی و جنگ و فتنه خون  
ریختن بسیار و مرک مفاجات و اشک و نایب ولایت  
و فساد احوال مردم و جور و ظلم پادشاه بر رعیت **فصل هفدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن خاک سرخ از هوا اگر درین ماه خاک  
سرخ از هوا بارود دلیل کند بر قحط و تنگی در ولایت و فتنه

و حضرت نایب از نسیب در زمان و راه زمان و نایب  
تجارت اندرین سال و غم و اندیشه مردمان **فصل**  
**نوزدهم** در حکم دلیلهای باریدن وزق یا گرم از ابر اگر در  
ماه وزق یا گرم از ابر بارود دلیل کند بر خصومت و محاربه  
پادشاهان با یکدیگر و غم و اندیشه مردم و پارههای و بایستی  
و فساد غلها و کشت و رز و گران زنها خاصه در اول سال  
**فصل بیستم** در حکم دلیلهای پیدا شدن عنباری صعب  
از هوا اگر درین ماه عنباری صعب از هوا پیدا شود دلیل کند  
بر خشکی سال و کمی آبها و بارانها و نبات زمین و پستی  
مردم و خسران اهل تجارت و نیز دلیل کند که اندرین سال  
بسیار باشد و زمین لرزه باشد **فصل بیست و یکم** در حکم دلیلهای  
ظلمت و تاریکی هوا اگر درین ماه بروز ظلمت و تاریکی هوا



دلیل کند بر مرک و پاری بسیار و مخط و تنگی طعام و غلب  
و خصومت و خورجین بسیار و مخالفت پادشاهان با یکدیگر  
و غم و اندیشه مردمان و خبرهای اراجیف **فصل بیست و نهم**  
در حکم دیلهای حبتن بادماهی تحت اگر درین ماه بادی سخت  
بجهد دلیل کند که اندر ولایت معرب و زمین بر مخط و  
تنگی بیداید و بسیار مردم از کرسنگی هلاک شوند و مردم  
چارپایان بسیار بود و نبات زمین و کشت و رزرا از ترک  
یا از باران سخت پیم باشد و بوسا درود **فصل بیست و دهم**  
در حکم دیلهای باکی که از سوا بشنوند اگر درین ماه باکی از  
سوا بشنوند دلیل کند بر پاریهای صعب و مردمی بزرگوار  
اندزین سال هلاک شود و در رنستان سرمای سخت  
بود و مردم در غم و اندوه باشند از اشغکی ولایت

و ناایمنی و ولایت از نسب در زمان و راه زمان **فصل بیست و**  
**چهارم** در حکم دیلهای باکی که از زمین بشنوند اگر درین ماه باکی از زمین  
بشنوند دلیل کند که پادشاهی از آن دیار بدستان بسیار  
گرفتار آید و در ولایتش مضرت و خرابی کند و سرانجام بر  
اعدا ظفر یابد و ایشانرا قهر کند و زمین لرزه اندزین سال بسیار  
**فصل بیست و پنجم** در حکم دیلهای زمین لرزه اگر درین ماه  
بروز زمین بلرزد دلیل کند بر پاری و مرک پیران اشغکی  
و غم و اندیشه مردم و با زمین لرزه اگر در بعد بفرود دلیل  
کند که رنستان سخت سرد باشد و در ولایت بابل و مابین  
فتنه و خون ریختن بود و اگر زمین لرزه شب بود دلیل کند  
که طعام و نعمت فراوان بود و سپاه و لشکر پادشاه آن  
دیار بروی حسروج کنند و ناایمنی از در زمان و راه زمان

و درین سال خون ریختن و غارت بسیار بود و الله اعلم بالصواب  
**دلیل های ایلول** بدانکه ایلول ماه سی و زود بود  
پنجم روز از نوی منزل زبیره برآید و سعد لاجینه فرو شود  
و هجدهم روز از نوی صرفه برآید و فرغ المقدم فرو شود **فصل**  
**نخستین** در حکم دیدهای کسوف آفتاب اگر درین ماه  
آفتاب بگیرد دلیل کند بر مرک مدی بزرگوار و نیز دلیل  
کند که لشکری بسیار بجانب مشرق روند و پیشین آن  
شکری در اینجا هلاک شوند و اگر زکات کسوف بگونه شرح  
بود دلیل کند که در ولایتها جنگ و فتنه و خون ریختن بسیار  
بود **فصل دوم** در حکم دیدهای خسوف ماه اگر درین  
ماه بگیرد دلیل کند بر صلاح احوال پادشاهان و بسیاری  
نبات و میوهها و ملج و نیز دلیل کند بر رون آمدن حجاج

و جنگ و خون ریختن و باخ طغیان پادشاه را بود و لشکر خوارج  
شوند و بسیاری از ایشان کشته گردند و بعضی از حکما کشته  
که دلیل کند بر کمی آبهای چشمه و باران و رود در ولایت  
مغرب جنگ و فتنه عظیم بود **فصل سیم** در حکم  
دلیل های دایره آفتاب اگر درین ماه دایره آفتاب بیند  
دلیل کند که پادشاهی در جنگ کشته شود و در میان  
لشکریان قتل و خون ریختن بسیار بود و ولایت آشفته گردد  
از سبب دزدان و راه زنان و زرها کران شود و با هر سال  
امن و یکنویس بیداید و فتنه فرود و مفسده فرستند  
**فصل چهارم** در حکم دلیل های دایره ماه اگر  
ماه دایره به بندد دلیل کند بر کمی آبهای چشمه و کاریر و میوهها  
بسیار بود و کشتی اندرین سال بسیار غرق شود و گیاه زمین

کم باشد و ملج بسیار بود اما مضرت کم کند **فصل پنجم**  
در حکم دلیلهای برآمدن ماه نو اگر درین ماه پندند که ماه پهل  
راست برآمده است دلیل کند که مردم را ریش و دهن بسیار بود  
و اگر پندند که پداری یک جانب وی برخاسته است دلیل کند  
بر تهن سلاطین مردم و کسب و معیشت و ایمنی ولایت  
و عدل و انصاف بر رعیت و اگر پندند که مرد و سر ماه هلال بهم  
آمده است دلیل کند که سال نیک و پسندیده باشد و زرها  
ارزان شود **فصل ششم** در حکم دلیلهای ستاره کسب و  
اگر درین ماه پند ویرا خاصه که بجانب مشرق بود دلیل کند که در  
ولایت فارس جنگ و فتنه رخس باشد و باران کم بارد  
و فساد در میان مردم بسیار بود و در زمین مغرب جنگ و  
رخس باشد و باخو پادشاه را ظفر بود و دشمنانش مرگت شوند

و بسیار از ایشان کشته کردند **فصل هفتم** در حکم دلیلهای  
افتادن ستاره اگر درین ماه ستاره بسیار افتد دلیل کند  
که اندرین سال مرگ چهار پادشاه بسیار بود و کشتیها دریا  
غرق شود و پادشاهی بزرگ مملکت شود خاصه از آن سو که  
ستاره از وی می افتد و توشش و اشک می بود **فصل**  
**هشتم** در حکم دلیلهای قوتی قرح اگر ویرا بجانب مشرق  
پند و دلیل کند که در ولایت فارس جنگ و فتنه رخس باشد  
و بعضی از حکما گفته اند که در میان پادشاه مغرب و قیصر روم  
جنگ و خصومت افتد و باخو پادشاه مشرق را بود و پادشاه  
از مردم روم مملکت شوند و در همه ولایت غله و طعام بسیار  
بود و در میان پادشاه بابل و اموات هم جنگ و فتنه رخس باشد  
و اگر ویرا بجانب مغرب پند و دلیل کند بر بسیاری میوه و خرما

وارزانی زتها و بسیاری نبات زمین و گیاه و در مغرب  
جنب و قسقه و خون ریختن بود از جهت نزدان و راه زمان  
**فصل نهم** در حکم دلیلهای علامت حربه اگر درین  
ماه ویرا بجانب مشرق پند دلیل کند که در میان مردم جنگ  
و خصومت بسیار بود پس از آن قومی بر ایشان عکس کنند  
و اگر ویرا بجانب مغرب پند دلیل کند که اندرین سال باران  
باشد و مردمان این دیار در سلامتی و ایمنی باشند **فصل**  
**دهم** در حکم دلیلهای سرنخی که از آسمان بیدید آید اگر سرنخی  
بجانب مشرق پند دلیل کند بر قحط و تنگی طعام و خون ریختن  
در ولایت مشرق و اگر سرنخی بجانب مغرب پند آنچه گفتیم  
در آن ولایت باشد لیکن با جز سال در میان ایشان صلح  
افتد و غیره و ایمنی بیدید آید و مردم ایشان از آن رنج برسته

۷۶  
کردند و از پادشاه بر رعیت عدل و انصاف بود **فصل**  
**یازدهم** در حکم دلیلهای علامت عجب که در آسمان بیدید  
اگر درین ماه علامتی عجیب در آسمان پدید آید که  
اندرین سال بسیاری مردم ممالک شوند و رعیت را از  
پادشاه رنج و سختی رسد و نیز دلیل کند که پادشاهی بزرگوار اندر  
ولایت ممالک شود و اهل تجارت را اندرین سال مضرت  
و زانیها رسد **فصل چهاردهم** در حکم دلیلهای مانند شخصی  
که در هوا بیدید آید اگر درین ماه مانند شخصی پدید آید که  
جنب و خون ریختن و خصومت در میان ملوک و مردم  
اهل ستار را بسیاری رنج و مضرت رسد از لشکریان و نیز  
دلیل کند که پادشاهی بزرگوار اندرین سال ممالک شود  
**فصل سیزدهم** در حکم دلیلهای بانگ کردن رعد اگر

در اول این ماه بعد بفرود دلیل کند بر فساد شراب و کمی غله و  
وجوبها و اگر در پنجم این ماه بفرود ماه زاید النور بود دلیل  
کند بر بیماری کرم و خشک و برقان و مرک و دکان  
و اگر هفتم این ماه بفرود دلیل کند بر بیماری بار بار آن  
و مرک چهار پایان دشتی و اگر دهم این ماه بفرود دلیل کند  
که زمان استن را فرزند از شکم سفید و درختان میوه را  
افتد رسد و اگر در سیزدهم ماه بفرود دلیل کند بر فحط و تشنگی طعام  
و مرک چهار پایان دشتی و اگر یازدهم این ماه بفرود دلیل کند  
بر مرک جوانان و دختران و دوشیزه و کمی انگور و آفت غله خاصه  
در آخر سال و اگر در پستم ماه بفرود دلیل کند بر مرک جانوران  
و بیماری غله و انگور و زیتون و اگر در سپت و پنجم این ماه  
بفرود دلیل کند بر سکونت شهرها و صلح شرکها و ایمنی ولایت

۷۷  
و بیماری باران و ارزانی نعمت و اگر در آخو این ماه بفرود کند  
بر بیماری مرغان آبی و میوه و ایمنی راهها و کسب و فایده  
اهل تجارت **فصل چهارم** در حکم دلیلهای درخشان  
برق اگر درین ماه برق بسیار جهد دلیل کند که اندرین سال قتل و  
خون ریختن بسیار بود و مردمان آن دیار را غم و اندوه و اندیشه  
بسیار باشد و اراجیت بسیار گویند اما غله و جو بهای فراوان باشد  
و بارانها بسیار بارد **فصل پنجم** در حکم دلیلهای آتش  
که از نو آبر زمین افتد دلیل کند بر کمی آبها و نباتات زمین و مرک گوشت  
و بیماریهای صقراوی و بهتای تیر و ستم کردن پادشاهان بر رعیت  
و کمی کسب و معیشت مردم و اشنگی ولایت خاصه اندر آخر  
سال **فصل ششم** در حکم دلیلهای باریدن باران سخت  
اگر درین ماه باران سخت یارد دلیل کند بر زیادتی غله و کسب

و معیشت مردمان و اگر بایران بسیار و پی اندازه بار و دلیل  
کند که مردمان آن ولایت را بر تن و پیم و اندیشه بود از پادشاه  
و لشکریان اما نه چنان نعمت ارزان بود **فصل هفدهم**  
در حکم دلیلهای باریدن تکرک اگر درین ماه مکرک بار و دلیل  
کند که اندرین سال تنها و بیماری صعب مردمان را بسیار بود و  
بزرگوار اندرین سال مملاک شود و مردم را کسب و منفعت کمتر  
باشد اما بار آنها بسیار باشد و نبات زمین و روان شود  
**فصل هجدهم** در حکم دلیلهای باریدن خاک سرخ از هوا  
اگر درین ماه خاک سرخ از هوا بار و دلیل کند بر خشکی سال و کمی  
بار آنها و آبها چشمه ورود و غم و اندوه رعیت از فساد و ظلم  
پادشاهان و اشفتگی ولایت و مرگ چهار پایان و کمی نبات  
زمین **فصل نوزدهم** در حکم دلیلهای باریدن و زق یا گرم

از ابر اگر درین ماه و زق یا گرم از ابر بار و دلیل کند بر بیماری  
و بایستی و علتها ر صعب و مرگ فجاءه و خصومت و جنگ ملوک  
با یکدیگر و سگی و مصرت اهل تجارت و مرگ چهار پایان صح  
در آخر این سال **فصل بیستم** در حکم دلیلهای پیداشدن عبا  
صعب در هوا اگر درین ماه عبا ری صعب در هوا پدید آید و دلیل  
کند بر جنگ و خصومت مردمان با یکدیگر و نخی سرمای زمستان  
اما غله و حبوبات و نبات زمین اندرین سال فراوان بود و لغز  
سال خیر و راحت پیدا شود **فصل بیست و یکم** در حکم دلیلهای  
ظلمت و تاریکی هوا اگر درین ماه بروز ظلمت و تاریکی هوا  
پدید آید دلیل کند بر حرکت پادشاه آن ولایت و رنج و  
اشفتگی مردم از نا امانی خاصه در آخر سال و سگی بازرگانان  
و اهل تجارت و خبرهای اراجیف بسیار گویند **فصل بیست و دوم**

در حکم دلیلهای بستن باد سخت اگر درین ماه باد سخت بجدد لیل  
کند که اندرین سال بسیار مردم از بررگان و مهتران معروف اندر آن  
دیار ممالک شوند و غم و اندیشه مردمان بسیار بود و باران  
بسیار بود و درختان میوه بار بسیار آوردند **فصل پنجم**  
در حکم دلیلهای بانگی که از مواش شوند اگر اندرین ماه  
بانگی از مواش شوند دلیل کند که مردی رزقوار اندرین دیار  
ممالک شود و بیماری صعب اندرین سال بسیار باشد و بازگان  
را خزان و مصرت بود از سبب دردان و راه زنان و آری  
بسیار گویند **فصل ششم و چهارم** در حکم دلیلهای بانگی که از  
زمین شنوند اگر درین ماه بانگی از زمین شنوند دلیل کند بر جنگ  
و حضومت ملوک آن ولایت یا یکدیگر و آشفتگی و اندیشه  
و غم مردم بسیار بود اما غله و میوهها و جوها و نبات زمین

فراوان باشد و خبرهای اراجیف بسیار گویند **فصل هفتم**  
**نهم** در حکم دلیلهای زمین لرزه اگر درین ماه بروز زمین لرزه  
دلیل کند بر گرا نی غله و طعام و جوها و در همه شهرها و اگر  
زمین لرزه و ماه تازیان سیه روز تمام بود دلیل بود  
بر بسیاری گویند و ارزانی ترخما و اگر ماه تازی سیه  
کم یک روز بود دلیل کند بر بادهای سخت و بیماری بسیار  
و اگر زمین لرزه شب بود دلیل کند بر نعمت  
و طعام و غله بسیار و بارانهای بسیار و زیاد  
آنها و گریختن بندگان از خداوندان  
و نیز دلیل کند که در ولایت زکینا رو  
کوستان بیماری و مرگ بسیار بود  
و الله اعلم و احکم بالحق

## مقاله دوم

در استخراج آن پست و مست علامه که اندر فهرست است  
یا کرده شد اندر پست مشغول بر حسب بودن ماه در  
بروج دوازده گانه از گفتار حکما قدیم **فصل اول**  
در حکم دیدهای کسوف آفتاب **محل** چون آفتاب در  
برج حمل بگیرد دلیل کذب ترس و بیم پادشاهان و مرگ  
یکی از بزرگان و فحط و تنگی طعام و مرگ چهارپایان و  
ولایتها از دزدان و راه زنان و غم و اندیشه مردم **در**  
**نقد** چون آفتاب در ثور بگیرد دلیل کذب بتایی در خان  
و مرگ زنان و آفت کشینها و زیادتی چهارپایان و ناساگاری  
زنان با مردان و طلاق دادن ایشان **در حوزا** چون آفتاب  
در جوزا بگیرد دلیل کذب فساد و بتایی حال بازرگانان و دزدان

و فساد کشتیها و نبات زمین و مرگ پران و کودگان خرد و کم  
کشتن آنها در **در سرطان** چون در سرطان بگیرد دلیل کذب  
برگی باران و کرانی زرها و مرگ چهارپایان و آفت مرغان و مرگ  
بسیار در همه ولایاتی و نیز دلیل کذب بر جنگ و حکومت  
در ناحیه ممدان و صنعمان و شهرهای که بجانب ایشان معلق  
دارد و تشویش و اشغالی و درین دیار که یاد کردیم میوههای بسیار  
خاصه در انکور **در اسد** چون در اسد بگیرد دلیل کذب بر مرگ  
اشراف و بازرگانان و ممالک چهارپایان و بی امانتی مردم و دزدان  
و راه زنان و پیرون آمدن پادشاهی از جانب مشرق و نیز دلیل  
کذب که این پادشاه اهل خراسان را ممالک کند اما طعام و نبات زمین  
بسیار بود **در سنبله** چون در سنبله بگیرد دلیل کذب بر فساد  
کشتیها و علامتهای هوا و کمی تجارتها و فساد زنان و کمی بارانها و



و بیماری و مرکب بسیار و جنب و خصومت اهل اسلام و قیصر روم  
**در میان** چون در میان بگیرد دلیل کند بر جنب و خصومت  
در ناحیه کرمان و سیستان و پروان آمدن خوارج و اشغکی  
راه زنان و در دزدان و پیدا شدن افتاد در دیریا و کومستان و  
مرک و دختر آن دو شیر **در عقرب** چون در عقرب بگیرد دلیل کند  
بر جنب و خصومت در ناحیه سمدان و صفهان و شهرهایی که بجای  
ایشان تعلق دارد و تشوش و اشغکی بود در آن دیار که یاد کردیم  
و میوه افراوان خاصه **در قوس** چون در قوس بگیرد دلیل  
کند بر جنب و خون ریختن بسیار در شهرها و مرک چهار پامان و زمین لرزه  
در صفهان و ظلم بسیار در همه شهرها از پادشاهان و ممالک رئیس  
اصفهان **در جدی** چون در جدی بگیرد دلیل کند بر جنب و خون  
ریختن بسیار و بر سر از دزدان و قحط و تسکی و پروان خوارج

بر ملک اصفهان و جنب و خصومت میان ایشان **در دلو**  
چون در دلو بگیرد دلیل کند بر بدی احوال اهل روم و فتنه بسیار  
و مرک و قحط و تسکی در زنجبار و زمین لرزه بطبرستان و کمی باران  
و آبهای چشمه و نبات زمین و بسیاری بار و کرشم در همه شهرها  
**در حوت** چون در حوت بگیرد دلیل کند بر ترس و بیم مردم و کمی  
بارانها در همه جای و مرک زمان اشرف و فساد و زنا و اگر بوقت  
کسوف ستاره سعد بد و نظر کند دلیل کند تا اثر این کیفیت کمتر  
بود و اگر ستاره نحس از مقابل یا مقارنه یا تربع نظر کند تا اثرش  
پیشتر بود **فصل دهم** در حکم دیدهای ضوف ماه در برج  
جوز ماه **در حمل** بگیرد دلیل کند بر مرک کوسفند و سکار زدن بسیار  
و کمی آبها و جنب و خون ریختن بجز آسان و تسکی و قحط و بیماری  
بارانها بر زمین بابل و پروان آمدن و همیشه در اینجا و اشغکی شهرها

در شهر  
 خون در او کمر و سکنند  
 بر استقامت حل و اصفهان  
 سلاطین و دخول بعضی از ایشان  
 در ولایت بعضی وقت است  
 در اینجا و این علم  
 عم

و نایب و غم و اندیشه مردمان و اراجیف **در جزای** چون در  
 حوزا بکیر و دلیل کذب بر ثوسا و مردمان و زنا و مرک و وبا  
 بر زمین کرمان و فارس و سحستان و حرکت کردن بازگان  
 و پیرن آمدن خوارج بر زمین زنگان و کمی بارانها و خشکی هوا **در**  
**سرطان** چون در سرطان بکیر و دلیل کذب بر بسیاری ابر و باران  
 و زیادتی آبها و فساد هوا و تباہی درختان و کمی میوهها و جنگ  
 و خون ریختن میان رتکان و دیلمان **در اسد** خون در اسد  
 دلیل کذب بر مرک پادشاهان و جنگ و فتنه در ولایت زنگبار  
 و بیماری و مرک اسراف خاصه در صفاهان و ولایت  
 و نایب و ولایت از دزدان و راه زنان **در سینه** چون در سینه  
 بکیر و دلیل کذب بر جنگ و خصومت و خون ریختن بسیار در همه  
 شهرها و اشفتگی ولایت و نایب و تشویش و غم و دلتنگی

مردم از زینجا **در میزان** چون در میزان بکیر و دلیل کذب بر بیدی احوال  
 اهل شام و رنج و سختی ملک صفاهان و محظ و تنگی در ولایت  
 فارس و صفاهان و اشفتگی و اندیشه مردم آن دیار **در عقرب**  
 چون در عقرب بکیر و دلیل کذب بر بسیاری جنگ و فتنه و خصومت  
 در همه شهرها و طاعون و بیماریهای صعب خاصه مردمان صفاهان  
 و رنج و دلتنگی بود اهل مکه را نیز و دلیل کذب بر کمی آبها و مرک کردن  
**در قوس** چون در قوس بکیر و دلیل کذب بر مرک اسراف و بیاض  
 و علما خاصه در اصفاهان و نیز دلیل کند که مردی بزرگ در اصفهان  
 ممالک شود یا محنتی صعب افتد و مردانش را غم و فتنه و نحی رسید  
**در جدی** چون در جدی بکیر و دلیل کذب بر مرک چهار پایان و  
 طاعون و بیماری و سیاسی و محظ و غم و اندیشه اهل روستا  
 و جور و ظلم ملک در همه شهرها **در دلو** چون در دلو بکیر و دلیل

بریدی احوال قیصر روم و جنگ و فتنه میان اهل اسلام و رومیان  
و مخط و تنگی بود در ولایت روم و نیز دلیل کند که درین سال  
قیصر روم ممالک شود و اهل اسلام و لاتیهای ایشان از خواب  
**در حوت** چون در حوت بگیرد دلیل کند بر جنگ و خون  
ریختن در بابل و رگستان و کمی باران و نبات زمین و ریخ و اند  
مردمان و اشغکی شهرها که اندر اقلیم روم باشد و اگر بوقت حوت  
ستاره سعد باو نظر کند تا اثر این دلیلها که گفتیم که تا باشد  
و اگر ستاره نحس بدشمنی نظر کند تا اثر این دلیلها که گفتیم پیشتر باشد  
**فصل پنجم در حکم دایره ای قباب**  
بر حسب بودن ماه در بروج **در حمل** چون دایره ای قباب بیند  
و ماه در حمل بود دلیل کند بر اشغکی ولایت و مرگ چهار پادشاه  
و نم و بارانها و نبات بسیار بود **در ثور** چون در ثور بود دلیل کند

بر جنگ و خصومت مردم و سرمای سخت اندر زمستان و برف  
و یخ بسیار **در جوزا** چون در جوزا بود دلیل کند بر ممالک کوشان  
و غم و اندیش مردم و بیماری و بایبی و باد بسیار **در سرطان**  
چون در سرطان بود دلیل کند بر غم و باران بسیار و مردم را  
زکام و زلزله بود و گیاه و نبات زمین فراوان بود **در اسد** چون  
در اسد بود دلیل کند بر سرمای سخت اندر تابستان و بیماری  
صفرای و جنگ و خون و فتنه بسیار **در سنبله** چون در  
سنبله بود دلیل کند بر غلتهای بسیار و میوهها و ارزانی ترها  
و ایمنی ولایت و عدل انصاف پادشاهان **در میزان** چون  
در میزان بود دلیل کند بر نعمت بسیار و خصومت مردم مالکدگر  
و مرگ دختران و باد بسیار **در عقرب** چون در عقرب بود  
دلیل کند بر باران بسیار و بیماریهای صعب و پیرون

آمدن خوارج بر ملوک و اشفتگی ولایتها و مدح بسیار **در هفت**  
چون در قوس نهند دلیل کند بر بسیاری خرما و انکببین و کرمان  
سخت در تابستان و بیماریهای گرم و خشک و عدل انصاف  
پادشاهان بر رعیت و ایمنی ولایت **در جدی** چون در جدی  
پسند دلیل کند بر خصومت و جنگ پادشاهان و اشفتگی  
ولایت و کرانی زرخا و کمی آبهای چشمه و کاریز و غم و اندیشه  
مردم و مرگ چهار پیمان و استیمنه ولایت **در دلو** چون  
در دلو بود دلیل کند بر کمی انکببین و خرما و بیماریهای بسیار  
و جنگ و خصومت پادشاهان مایکدیکر و اشفتگی ولایت  
و غم و اندیشه مردمان **در حوت** چون در حوت بود دلیل کند  
بر مرگ چهار پیمان و بسیاری برف و باران و نبات زمین  
و جنگ و خصومت مردم مایکدیکر و اشفتگی ولایت از دروان

**فصل چهارم** در حکم دلیلهای دایره ماهی  
بودن ماه در بروج **در حمل** چون دایره ماه پند و ماه در حمل  
بود دلیل کند بر خوشی شش زمستان و گرمی سخت تابستان  
و ایمنی ولایت و عدل انصاف پادشاهان بر رعیت **در ثور**  
چون در ثور پند دلیل کند بر قوت حال پادشاهان و سیکوی کشت و زرع  
و بسیاری نبات زمین و جنگ و خصومت مردمان مایکدیکر **در جوزا**  
چون در جوزا پند دلیل کند بر بسیاری جنگ و قسقه و  
کرانی زرخا و غم و اندیشه مردم و مرگ چهار پیمان و ایمنی ولایت **در**  
**سرطان** چون در سرطان پند دلیل بود بر بسیاری نم و باران و  
و نبات زمین و زیادتی آبها چشمه و رود اما خرما و انکببین اندرین  
سال کم باشد **در اسد** چون در اسد بود دلیل کند بر بیماری و مرگ  
چهار پیمان دشتی و جنگ و خصومت و بزمهای اراجیف و شویش

مردم **در سنبله** چون در سنبله بود دلیل کند بر حمارت و ذراعت و زیادت  
آبهای چشمه ورود و کار تیر و مرک چهارپایان دشتی و امن و کلا  
و عدل و انصاف ملوک بر رعیت **در میلهز** چون در میران بود دلیل کند  
بر بسیاری میوهها و نباتات زمین و ملج و مرک کودکان خود و فساد  
مردم و یکسب اهل تجارت **در عفر** چون در عقرب بود دلیل کند  
بر غم و باران و فتنه و جنگ و نا امانی از درد ان در راه زمان و غیر  
دلیل کند که اندرین سال ملج بسیار بود و بزستان سرمای سخت باشد  
**در قوس** چون در قوس بود دلیل کند بر جنگ و خصومت مردم و  
کمی آبها و نباتات زمین و بیماریهای صفاوی و بسیاری خوما و انگین  
**در جدی** چون در جدی بود دلیل کند بر سرمای صعب و مرک  
چهارپایان و اشفتگی ولایت بابل و فارس و کرمان و کرانی ترخا  
اندرین ولایتها **در دلو** چون در دلو بود دلیل کند بر باد بسیار

و کمی گیاه و نباتات زمین و جنگ و خصومت مردم با یکدیگر و ظلم  
پادشاهان بر رعیت **در حوت** چون در حوت بود دلیل بود بر  
غم و باران و ابرهای بسیار و زیادتی آبها و عدل و انصاف  
پادشاهان و مرک چهارپایان و رکام و زلزله بسیار خاصه از  
**فصل پنجم** در حکم دلیلهای برآمدن ماه نو در  
بروج **در حمل** چون ماه نو پیشند و حال آنکه در حمل بود دلیل کند  
بر زیادتی چهارپایان و کسب مردم و اگر پیشند که یک جانبی  
بر خاسته است دلیل کند بر بسیاری غله و جوها و میوهها و  
ایمنی ولایت **در قرد** چون در قرد پیشند دلیل کند بر دشواری  
زادن زنان ابستن و غم و اندیشه مردم و اگر یک جانب  
وی بر خاسته بود دلیل کند بر مرک کودکان و کمی نباتات زمین  
و آبها **در جوزا** چون در جوزا پیشند دلیل کند بر اندیشه و فکر

مردم و پهارها و اگر یک جانب وی بر خاسته بود دلیل  
کنز بر ازانی نرها و نیکویی احوال مردم و بادهای مختلف  
**در سرطان** چون در سرطان میسند دلیل کنز بر جنب و  
خصومت و کمی آبها و اگر یک جانب وی بر خاسته بود دلیل کنز  
بر پهارها و مرک زمان خاصه در ولایت کوهستان اما خرما  
و انگبیین بسیار بود **در اسد** چون در اسد میسند دلیل کنز  
بر نم و باران بسیار و نبات زمین و اگر یک جانب وی بر خاسته  
بود دلیل کنز بر ازانی نرها و رنج و اندیشه مردم از سبب زردان  
و راه زمان **در سنبله** چون در سنبله میسند دلیل کنز بر بسیاری  
میوئا و نبات زمین و اگر یک جانب وی بر خاسته بود دلیل  
کنز بر کی غله و کرانی نرها و خوب و اندیشه و ترس و بیم مردم  
**در میزک** چون در میزان میسند دلیل کنز بر پهارهای صحب

و اندیشه و غم مردم و اگر یک جانب وی بر خاسته بود دلیل  
کنز بر کسب و معیشت و ایمنی ولایت و عدل و انصاف  
پادشاهان بر رعیت **در عقرب** چون در عقرب میسند دلیل  
کنز بر غم و اندیشه و رنج مردم و اگر یک جانب وی بر  
خاسته بود دلیل کنز بر نم و باران و بسیاری نبات زمین  
و جنب و خصومت مردم با یکدیگر و نا ایمنی ولایت **در قوس**  
چون در قوس میسند دلیل کنز بر زیادتی چهار پیمان و از زانی  
نرها و عمارت های زمین و اگر یک جانب وی بر خاسته بود  
دلیل کنز بر افة درختها و سرمای سخت و مالاک کوه سفندان  
و امن ولایت **در جدی** چون در جدی میسند دلیل کنز  
بر بسیاری نعمه و سرمای سخت اندر زمستان و اگر یک جانب  
وی بر خاسته بود دلیل کنز بر زیادتی آبها و مرک چهار پیمان

و غم و اندیشه مردم **در دلی** چون در دلو پسند دلیل کند بر سیگ  
عنه و نبات زمین و ارزانی میو ما و اگر یک جانب وی بر چاشته  
بود دلیل کند بر فساد درختان و ملخ بسیار خاصه در ولایت  
**در حوت** چون در حوت پسند دلیل کند بر نم و بارانها و نبات  
زمین و گیاه بسیار و عدل و انصاف پادشاهان بر رعیت  
و امن ولایت و اگر یک جانب وی بر خاسته بود دلیل  
کند بر کمی نبات زمین و کشت و رز و زیاتی آنها **فصل**  
**ششم** در حکم دلیلهای ستاره کیسودار بر حسب بودن  
ماه در بروج **در حمل** چون در حمل بود دلیل کند بر جنگ و خصومت  
در شهرهای بابل و فلسطین و کرانی رزها و جو پادشاهان بر رعیت  
و نا امانی ولایت **در ثور** چون در ثور بود دلیل کند بر قحط  
و تسکین طعام و فتنه عظیم در ولایت ماهین و مرک پادشاه مازندران

دلیلهای

و اشعکی ولایت از سبب زردان و راه زنان و ترس و غم  
مردمان **در جوزا** چون در جوزا بود دلیل کند بر کرانی عله در  
ولایت دیلمان و طبرستان و ارمینه و برخی از ولایت  
روم و مرک بسیار و بیماریهای صعب درین ولایتها که یاد کردیم  
**در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل کند بر وبا و بیماریها  
صعب و جنگ و خون ریختن در ولایت خراسان و ارسند  
لیکن در دیار روم اینی در راحت بود و میو ما ارزان شود  
خاصه انگور و خرما **در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کند  
بر جنگ و فتنه پادشاهان و بیماری و دبنها و ریشهای تن  
و مرک بسیار خاصه در ولایت رکستان و ریخ و اندیشه مردم  
**در سنبله** چون ماه در سنبله بود دلیل بر مرک پادشاهان انطاکیه  
و جنگ و خون ریختن بسیار خاصه در ولایت ساهم و کرانی

زنها و ترس و بیم مردم آن ولایت از سبب زردان و راه زمان  
**در میزان** چون ماه در میزان بود دلیل کند بر جنگ و قسبه عظیم  
در ولایت فرنگ و مغرب و اشفگی و کرانی زنها خاصه اندرین  
دیار و با ظرف ناپناه مغرب را بود و بسیاری از شرک  
فرنگ هلاک شوند و باز صلح کنند **در عقرب** چون ماه  
در عقرب بود دلیل کند بر مرگ بسیار و هلاک چهار پیمان  
و ازونی آنها و قحط و تنگی در ولایت یمن و طایف و حجاز  
و مرگ مامیان و مرغان آبی و جنگ و خصومت در  
میان پادشاهان این ولایت و غم و اندیشه مردم **در قوس**  
چون ماه در قوس بود دلیل کند بر فوت حال پادشاهان  
عراق و کهستان و ضعف احوال رعیت و کرانی و پیمانی  
و مرگ چهار پیمان و اشفگی این ولایتها و خصومت

علماء و مضرت بازرگانان **در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل  
بر جنگ و قسبه عظیم در ولایت هندوستان و حبشه و خون  
ریختن بسیار اندر آن دیار و کمی بارانها و نبات زمین و ترس  
و بیم مردم آن ولایت از زردان و راه زمان **در دلو** چون  
در دلو بود دلیل کند بر قسبه و خون ریختن بسیار در ولایت  
قبطیان و شهرهای زنجبار و قحط و تنگی در آن ولایت  
و کمی بارانها و غم و اندیشه مردم از کمی معیشت و بکسبی  
و مرگ چهار پیمان **در حوت** چون ماه در حوت بود دلیل  
بر مرگ پادشاه اسکندریه و در میان ملوک جنگ و خصومت  
و خلاف افتد و در رنستان سرمای صعب بود و درین سال  
خرق بسیار بود و میوهها و نبات زمین اندک باشد و کشت بسیار  
غرق شود و ناامینی بود **فصل نهم** در حکم دلیلیات



افتادن ستاره بر حسب بودن ماه در برج **در حمل** چون ستاره  
سپخته و ماه در حمل بود دلیل کند بر هلاک مردی بزرگوار و حضرت  
مردم آن ولایت که ستاره از جانب وی همی افتد و خروج مردم  
اندر آن دیار **در قوس** چون ماه در ثور بود دلیل کند بر غم و اندیشه  
مردمان و خسران اهل تجارت و هلاک مردی بزرگوار و بدی احوال آن  
و خبرهای اراجیف و ناایمنی مردم **در جوزا** چون ماه در جوزا بود  
دلیل کند که پادشاهی هلاک شود و بسیار خرابی در آن ولایت  
که ستاره از جانب وی سپخته و نیز دلیل کند که خداوند آن قلم  
و علمای حضرت بود از ملوک **در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل  
کند بر آفة میوه و سپکسی مردم و بسیاری غم و باران و هلاک  
پادشاهی بزرگ و ناایمنی مردمان از فرزندان و راه زمان **در**  
**اسد** چون در اسد بود دلیل کند بر قتل و سختی و خصومت پادشاهان

با یکدیگر و خون ریختن بسیار و نیز دلیل کند که پادشاهی در مصیبت  
کشته شود و ولایتش را بگارت برند **در سنبله** چون ماه در سنبله  
بود دلیل بود بر مرگ پادشاه آن ولایت و محاصرت آن مردمان  
با یکدیگر و ناایمنی و کمی معیشت بزرگانان اما غله و نبات فراوان باشد  
**در میزان** چون در میزان بود دلیل کند که بسیار کشتی اندر دریا  
غرق شود و مرگ چهار پادشاه بود و پادشاهی هلاک شود و از آنست  
که ستاره از جانب وی سپخته و غم و تشویش بود مردم آن  
دیار را **در عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کند بر قتل و جنگ  
و خون ریختن بسیار و کشته شدن پادشاه آن جانب که  
ستاره همی افتد و مردم آن دیار را غم و زنج بسیار رسد  
از لشکر سپاه **در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کند بر جنگ  
و غلبه مردم با یکدیگر و خبرهای اراجیف و کمی آبهای چشمه و رود

و نیز دلیل کند که تابستان گرم باشد و نبات زمین کمتر بود  
**در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل کند بر مرک چهارپایان  
و هلاک مردی بزرگوار و رعیت را از لشکرمان غم و اندوه  
رسد از سبب آنکه برایشان دست درازی کنند  
**در دلو** چون ماه در دلو بود دلیل کند که غله و جو بهانه و اول  
باشد و زمین لرزه بسیار بود و مردم را رتس و بیم بود از  
سبب دزدان و راه زنان و نایم **در حوت** چون ماه در  
حوت بود دلیل کند که مردی بزرگوار بمیرد و مردم هیچ نرسند  
و بارزگانان و اهل تجارت را کسب و منفعت کمتر بود اما اینی باشد  
و باران بسیار بارد **فصل ششم** در حکم دلیلهای  
قوتس قرح بر حسب بودن ماه در بروج **در حمل** چون قوتس قرح  
پنجاه جانب مشرق و ماه در حمل بود دلیل کند بر بسیاری نعمت

و جنگ و خون ریختن در بابل و ولایت آذربایجان و اگر بجانب  
پنجاه دلیل کند بر وبا و بیماری بسیار و مرگ مفاجات در ولایت  
روم و جنگ و خصومت پادشاهان **در ثور** چون ماه در ثور بود  
بر فراخی نعمت در از سال و اشتغال مردم در علوم و زهد و  
عبادت و اگر بجانب مغرب پنجاه دلیل کند بر مرک کودکان خرد  
و چهارپایان و ظلم پادشاهان بر رعیت **در جوزا** چون ماه در جوزا  
بود دلیل کند بر نعمت و فایده بسیار در پیرانرا و کودکان تعلیم  
علوم مشغول شوند و اگر بجانب مغرب پنجاه دلیل کند بر بیماری  
بسیار و کمی آبها و بارانها و مرگ مفاجات و آفت میوهها **در سرطان**  
چون ماه در سرطان بود و ویرا بجانب مشرق پنجاه دلیل کند بر  
بسیاری دزدان و راه زنان و پیران آمدن خوارج بر ملوک  
و اگر بجانب مغرب پنجاه دلیل کند بر مرک چهارپایان دشتی و

و عدل و انصاف پادشاهان بر رعیت و رنج و سختی پادشاه بابل  
**در اسد** چون ماه در اسد بود و ویرا در جانب مشرق پنجه دلیل کند  
بر قوت احوال پادشاهان و رنج و سختی احوال رعیت و اگر بجای  
مغرب پنجه دلیل کند بر بسیاری نعمت و مستولی شدن لشکر  
و رعیت بر پادشاه **در سنبله** چون ماه در سنبله بود و ویرا  
بجانب مشرق پنجه دلیل کند بر خیر و صلاح کارهای مردم و باران  
بسیار و سرمای سخت در زمستان و برف و یخ بسیار و اگر  
بجانب مغرب پنجه دلیل کند بر بسیاری نعمت و مصرت  
دیران و نا امانی از جهة در دان **در میزان** چون ماه در میزان بود  
و ویرا بجانب مشرق پنجه دلیل کند بر پیداشدن و نیامی مختلف  
و بسیاری نعمت در ولایت بابل و اگر بجانب مغرب پنجه دلیل کند  
بر زیادتی چهار پیمان و عدل و انصاف پادشاهان بر رعیت

و بسیاری مرگ کودکان **در عقرب** چون ماه در عقرب بود و ویرا  
در جانب مشرق پنجه دلیل کند بر استقامت کارهای اهل دین  
و بدی احوال اهل من و مردم دون و اگر بجانب مغرب پنجه  
دلیل کند بر بسیاری نعمه و صلاح کارهای مردمان **در قوس**  
چون ماه در قوس بود و ویرا در جانب مشرق پنجه دلیل کند  
بر صلاح احوال اهل من و دوزخی نعمت و اگر ویرا بجانب مغرب  
پنجه دلیل کند بر صلاح احوال اهل من و حبشه و قوه علماء و اهل  
دین و صلاح کارها **در جدی** چون ماه در جدی بود و ویرا در جانب  
مشرق پنجه دلیل کند بر بسیاری نعم و باران و ارزانی عله و جو بهما  
و اگر ویرا بجانب مغرب پنجه دلیل کند بر بسیاری باران  
و نم و بچه انداختن زنان آبستن از شکم **در دلو** چون ماه در  
دلو بود و ویرا بجانب مشرق پنجه دلیل کند بر صلاح کارها

و بسیاری نعمت و اشتغال مردم تعلیم علوم و اگر بجانب مغرب  
 پندد دلیل کند بر صلاح کما و فقها و مضرت بازرگانان و  
 ماسی و مرغان آینه **فصل نهم** در حکم دلیلی  
 علامت حرب بر حسب بودن ماه در بروج **جد** چون حرب را  
 پندد و ماه در حمل باشد دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشه  
 مردمان و باران بسیار و فائده اهل تجارت و اگر بجانب  
 مغرب پندد دلیل کند که بزرگان تعرض کنند اهل تجارت را  
 و بسیار باران بار و **در ثور** چون ماه در ثور بود و ویرا در جانب  
 مشرق پندد دلیل کند که در فارس ملبوسکنی بود و بسیار مردم  
 در آنجا مالاک شوند و اگر بجانب مغرب پندد دلیل کند بر خون  
 و حرب در دیار مغرب و پادشاهان بر رعیت جور و ظلم کند  
**در جوزاء** چون ماه در جوزاء بود و ویرا بجانب مشرق پندد

**در جوزاء**  
 چون ماه در جوزاء بود و ویرا  
 بجانب مشرق پندد دلیل کند  
 بر فساد حال تجارت و اهل  
 و اگر بجانب مغرب پندد  
 دلالت کند بر جنگ و باران  
 و نم و آینه اعلم

در جوزاء

دلیل کند بر بیماری غله و نبات زمین و بیماریها بسیار و اگر  
 بجانب مغرب پندد دلیل کند که میوهها فراوان باشد و نم و  
 بارانها بسیار باشد **در سرطان** چون ماه در سرطان بود و ویرا  
 در جانب مشرق پندد دلیل کند که در ولایت مرگ و بیماریها  
 میسر بود و پادشاه مشرق شهری بنیستند و اگر در جانب  
 غرب پندد دلیل کند که مردی بر پادشاه آن دیار عاصی گردد  
 و در میان رعیت اختلاف افتد بعد از آن پادشاه استقامت  
 گیرد **در اسد** چون ماه در اسد بود و ویرا در جانب مشرق پندد دلیل  
 کند که پادشاه آن دیار از آن ولایت رحل کند و میوه بسیار بود  
 و مردمان اندر خیر و صلاح و سلامتی باشند و اگر در جانب  
 مغرب پندد دلیل کند بر جنگ و قتل و خون ریختن و ترس رعیت  
 از شکر یان و بعد از آن صلح و امنی پیدا آید **در سنبله** چون ماه در سنبله بود

دویرا در جانب مشرق پسندد لیل کند که در میان عرب خصوصاً افتد  
و اگر ویرا ای جنب مغرب پسندد لیل کند که اندرین سال در آن  
بسیار مردم را هلاک کند و سه سال در فارس جنگ و فتنه چون  
ریختن بود **در میزان** چون ماه در میزان بود و ویرا ای جنب مشرق  
پسندد لیل کند که مردمان بایکدی بگریزند و صورت بسیار کند  
اگر ویرا در جانب مغرب پسندد لیل کند که باران بسیار بارد و  
مردمان این دیار را ایمنی و سکایته باشد **در عفر** چون ماه در عفر  
بود و ویرا در جانب مشرق پسندد لیل کند که در میان مردمان محبت  
و عداوت افتد و بسیار مردم بر دست یکدیگر هلاک شوند و اگر  
ویرا در جانب مغرب پسندد لیل کند که پادشاه آن دیار هلاک  
شود و بندهگان مطیع خداوندان شوند **در قوس** چون ماه در قوس  
دویرا در جانب مشرق پسندد لیل کند که پادشاه بلبل از جایگاه

خویش حرکت کند و سه سال مردمان را بیماری و تنگی طعام بود و اگر  
ویرا در جانب مغرب پسندد لیل کند که بر مردمان دیگرستم  
کند و غلبه کنند و بعد از آن حالشان همچو حال ایشان ضعیف گردد  
**در جدی** چون ماه در جدی بود و ویرا در جانب مشرق پسندد لیل  
کند بر فراخ غله و جو بهای زیادتی آبهای چشمه و باران بسیار  
و اگر ویرا در جانب مغرب پسندد لیل کند بر مرک چهارپایان و  
حرکت اسکیان و فون ریختن و قتل بسیار **در دلو** چون ماه در  
دلو بود و ویرا در جانب مشرق پسندد لیل کند بر عذر کردن مردی  
بزرگوار با پادشاه ولایت و بعد از آن پادشاه ویرا تهر کند و  
هلاکش گرداند و پادشاه را حال نیکی کرد و اگر ویرا در جانب  
پسندد لیل کند که در ولایت فرنگ قحط و تنگی طعام پیدا شود **در حوت**  
چون ماه در حوت بود و ویرا در جانب مشرق پسندد لیل کند بر باران

بسیار و مرکب چهارپایان و سنگی طعام و دود و دام اندیزین سال  
باشند و اگر ویرا بجانب مغرب پسندد لعل کند که در میان مردم  
جنگ و خصومت بسیار بود و پادشاهان مغرب را با یکدیگر  
خصومت افتد و قوه اهل اسلام را باشد **فصل**  
**دوم** در حکم دلیلهای سرخی که در آسمان بدید آید بر حسب  
بودن ماه در بروج **در حمل** چون سرخی در آسمان بجانب مشرق  
پسندد و ماه در حمل بود دلیل کند بر بگویی احوال مردم و فرح  
یا فتنه از غم و اندوه و معیشت و کسب مردمان و اگر در جانب  
مغرب پسندد دلیل کند بر فتنه و عاصیه شدن بزرگان لشکر  
بر پادشاهان و رنج و اندیشه مردم و باخ و ظفر پادشاه را بود **در**  
چون ماه در ثور بود و ویرا پسندد در جانب مشرق دلیل کند بر  
فتنه و بلا و آشفتگی در ولایتهای مابین و کوهستان لیکن باخ

صلح و استیمنه بود و اگر در جانب مغرب پسندد دلیل کند که در  
ولایت مردم را رنج و بلا و نااستیمنه بود **در جوزا** چون ماه  
در جوزا بود و ویرا در جانب مشرق پسندد دلیل کند بر زیادت  
آنها و نبات زمین و آشفتگی در ولایت طبرستان و آینه  
و اگر در جانب مغرب پسندد دلیل کند بر خرابی اراضیف و جنگ  
و فتنه در ولایت مصر و کنگان و برترس و پیم از دزدان و راه  
**در سرطان** چون ماه در سرطان بود و ویرا در جانب مشرق پسندد  
دلیل کند بر نغم و باران و خصومت پادشاهان و آسان و آشفتگی  
و پیم از دزدان و اگر در جانب مغرب پسندد دلیل کند که آنچه گفتیم در  
ولایت مغرب بود **در میزان** چون ماه در اسد بود دلیل کند  
بر منفعت پادشاهان و ولایت ترک و جنگ و خون ریزی و برترس  
و پیم رعیت از ملوک و اگر در جانب مغرب پسندد دلیل کند بر

مرکی سخت در تابستان و پاره های صفاوی و جنگ و فتنه  
 و خصومت مردم با یکدیگر در ولایت مغرب **در سنبله** خون ماه در  
 سنبله بود و ویرا در جانب مشرق پسند دلیل کذب پاری و  
 آهبا و فساد در ختان و خبرهای ارا حیف و اگر ویرا در جانب  
 پسند دلیل کذب خصومت و فتنه در ولایت فارس و شام  
 و ظلم ملوک بر رعیت **در مهزبان** چون ماه در میزان بود و ویرا <sup>مسنده</sup>  
 در جانب مشرق دلیل کذب بر کمی نبات زمین و باد بسیار و محظ  
 و تنگی در فرنگیه و قسطنطنیه و اشفگی در ولایت ایثان  
 و اگر در جانب مغرب پسند دلیل کذب بر خیر و ایمنی و لغت و عدل  
 انصاف از پادشاهان بر رعیت **در معرفت** چون ماه در عقرب بود  
 و ویرا در جانب مشرق پسند دلیل کذب بر فتنه و خون ریزش  
 بسیار در ولایه یمن و طایف و حجاز و نایمینی آن دیار و چون <sup>موتی</sup> **در جانب**

دلیل کذب بر امن و سکوی احوال مردم دیلم و درستان و ارستان  
 زخما **در قوس** چون ماه در قوس بود و ویرا در جانب مشرق پسند  
 دلیل کذب بر فتنه و فساد و غلها در عراق و کهستان و کرانی زخما  
 و اگر در جانب مغرب پسند دلیل کذب بر جنگ و خونریزی در ولایت  
 مصر و قبطیان و ظلم پادشاهان ایثان بر رعیت **در جدی** چون  
 در جدی بود و ویرا در جانب مشرق پسند دلیل کذب بر کم چهار پایا  
 و خصومت و اشفگی در ولایت هندوستان و نوبه و حبشه  
 و محظ و تنگی در آنجا و اگر در جانب مغرب پسند دلیل کذب بر جنگ  
 و خون ریختن و فتنه در ولایت مرنگ و اسکندریه و نایمینی آن  
 دیار **در دلو** و چون ماه در دلو بود و ویرا در جانب مشرق پسند  
 دلیل کذب بر کمی آهبا و نبات زمین و بادهای بسیار و خصومت  
 و اشفگی پادشاهان رکنبار و اگر در جانب مغرب پسند

دلیل کذب فساد غلها و غم بسیار و لیکن زمان که کند و با آخر سال  
ترخا ارزان شود **در شهری** چون ماه در عوت بود و ویرا در جانب  
مشرق بنیند دلیل کذب برغم و باران بسیار و سرمای سخت اند  
زمستان و قسه و جنگ در ولایت ماورالنهروا اگر ویرا در جانب  
مغرب بنیند دلیل کذب برخصوت و جنگ پادشاه اسکندریه یا  
فرنگ و خوزجین بسیار و اشغلی در آن ولایت **فصل**  
**یازدهم** در حکم دلایلی علامتی عجیب که در آسمان بدید  
بر حسب بودن ماه در روج **در محل** چون علامتی عجیب در  
آسمان بدید آید و ماه در محل بود دلیل کذب بر کم بسیار در هر ولایت  
و مردم در غم و مصیبت باشند اما میوه و غله و خوب فراوان  
باشد و کسب و آینی بود خاصه در آخر سال **در تود** چون ماه در روج  
بود دلیل کذب برغم و باران و خداوندان مال را پادشاهان مصادره کنند

در

در پنج رساند و کشتیهای بسیار بدیر با غنق شوند درین سال **در جونا**  
چون ماه در جونا باشد دلیل کذب که گروسی را از توتم خویش پادشاه آن  
دیار مملاک کند و سگنی و مخطط طعام در مرنا حیستی بدید آید و مردم در اند  
و تسویش اقتدا از پنج و نا ایمنی **در شهرها** چون ماه در سرطان بود دلیل کذب  
بر کمی غله و طعام و کرانی رخا و سگسی مردم و اشغلی و مرگ چهار  
و غم و اندیشه مردمان ارباب تنگی سال و مضرت اهل تجارت  
**در سده** چون ماه در اسد بود دلیل کذب بر مملاک مهتران و ستم  
کردن پادشاهان بر رعیت امانات زمین و جو بهای اندرین سال فراوان  
بود **در سنبله** چون ماه در سنبله بود دلیل کذب بر بیماری صعب و غم  
و اندیشه مردم و مرگ بسیار و اشغلی ولایت اما گشت و رز و با  
زمین فراوان بود **در زمینی** چون ماه در میزان بود دلیل کذب که اندرین  
سال بسیار مردم مملاک شورش رعیت را از پادشاهان پنج رسد



و مردی بزرگوار در آن دیار ممالک شود **در عقب** چون ماه در عقب  
بود دلیل کند بر فساد میوه و رعیت را از مصا دره و جور پادشاهان  
غم و اندوه رسد و اهل تجارت کسب و معیشت کم باشد و آرزای  
بسیار گویند **در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کند بر جنگ  
و خصومت مردم و فساد میوه و نا امانی از سبب دزدان و  
راه زمان اما در آن سال احوال مردم خوب گردد و زنها از آن  
شود **در جدک** چون ماه در جدی بود دلیل کند بر مرگ چهار پیمان  
و بیماری و رنج و اندیشه مردم و سبب خسارت اهل تجارت  
اما غله و طعام فراوان باشد **در دلو** چون ماه در دلو بود دلیل کند  
بر بیماری که رفتن از شکم زمان آستان و مردمان را با یکدیگر  
جنگ و محاربه بسیار بود و اهل روستا را از دزدان و  
راه زمان مضرت رسد **در حوت** چون ماه در حوت بود

دلیل کند بر خسارت بازرگانان و خصومت پادشاهان با یکدیگر و  
نا امانی و آشفتگی ولایت خاصه در آخر سال **فصل**  
**دوازدهم** در حکم دلیلهای مانند شخصی که در سوای پادشاه خوب  
بودن ماه در بروج **در حمل** چون ماه شخصی در سوای پادشاه و ما  
در حمل باشد دلیل کند که پادشاه بزرگوار ببرد و در ولایت او  
خصومت و قتل و آشفتگی بید آید و نا امانی بود از سبب دزدان  
و راه زمان **در ثور** چون ماه در ثور بود دلیل کند بر بیماری  
و بایستی و مرگ مفاجا و غم و اندیشه مردم و ممالک  
پادشاهی بزرگ و بدی احوال اهل روستا و امانی مردمان  
**در جمن** چون ماه در جوزا بود دلیل کند بر زمین لرزه و بیماری  
صعب و پیرون آمدن خوارج بر ملوک و قتل و خون کشیدن  
بسیار و مضرت بازرگانان **در سرطان** چون ماه در سرطان بود <sup>دلیل کند</sup>

برخبرهای اراجیف و تسویش و غم و اندیشه رعیت از ملوک و  
جنگ و خصومت پادشاهان بایکدیگر و نیز دلیل کند که پادشاه  
در میان مصافکشته شود **در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کند  
بر خصومت کردن مردمان بایکدیگر و غم و اندیشه رعیت از  
ملوک و فتنه و آشفتگی ولایت از سبب زردان **در سنبله**  
چون ماه در سنبله بود دلیل کند بر خبرهای اراجیف و تسویش  
مردم و مصیبت و رنج اهل روستا از لشکریان و بعد از آن  
صلح و ایمنی بدیداید **در میزان** چون ماه در میزان بود دلیل کند  
که پادشاهی در میان مصافکته شود و بسیاری از لشکر  
وی کشته شود **در عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کند بر مرگ  
پادشاهی بزرگوار و تسکین طعام و آشفتگی و ناایمنی و خسارت  
بازرگانان و غم و اندیشه مردم **در قوس** چون ماه در قوس بود

دلیل کند بر محاربه و خصومت کردن پادشاهان بایکدیگر و گرمی  
تابستان و تسویش رعیت از ظلم ملوک اما غله و حبوبات  
بود و میوه را آفت زد **در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل کند  
بر بیرون آمدن قوارج بر ملوک و تسکین طعام و کرانی رزقا و هلاک  
پادشاهی بزرگوار و خصومت مردمان بایکدیگر و ناایمنی  
از سبب زردان و راه زنان **در دلو** چون ماه در دلو بود  
دلیل کند بر بادهای مختلف و هلاک پادشاه آن دیار و خون  
ریختن و پیم و رتس اهل روستا از لشکریان **در حوت** چون ماه  
در حوت بود دلیل کند بر غم و باران و فساد گشت و رز و محظ  
و تسکین طعام و ناایمنی ولایت و مرگ پادشاهی بزرگ و مضرت  
بازرگانان **فصل سیزدهم** در حکم دیلهای بایک کردن  
رعده بر حسب بودن ماه در بروج **در حمل** چون رعده بعد از دو ماه در

حمل باشد دلیل کند بر خیرهای خوش و نبات زمین و یکسما  
و غیر و برکات اندرین سال و عاقبت مردم و ایمنی و ارزانی بر  
و بسیاری علما و حیوانات **در توت** چون ماه در توت بود دلیل کند  
بر عمارت جایها و بسیاری جو و گندم و فسادهای و مرغان  
آبی و ارزانی میوه و سبزی مردم و خواری پادشاه فلسطین و خرن  
دشمن بر روی و جنگ و فتنه اندران ولایت و نایمنی **در جوزا**  
چون ماه در جوزا بود دلیل کند بر بادهای مختلف و فساد حیوانات  
و بیماری و مرگ چهارپایان و خصومت و جنگ پادشاهان  
طبرستان و کومستان و نایمنی ولایت ارسب در دانات  
و راه زنان **در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل کند بر  
ابروباران و نبات زمین بسیار بود و جنگ و خصومت  
پادشاهان خراسان و چین و بسیاری میوه و ایمنی ولایت

روم و دیار بکر و ارزانی ترخا خاصه در آخر سال **در اسد** چون  
در اسد بود دلیل کند بر کمی نبات زمین و فساد میوه و بیماری  
صفر اوی و گرمای سخت در تابستان و قوت پادشاهان  
و اگر بوقت غنیدن رعده ماه زائد النور بود دلیل کند بر جنگ  
و فتنه و خون ریختن در ولایت نیشابور و ترکستان **در سنبله**  
چون ماه در سنبله بود دلیل کند بر مرگ پادشاهی بزرگت و پیمان  
و ترس و بیم از در دانات و محط و تسکی در انطاکیه و ولایت  
شام و غم و اندیشه مردم از سبزی **در میزان** چون ماه در  
بود دلیل کند بر کمی حیوانات و مرگ بسیار در ولایت مغرب  
و ممالک چهارپایان و جزای اراجیف و محط و تسکی در ولایت  
فرنگ و مصر و حرب و خصومت پادشاهان ایشان با یکدیگر  
**در عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کند بر فراخی نعمت و ابرویان

و نبات زمین و گیاه بسیار و نخی سرمای زمستان و مملاک  
مردی بزرگوار و اشفتکه رامها از سبب زردان و راه زنان و  
مضرت باز ز کانا **در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کند  
بزیادتی نبات زمین و کرمای نخت بتاستان و جنگ و خون  
ریختن پادشاه گهستان با مخالفان خویش و اشفتکه آن دیار  
و کمی مہیان و مرغان آبی و بسیاری انکسین و **در جدی** چون  
در جدی بود دلیل کند بر اشفتن لسكر با و فتنه و خونریختن مابل و قحط  
و تنگی در هندستان و حبشه و مرک بسیار و پارهها اندران دیار و بلخ  
سیا و نا ایمنی مردم از جهت زردان و راه زنان **در دلو** چون ماه  
دلو بود دلیل کند بر رخ و فتنه و جنگ در ولایت قبطیان و زنگبار  
و پارههای صعب اندرا باجا و فائده بزرگان و رعیت در ولایت  
ارمنیه و روم و زیادتی آبهای چشمه و کاریز **در حوت** چون ماه در

حوت بود دلیل کند بر نم و باران بسیار و سرمای نخت اندر استان  
و فائده بسیار و عدل و انصاف پادشاهان بر رعیت و ارزانی  
زنها در لغوسال **فصل چهارم** در حکم دلیلهای در  
برق بر حسب بودن ماه در بروج **در حمل** خون برق همدوماه  
در حمل بود دلیل کند بر آفت چهار پیمان و قتل و عارت و فتنه  
بسیار و دلیل کند در دیار مابل و فارس غم و اندیشه و اندوه  
مردم بود اما طعام فراوان بود **در ثور** چون ماه در ثور بود دلیل کند  
بر پارهها خاصه در سمدان و ولایت ماہین اما غله و حیوان و موطن  
سیار بود **در جوزا** چون ماه در جوزا بود دلیل کند که راه  
مسافران بر خطر باشد از سبب زردان و راه زنان و قتل  
و فتنه و خونریختن بسیار بود خاصه در ولایت طبرستان و شهرهای  
ارمنیه و مصر **در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل کند بر زیادتی

و خبرهای راجیف و اختلاف و خصومت مردمان و فتنه و  
اشفتگی در ولایت **در سده** چون ماه در اسد بود دلیل کذب  
کرمانی بخت تباستان و سپاری پادشاه ترکستان و غم و باران  
کمتر بود و زرخا با فرسال کران شود **در سنبله** چون ماه در سنبله بود دلیل  
برغم و اندیشه و تشویش مردمان و خبرهای راجیف و ممالک پادشاه  
اهل شام و انطاکیه و اشفتگی آن دیار **در میزان** چون ماه در میزان بود  
دلیل کذب بر بادهای مختلف و غم و اندیشه مردم اما غله و جو بهای اول  
باشد و باران با فرسال بیشتر بارد **در عقرب** چون ماه در عقرب  
بود دلیل کذب زمین لرزه و اشفتگی شهرهای حجاز و یمن و طاعون  
و فساد میوهها و غم و اندیشه مردمان آن دیار از لشکری سگانه  
**در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کذب مضرت و خسران  
مسافران و مضرت اهل تجارت از سبب زردان و خصومت

ماد سال

پادشاهان ولایت کهستان و بخارستان با یکدیگر و نایبانی آن دیار  
**در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل کذب که پادشاهان آن دیار  
مردی بزرگ را پنهان کند و اموال و نعمتشان را بستاند و غله و بیاب  
رزمین فراوان باشد اما کسب کمتر بود **در دلو** چون ماه در دلو بود  
دلیل کذب اشفتگی و تشنگی طعام در ولایت قیطیان و زنگبار  
و قتل و خون بسیار اندر آنجا و نیز دلیل کذب بر بادهای مختلف  
اندرین سال **در حوت** چون ماه در حوت بود دلیل کذب بر باد  
بسیار و زیادتی غله و میوهها و نبات زمین و کسب و ایمنی مردمان  
و ممالک پادشاه اسکندریه **فضل این مردم** در حکم دیار  
استی که از نوابرمن افتد بر حسب بودن ماه در برج **در حمل** چون  
استی از نوابرمن افتد و ماه در برج حمل بود دلیل کذب در صحنه  
و برف بسیار و مخالفت مردم با یکدیگر و ظلم پادشاهان بر رعیت

**در قوت** چون ماه در ثور بود دلیل کند بر حضوت و غم و اندیشه  
 مردمان و در خاتن میوه را افه ترسد و بسیاری چهارپایان درین سال  
 هلاک شوند **در جوزا** چون ماه در جوزا بود دلیل کند بر خرق بسیار و  
 و ترس و بیم مسافران و کمی غله و نبات زمین و نیز دلیل کند که در  
 سال مردم را از دود و دام مصرت **در سرطان** چون ماه در سرطان  
 بود دلیل کند بر عداوت و حرب ملوک با یکدیگر و کرانی ترها و غم  
 و اندیشه مردم و نا امانی ولایت **در اسد** چون ماه در اسد بود  
 بر بیماری صعب و مرگ بسیار و سنگی طعام و حرب و خون ریختن و  
 نمانج بسیار و خسران اهل تجارت و مصرت مسافران از نا امانی زلها  
**در سنبله** چون ماه در سنبله بود دلیل کند بر سرمای صعب اندر مشتاقان  
 و نخاصمت پادشاهان با یکدیگر و ترس و بیم مردمان و ضرباتی آرا  
 خاصه در کفر **در میزان** چون ماه در میزان بود دلیل کند بر کمی آبها

چشمه و کاریز و مرگ کوسندگان و بیماریهای کرم و تبهای تیز و ستم  
 کردن ملوک بر رعیت و **در عقرب** ولایت **در عقرب** چون ماه در عقرب بود  
 دلیل کند بر مرگ بسیار و بیماریهای صعب و غم و اندیشه مردمان  
 و خسران اهل تجارت از جهت دزدان و راه زمان **در قوس**  
 چون ماه در قوس بود دلیل کند بر قحط و تنگی سال و کرمانی  
 و خون ریختن بسیار و تشوش مردم و غم و اندیشه و نا امانی و  
**در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل کند بر شنه و جنگ و خون  
 ریختن اندر دیار و بعضی گویند که اهل فساد را اندران سال بلاء  
 رسد و اهل صلاح را **یک باشد در دلو** چون ماه در دلو بود  
 دلیل کند بر با دهای بسیار و حضوت ملوک با یکدیگر و نا امانی مردم  
 و نیز دلیل کند که اندرین سال خرق بسیار افتد **در حوت** چون ماه  
 در حوت بود دلیل کند بر هلاک پادشاهی بزرگوار و مصرت

اهل تجارت از نایبی ولایت و غم اندیشه مردم و هلاک چهارپایان  
 اما غله و نبات زمین فراوان باشد **ششم**  
 در حکم دلیلیا باریدن باران سخت بر حسب بودن ماه در  
 بروج در **حمل** چون ماه در حمل بود و باران سخت سار و دلیل کند  
 بر کب و منفعت و غله بسیار اندرین سال و مردم را کب و منفعت  
 باشد در **ثور** چون ماه در ثور بود دلیل کند که نم و باران کمتر باشد  
 اما مردم را کب و منفعت بود و ایمنی و از پادشاهان آن دیار در  
 را از شکر خویش هلاک و اگر باران سخت بیارد دلیل کند بر قحط  
 و تنگی و فساد گشت و در **سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل بود  
 بر بیماری بلغمی خاصه در لغو سال و مردم را کب و معیشت کمتر بود  
 و بسیاری اطفال در شکم مادران هلاک **در اسد** چون ماه در اسد  
 دلیل بود بر عمارتهای زمین و بسیاری میوهها اما بیماری و مرگ چهارپایان

**در جوزا** کند  
 چون ماه در جوزا بود دلیل  
 بر باد و طوفان و بارندگی  
 و بیماری صلب و قلیکات  
 و کثرت زرد و فساد و  
 اضطراب در عالم

بسیار

بسیار بود و کشتیها درین سال غرق شود **در میزان** چون ماه در  
 میزان بود دلیل کند بر کب و معیشت مردم و زیادتی طعم  
 و نبات زمین و ارزانی رزقها و ایمنی مردم و زیادتی طعام و  
 فراوانی میوهها اما روستا را از لشکریان مضرت بود **در عقرب** چون ماه  
 در عقرب بود دلیل کند بر زیادتی نم و بارانها و کب و معیشت  
 بازرگانان و مرگ ماهیان و مرغان آبی و فساد میوهها و بیماری بسیار  
**در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کند بر گرمی تابستان و صوت  
 و جنگ مردم با یکدیگر اما کب و معیشت بسیار بود و با فرایندی  
**در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل کند که غله و جو بهای اندرین سال  
 فراوان باشد اما بیماری بسیار بود خاصه در دسر و سرفه و در چشم  
**در دلو** چون ماه در دلو بود دلیل کند بر عدل و انصاف پادشاهان  
 بر رعیت و کب و معیشت اما نم و باران اندرین سال کمتر باشد

**در سنبل**  
 چون ماه در سنبل بود دلیل  
 کند که غله و میوه بسیار باشد  
 اما قحط و اوجیب بسیار باشد  
 و مردم را جوش  
 بیم بود

**در حوت** چون ماه در حوت بود دلیل کند بر ایمنی و سلامت کسب  
مردم و معشت و نعمت بسیار بر رعیت از پادشاهان اما فرما و <sup>بکن</sup>  
درین سال کمتر بود **فصل مقدم** در حکم دلیلهای باریدن <sup>تکرک</sup>  
بر حسب بودن ماه در بروج **در حمل** چون تکرک بار دو ماه در برج  
حمل بود دلیل کند بر مناعت لشکر مایکدیکر و تشویش و اختلاف  
مردم و خبرهای اراجیف و خسران بارزگانان و نایمنی و ولایت  
**در قوس** چون ماه در ثور بود دلیل کند بر بیماریهای صعب و قتل  
و غوریش و هلاک مردی بزرگوار و بیماری چهارپایان خاصه  
مایمن و اشفتگی و تشویش مردم **در جوزا** چون ماه در جوزا بود  
دلیل کند بر گرانی رزها و برف و باران بسیار و قحط و تنگی  
و غم و اندیشه و تشویش مردم و بیماری و **در اسد** چون  
در اسد بود دلیل کند بر اشفتگی و نایمنی و جنگ و خصومت

ملوک با یکدیگر و آفت و خون رختن بسیار و بیماری صعب  
و خبرهای اراجیف **در سنبله** چون ماه در سنبله بود <sup>دلیل کند</sup>  
بر اشفتگی و نایمنی و ولایت و فساد احوال مردم روستا و عظم  
پادشاهان بر رعیت و مرگ معاجات **در میزان** چون ماه در میزان  
بود دلیل کند که اندرین سال بهتا و بیماریها بسیار بود و مردی  
بزرگوار اندرین سال هلاک شود و کسب و منفعت کم تر بود **در**  
**عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کند که بر پادشاه بابل خوار  
خروج کنند و بعد از آن طغرنا پشته بابل را بود و اموال آنها را  
بت راج بربند **در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کند بر بیماریها  
صعب و تنگی طعام و غم و اندیشه مردمان و مضرت اهل  
تجارت را بود **در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل کند که  
مردم را اندرین سال رنج و سختی رسد و بر پادشاه خوارج خروج



و سه انجام ظفر پادشاه بود **در دلو** چون ماه در دلو بود دلیل  
که ملوک را اندرین سال قوت و ظفر باشد بر اعدا و غله و جوها  
فروان باشد و مسافر از اسود و مسفت بود **در حوت** چون ماه  
حوت بود دلیل کند بر غم و اندوه پادشاه آن دیار و قوت  
را از لشکریان رنج بسیار رسد و غله و نبات زمین کمتر باشد  
**فصل مجدی** در حکم دلیلهای باریدن خاک  
سرخ از هوا بر حسب بودن ماه در روج **در حمل** چون ماه در  
حمل بود و خاک سرخ از هوا بیارد دلیل کند بر ترس و بیم مردم  
و تنگی و جنگ و خصومت و خون ریختن و قتل اندرین سال  
و غم اندیشه مردم از نیکبسی و کمی بارانها و نبات زمین **در**  
**ثور** چون ماه در ثور بود دلیل کند بر آشفتگی ولایت و خشکی  
سال و بدی احوال مردم آن دیا و آفت میوه اما غله و جو به نیک بود

**در جوزا** چون ماه در جوزا بود دلیل کند بر جور و ظلم کردن پادشاه  
بر رعیت و غم و باران کمتر بود و اهل تجارت را غم و اندیشه بود  
از سبب زردان **در سرطان** چون ماه در سرطان بود  
دلیل کند بر بیماریهای صعب و مرگ چهار پیمان اما از  
پادشاه بر رعیت عدل و ایمنی بود و کس باشد **در اسد** چون  
در اسد بود دلیل کند بر مرگ پادشاه بزرگوار و آشفتگی ولایت  
و اهل روستا را از لشکریان مضرت رسد **در سنبله** چون  
ماه در سنبله بود دلیل کند بر خشکی سال و قحط و تنگی خاصه در ولایت  
شام و مضرت نا ایمنی بود از سبب زردان و غم و اندیشه مردم  
چون ماه در میزان بود دلیل کند بر باد بسیار و کمی غم و باران  
و غم و اندوه رعیت از سبب مصادره و ظلم پادشاهان  
و مرگ چهار پیمان و کمی نبات زمین **در عقرب** چون ماه در

عقرب بود دلیل کند بر مرک بز کواری و لیکن نبات زمین  
 فراوان باشد و رعیت را از پادشاه عدل و انصاف و اینها  
**در قوس** خون ماه در قوس بود دلیل کند بر مرک مفاجات  
 و نایب یعنی آن دیار از سبب دروان و راه زمان و بیماریهای گرم  
 و تیز و خشکی سال و کمی آبها و بارانها **در جدی** چون ماه در جدی  
 بود دلیل کند بر اشفتگی و لایت و سگی با زکاتان و کمی  
 معیشت مردم بازاری و خسران اهل تجارت از سبب دروان  
**در دلو** چون ماه در دلو بود دلیل کند بر افة چهار پایان  
 و بیماری بسیار و تفکر و اندیشه مردم از پادشاهان و نیز  
 دلیل کند که میوه را افة رسد اما غله بسیار بود **در حوت** چون  
 ماه در حوت بود دلیل کند بر اندیشه و تشویش مردمان و نایب  
 بود خاصه در ولایت ماوراء النهر و بسیار مردم در آنجا از کشتیهای

شوند **فصل نهم** در حکم دلیلهای باریدن و رفت  
 یا گرم از ابر بر حسب بودن ماه در بروج **در حمل** خون وزون یا گرم  
 از ابر بار دو ماه در حمل بود دلیل کند بر غم و باران بسیار و در بار  
 آبها و تیز و دلیل کند که میوه را افة رسد اما غله و جو بهای فراوان باشد  
**در ثور** خون ماه در ثور بود دلیل کند بر مرک بسیار و بیماریهای  
 صعب و افة چهار پایان و مردم را غم و اندیشه بود از سبب  
 و مصادره و اشفتگی و لایت **در جوزا** چون ماه در جوزا  
 بود دلیل کند بر قحط و تنگی طعام و کرانی رزق و اشفتگی و لایت  
 و ظلم کردن پادشاهای بر رعیت و یکی مردم و کمی معیشت  
**در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل بر فساد هوا و بیماری  
 بسیار و مرک چهار پایان و تشویش و اشفتگی و لایت اما غله و نبات  
 زمین فراوان باشد **در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کند بر غم

و اندیشه رعیت از جور و ظلم پادشاهان و خسران اهل تجارت و بیج و  
مضرت بازرگانان اندر سفر **در سنبله** چون ماه در سنبله بود دلیل  
کنند بر خصومت و حرب ملوک با یکدیگر و اندیشه رعیت و سمارهای او  
و فساد کشتیها خاصه در اول سال **در میزان** چون ماه در میزان بود دلیل  
کنند بر غلتهای صعب و مرگ معاجات و خصومت و جنگ ملوک با یکدیگر  
و مضرت اهل تجارت و مرگ جانوران **در عقرب** چون ماه در عقرب  
بود دلیل کنند بر بسیاری بردباران و نبات زمین و غم و اندیشه مردم  
و جور پادشاه بر رعیت و بیماری بسیار و پیکسی **در قوس** چون ماه  
قوس بود دلیل کنند بر فساد میوهها و کمی نبات زمین و نیز دلیل کنند که  
مردی بزرگوار در آن دیار مالاک شود **در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل  
کنند بر مرگ زنان و فساد میوهها و غلبه دود و دام بر مردم و تشوش  
و اندوه رعیت از جور ملوک **در دلی** چون ماه در دلو بود دلیل کنند بر قحط و

و تنگی و نا ایمنی راههای مسافران از سبب در دزدان و کرانی زنها  
و بیماری صعب و کمی معیشت و پیکسی **در حوت** چون ماه در حوت  
دلیل کنند بر غلتهای صعب چون سرسام و برسام و ذرات الجنب  
و مرگ زنان و کودکان طفل خاصه در اول سال **فصل سیم**  
در حکم دلیلهای پیداشدن عیاری صعب از نو ابر حسب ماه در برد  
**در حمل** چون عیاری صعب در سو اید اشد و ماه در حمل باشد  
دلیل کنند بر گرمی تابستان و بسیاری میوهها و بیماری صفراوی و خربها  
اراجیف و مردم را از دود و دام مضرت رسد **در ثور** چون ماه  
در ثور بود دلیل کنند که بر پادشاه آن دیار خوارچ خسرو چ کنند  
و بسیار مردم را از ایشان خسران و مضرت رسد و سرانجام پادشاه  
را بود **در جوزا** چون ماه در جوزا بود دلیل کنند بر کمی آبها و گرمی  
تابستان اما فرما و انکین بسیار بود و از پادشاهان بر رعیت

عدل و انصاف بود و اینمی باشد **در سرطان** چون ماه در سرطان بود  
دلیل کند که نم و باران درین سال بسیار بود و خبرهای راجیف  
بسیار گویند و نایمینی سدا شود از سبب زردان و راه زنان  
**در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کند که اندرین سال خرق  
بسیار بود و مردم را کب و منفعت کمتر باشد و مرک چهارپایان  
بود و مردمان با یکدیگر خصومت بسیار کند **در سنبله** چون ماه در  
سنبله بود دلیل کند بر خشکی سال و یک آبها و بارانها و یکسبی  
مردم و خزان اهل تجارت و زمین لرزه بسیار بود **در میزان** چون  
ماه در میزان بود دلیل کند بر جنگ و خصومت مردمان با یکدیگر  
و صعبی سرما و رشتان اما غله و نبات زمین اندرین سال فراوان  
بود **در عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کند بر زیادتی آبهای  
چشمه و رود و باران بسیار و کشتیها بدریا غرق شود و میوهها را از رسید

**در قوس** چون ماه در قوس باشد دلیل کند بر تسویش و اندیشه  
مردمان و خبرهای راجیف و یکسبی و کمی معیشت مردم اما غله فراوان  
بود **در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل کند بر جور و ظلم کردن  
ملوک بر رعیت و خشکی سال و کمی آبها اما روغن و انگین و کوسفند  
درین سال بسیار بود **در دلو** چون ماه در دلو دلیل کند بر اشک  
ولایت و نایمینی و خصومت ملوک با یکدیگر و خون ریختن بسیار لکن  
در آخر سال مردم را کب و منفعت بود **در حوت** چون ماه در حوت  
بود دلیل کند بر جنگ و خصومت با یکدیگر و قوت حال بادشاهان  
و ضعف احوال رعیت از سبب مصادره و جور ملوک و یکسبی  
مردمان و کمی معیشت لکن در آخر سال احوال نیکو شود **فصل**  
**پتیکر** در حکم دلیلهای طلیمت و تار یکی مو ابرج بود  
ماه در بروج **در حمل** چون طلیمت و تار یکی در هوا پیدا شود و ماه در

حل باشد دلیل کند بر غم و اندیشه رعیت از جور و ظلم پادشاهان اما  
غله و میوه فراوان باشد و مردم را کسب و منفعت کثر بود **در مرد**  
چون ماه در نور بود دلیل کند بر تباهی میوه و آفت گشت و غله و مرک  
چهارپایان و خصومت با یکدیگر و خبرهای اراجیف **در جوزا** چون  
در جوزا بود دلیل کند بر خسران و مصرت بازرگانان از جهت  
زدان اما غله و نعمت فراوان بود و مردی بزرگوار اندرین سال  
هلاک شود **در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل کند که پادشاهان  
با یکدیگر خلاف افتد و در میان مردم بسیار هلاک شوند و نرنگران  
شود خاصه در اول سال **در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کند بر کفری  
تا بستان و مرک جوانان و نیز دلیل کند که پادشاه آن دیار هلاک شود  
و ولایت اشفته گردد **در سنبله** چون ماه در سنبله بود دلیل کند بر خشکی  
سال و کمی آب و بارانها و نبات زمین و پیکسی و خسران اهل تجارت

و زمین لرزه و ناایمنی **در میزان** چون ماه در میزان بود دلیل کند بر حرکت  
پادشاه آن ولایت و زنج و اشکلی مردمان و پیکسی بازرگانان و  
خبرهای اراجیف **در عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کند بر قحط و  
تنگی سال و فساد غله و حیوانات و نیز دلیل کند که بسیار کشتیا اندرین  
سال بدریا غرق شود **در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کند که در  
سال در خرد و نبات زمین فراوان باشد و زلزله و زکام بسیار باشد  
با جنوب بسیار جهد **در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل کند  
بر پیکسی و زنج و اندیشه مردمان و جور و ظلم رعیت و ناایمنی  
راسها از جهت قطع الطریق **در دلو** چون ماه در دلو بود دلیل کند  
بر بادهای مخالف و کمی نم و باران و نبات زمین و بیماری صعب  
و غم و اندیشه رعیت از جور ملوک **در حوت** چون ماه در حوت  
بود دلیل کند بر مرک چهارپایان و غم و تسویش مردم اما غله و طعام

اندزین سال فراوان بود و اهل تجارت را سود و منفعت باشد و کسب  
بسیار بود و الله اعلم **فصل سیت و دقم در حکم دلیلهای**  
حسین باد سخت بر حسب بودن ماه در بروج **در حمل** چون ماه  
در حمل بود دلیل کند بر برج و بیماری صفراوی و فساد میوه ها و  
مرک جوآنان و خیرهای راجیف و عم و اندیشه مردم **در ثور**  
چون ماه در ثور بود دلیل کند بر کمی آبهای حبه و رود و سرمای صعب  
در رنستان و مرک چهارپایان و برف و یخ بسیار و یکسب مردمان  
**در جوزا** چون ماه در جوزا بود دلیل کند که پادشاه آن دیار از شهر  
خویش حرکت کند و بر مردمان پاره های صفراوی و رقان غالب شود  
**در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل کند که در شهرهای چین و ارمنیه  
قحط و تنگی بود و بسیاری کشتیها اندزین سال در دریا غرق شود  
**در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کند که مردی بزرگ اندران

ولایت ببرد و بارانها کم گردد و از پادشاهان بر رعیت جور و ستم  
بود **در سنبله** چون ماه در سنبله بود دلیل کند که در ولایت  
شام قحط و تنگی بود و بسیار مردم در اینجا از کرسنگی هلاک شوند  
**در میزان** چون ماه در میزان بود دلیل کند بر غم و اندیشه مردم  
اما غله و نعمت فراخ باشد و درختان میوه بار بسیار آرد **در**  
**عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کند که مردی بزرگوار هلاک  
شود و در میان مردم جنگ و خصومت بسیار بود و غله و جو بهای  
و نبات زمین فراوان باشد **در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل  
دلیل کند بر خیرهای راجیف و خشکی سال اما کوسفند و روغن و حرما  
فراوان باشد و اهل تجارت را سود نباشد **در جدی** چون ماه  
در جدی بود دلیل کند که مردم سپاسی اهل روستا را از بخت و محنت  
رسانند و راهها منقطع شود از سبب زردان و راه زمان

**در دلو** چون ماه در دلو بود دلیل کندی بسیاری بود و کمی نبات  
زمین و باشد که میوه بنسازد و در مرکب جوانان و کودکان باشد  
**در حوت** چون ماه در حوت بود دلیل کندی بسیاری میوه و بسیار  
نبات و اگر با باد باران بارد دلیل کند که غله و حبوبات <sup>زنان</sup>  
آید و برنستان سرمای صعب بود **فضل بسیت و**  
**سیوم** در حکم دیلهای باکی که از نواشته شوند بر حسب بودن  
ماه در بروج **در حمل** چون باکی از نواشته شوند و ماه در حمل بود دلیل کند  
بر جنب و خون بسیار و غم و اندیشه مردم از اشک و ولایت  
و برنستان سرمای سخت بود **در ثور** چون ماه در ثور بود دلیل کند  
بر بیماری و مرکب مغایات و آفت میوه و کمی معیشت و پیکسی مردم  
و خرابی ارا حیف **در جوزاء** چون ماه در جوزاء بود دلیل کند بر جنب  
و خصوصت لشکریان با یکدیگر و مرکب و زیری بزرگوار و نیز دلیل کند

که باران و نبات زمین بسیار بود **در سرطان** چون ماه در سرطان  
بود دلیل کند بر حط و تنگی طعام در ولایت چین و خراسان  
و جنب و خون ریختن بسیار و نیز دلیل کند که پادشاه آن  
دیار هلاک شود **در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کند بر  
بیماریهای صعب و مردی بزرگوار اندرین ولایت هلاک شود  
و در نستان سرمای سخت باشد **در سنبله** چون ماه در  
سنبله بود دلیل کند بر فساد مردم و کرانی طعام و هلاک پادشاه  
بزرگوار و نایمینی ولایت از بسبب زردان و راه زنان **در میزان**  
چون ماه در میزان بود دلیل کند بر مصرت و خسران بزرگان و خرابی  
اراجیف و غم و اندیشه مردم از مصادره و جور پادشاهان **در عقرب**  
چون ماه در عقرب بود دلیل کند بر فتنه و خصوصت مردم  
و بیم و ترس اهل روستا از لشکریان و مصرت اهل تجارت

**در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کند بر مرک چهار پیمان  
 دشتی و بیماری بسیار و پیکسی مردم و اشفتگی ولایت  
 اما غله و حبوبها فراوان بود **در جدی** چون در جدی بود  
 دلیل کند بر زمین لرزه و ناامینی مردم از سبب دردان و راه  
 زنان و جور و ظلم پادشاهان بر رعیت **در دلو** چون ماه  
 در دلو بود دلیل کند بر سختی سرما و باد بسیار و کمی میوهها  
 و نبات زمین و سوشش مردم و خیرهای از اجیف و خسران اهل  
 تجارت **در حوت** چون ماه در حوت بود دلیل کند بر خصومت  
 پادشاهان با یکدیگر و فتنه و خونریزی بسیار و صعوبت احوال  
 رعیت از لشکریان **فصل بیست و چهارم** در حکم و لیلها  
 با کیمی که از زمین شنوند بر حسب ماه در بروج **در حمل** چون ماه  
 از زمین شنوند و ماه در حمل بود دلیل کند بر هلاک پادشاهان و ایالتها

و مردم در غم و اندیشه باشند و با خزان قحط و تنگی طعام بیدار آید  
 و بارانها کم بارد **در اردیبهشت** چون ماه در ثور بود دلیل کند بر کمی آبها  
 چشمه ورود و جنگ و خصومت مردمان با یکدیگر و نیز دلاکند  
 که پادشاهان ولایت پمار شود یا دشمنان قصد وی کنند  
**در جوزا** چون ماه در جوزا بود دلیل کند که در میان ملوک جنگ  
 و محاربه افتد و در میان پادشاهان نیز ک هلاک شود و در ولایت  
 بسیاری خرابی و فتنه بیدار آید **در سرطان** چون ماه در سرطان  
 بود دلیل کند بر قحط و تنگی طعام در ولایت فارس و کرمان  
 جنگ و خونریزی بود **در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کند  
 بر کمی نبات زمین و فساد میوهها و مخالفت پادشاهان با یکدیگر  
 و قتل و خونریزی بسیار و خیرهای از اجیف **در سنبله** چون ماه  
 در سنبله بود دلیل کند بر مخالفت و خصومت ملوک با یکدیگر



و تنگی طعام و گرانه ترخا و اشفتگی و مته و نا ایمنی آن دیار  
**در میزان** چون ماه در میزان بود دلیل کند که پادشاه آن  
دیار را دشمن بسیار بدید آید و در ولایتش مضرت و خرابی کند  
و سر انجام ایشانرا قهر کند و ظفر ویر باشد **در عقرب**  
چون ماه در عقرب بود دلیل کند بر جنگ و خصومت ملوک  
با یکدیگر و اشفتگی ولایت و غم و اندیشه مردم و فساد میوهها  
**در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کند بر سبسی و کمی معیشت  
و نم و باران بسیار و سرمای صعب خاصه اندر رستان لیکن  
میوهها و نباتات زمین فراوان باشد **در جدی** چون ماه در جدی  
بود دلیل کند بر بیماری عله و طعام و فساد میوهها و ضعف  
و بیماری و مرگ چهار پیمان و مرگ مردی بزرگوار اندر آن  
ولایت و خبرهای اراجیف **در دلی** چون ماه در دلو بود

دلیل کند بر اشفتگی ولایت و مخاصمت ملوک با یکدیگر و خون  
ریختن بسیار و خرابی ضعیف و خسران اهل تجارت  
**در حوت** چون ماه در حوت بود دلیل کند بر بیماریهای وبا  
و مرگ مفاجات و غم و اندیشه مردمان و زیادتی آبها  
و زمین لرزه اما غله فراوان بود **فصل بیست و پنجم**  
در حکم دلیلهای زمین لرزه بر حسب بودن ماه در برج  
**در حمل** چون زمین بگردد و ماه در حمل باشد دلیل کند بر فتنه  
و زنج و سختی احوال مردم و اختلافها و جبرهای اراجیف  
و جنگ و خون ریختن در ولایت فارس و مابله و آذربایجان  
و مرگ چهار پیمان و نا ایمنی ارزدندان و راه زمان و پمارک  
مختلف و مرگ بسیار و طلسم پادشاهان بر رعیت **در ثور**  
چون ماه در ثور بود دلیل کند بر کمی بارانها و جو پر پادشاهان

بر رعیت و قحط و مرگ چهار پیمان خاصه در ولایت کردستان  
و مازندران و شام و بهری از ولایت روم و اگر زمین بخت  
ببرزد دلیل کذب بریدی حوال مردم آن دیار و از شهر بشهر کشتن ایشان  
و از پنج و نمانا یعنی **در جوزا** خون ماه در جوزا بود دلیل  
بر وبا و بیماری صعب و رزم و خصومت پادشاهان با یکدیگر  
و اشفتگی دیار طبرستان و مصر و خون ریختن بسیار اندر آنجا  
و مرگ کوسغذ و کاکاو و ترس و پیم مردم از سبب در داند و راه  
و کمی آبها چشمه و کاریز و مضرت بازرگانان و مسافران  
**در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل کذب بر خانی و خوری  
بسیار و سرمای صعب اندر رستان و بسیاری بر دباران و  
فساد میوهها و اگر شیب بود دلیل کذب بر اختلاف مردم با یکدیگر و خرابی  
اراجیف **در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کذب بر مرگ بسیار

و بیماری صفراوی و گرمای سخت در تابستان و کمی آبهای  
چشمه و رود و کاریز و نیز دلیل کذب که در میان پادشاهان  
ولایت لرستان خلاف افتد و پادشاهی بزرگ در آنجا  
کشته آید و بدین سبب در میان ایشان جنگ و خون  
بسیار بود **در سنبله** چون ماه در سنبله بود دلیل کذب بر بیماری  
و بانی و مرگ بسیار و فساد کشت در زمین امینی بود و از پادشاه  
بر رعیت عدل انصاف و انکسین و خرمای بسیار بود و در اقطاب  
و ولایت شام بسیاری جنگ و خصومت بود پادشاهان از ابا  
باید بگریختن باشد **در میزان** چون ماه در میزان بود دلیل کذب  
بریدی حالها و ترس و پیم مردم اما نعمت و نبات زمین بسیار بود  
و در میان لشکر روم و ترک اختلاف افتد و بسیار مردم آن دیار  
با یکدیگر جنگ کند و قحط و تنگی و بیماری بود در آن ولایت و با

با یکدیگر صلح کنند **در عرقد** چون ماه در عقرب بود دلیل کند  
نم و باران و پیم و ترس و طغ بسیار و در نستان سرمای صعب بود  
وز کام و زلزله و سرفه بسیار باشد و در ولایت یمن و حجاز و قحط  
و تنگی بود و مرگ معاجاة بود و بسیار مردم در آنجا هلاک شوند  
**در قوس** چون ماه در قوس بود دلیل کند بر فساد مردم و کمی غله و نبات  
زمین و کرانی رزها و پچاره های صعب خاصه در شهرهای کتشان  
و مازندران و اصفهان و مرگ کوشندگان بسیار بود و در نستان  
سرمای سخت باشد و برف و یخبندان بسیار بود و باخ سال اول  
مردم بهتر شود **در جدی** چون ماه در جدی بود دلیل کند  
بر فساد میوه ها و بسیاری جو و گندم و نبات زمین لیکن در  
هندوستان و ولایت حبشه جنگ و خونریزی بسیار بود  
و پادشاهان آن ولایت را با یکدیگر مخالفت افتد و بسیاری

مردم در میان هلاک شوند و باخ در میان صلح افتد و مردم ایشان  
از زنج و سختی رسته شوند **در دلو** چون ماه در دلو بود دلیل کند  
بر ترس و پیم و اندیشه مردم و آشفتگی ولایت از جهت درز آن  
و راه زمان و مصرت بازرگانان و مسافران و بادهای مختلف  
اندرین سال **در حوت** چون ماه در حوت بود دلیل کند بر زم و باران  
و شغفت و کسب مردم و ابرزانی رزها و بسیاری تروج اندرین  
سال و نیز دلیل کند که در ولایت شام و اسکندریه لشکر کشانی  
در آید و دیه های آن ولایت را خراب کند و ترس و ناامنی  
بود اندر آن ولایت **فصل بیست و ششم**  
در حکم دلیلهای کرمانی پس نکام بر حسب بودن ماه در زج  
**در حمل** چون کرمانی پس نکام در آید و ماه در حمل بود دلیل کند  
بر تباهی تن و پچاره های صفاوی اندرین سال و غم و اندیشه مردم

و فون ریختن خاصه در شهرهای فارس و فلسطین و بابل در **شود** چون ماه  
در ثور بود دلیل کذب بر قوت احوال پادشاهان و ضعف احوال رعیت  
و ناسازگاری زنان با مردان و کمی آبهای چشمه و کار نیز واقعه میوهها  
**در جوزا** چون ماه در جوزا بود دلیل کذب بر ایمنی و معیشت مردم  
و راحت و خرمی خاصه در اول سال و همیشه خیر و راحت خداوندان  
قوم را بود **در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل کذب بر بسیاری  
بارانها و زیادتی آبها و عدل و انصاف پادشاهان بر رعیت اما  
رکام و زلزله و سرفه اندرین سال بسیار بود **در اسد** چون ماه در  
اسد دلیل کذب بر قوت حال پادشاهان و کمی غلهها و کزانی زنها و  
بکسی مردم و پاره پاره و تنها و کمی آبها و بارانها اندر اول سال  
**در سنبله** چون ماه در سنبله بود دلیل کذب بر غم و اندیش مردمان  
و ناسازگاری مردان با زنان و پاره پاره ای سودایی و هلاک پادشاهان

۱۱۶  
انطاکیه و نایمینی ولایت شام **در میزان** چون ماه در میزان  
بود دلیل کذب بر کب و معیشت مردم و خبرهای خوش و ایمنی ولایت  
و بادهای بسیار و مرگ چهار پیمان دشتی خاصه در کفر سال **در**  
**عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کذب بر سنگی طعام و محنت  
و نایمینی از مردان و راه زنان خاصه در ولایت یمن و طاعت  
و حجاز و مرگ پادشاه آن دیار **در قوس** چون ماه در قوس بود  
دلیل کذب بر شادی و خرمی مردمان و کثرت و معیشت اهل کجاست  
و عدل و انصاف پادشاهان بر رعیت اندرین سال **در جدی**  
چون ماه در جدی بود دلیل کذب بر کوی احوال مردم و مایتن  
و بسیاری غله و طعام و عمارت زمین اندرین سال بود و خیر  
و ایمنی و راحت مردمان بود **در دلو** چون ماه در دلو بود  
دلیل کذب بر بادهای بسیار و کمی آبها و آفت میوهها و مرگ چهار پیمان

وقت پادشاهان قیطبان و زکیهار و فهم کردن ایشان دشمنان را  
**در حوت** چون ماه در حوت بود دلیل کند بر یکی آنها دریا و رودها  
اما غله و فرما و جو بهای فراوان باشد و اهل تجارت را کسب  
و منفعت اندیزین سال کمتر بود **فضل سینه**  
در حکم دیلمهای سرمای پی سنگام بر حسب بودن ماه در  
بروج **در حمل** چون ماه در حمل بود دلیل کند بر غم و اندیشه  
مردمان را و نیز دلیل کند که اهل فارس و فلسطین را با یکدیگر جنگ  
و محاربه باشد **در ثور** چون ماه در ثور بود دلیل کند که رت  
را از پادشاهان خیر و راحت باشد و مردمان را کسب و منفعت  
بود و نبات زمین بسیار بود **در جوزا** چون ماه در جوزا  
بود دلیل کند که رعیت را از پادشاهان خیر باشد و شادگانی  
مردم و امن ولایت و بسیاری میوهها در آن سال بهار بهارها

بسیار باشد **در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل کند  
بر برف و باران و سرمای صعب اندر رنستان و فساد غلهها  
و میوهها از بسیاری نم و باران **در اسد** چون ماه در  
بود دلیل کند بر ستم و ظلم پادشاهان بر رعیت و پیکس مردم  
و غم و اندیشه اهل تجارت از نسیب دزدان و راه زنان و کمی  
بارانها و آب چشمه ورود **در سنبله** چون ماه در سنبله بود  
دلیل کند بر یکی نباتها و بیماری و آشفته گیتها و ولایت و خرابی  
و ترس و بیم مردم روستا از لشکریان و فساد مردم **در میزان**  
چون ماه در میزان بود دلیل کند بر بیماریهای صعب و مرگ  
بسیار و وبا و خصومت مردم با یکدیگر و کمی میوهها و نبات  
زمین **در عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کند بر غم و باران  
بسیار و تباهی احوال مردم روستا از جور لشکریان و سب

مردم از نا ایمنی **در قش** چون ماه در قش بود دلیل کند بر  
خبر و صلاح احوال رعیت و انصاف پادشاهان و بسیاری نبات  
زمین و غله و حرما **در جلی** چون ماه در جلی بود دلیل کند  
بر غم و اندیشه و مرگ چهار پایان و کمی آبها و سگسبی بازرگانان  
خاصه در اول سال **در دلی** چون ماه در دلی بود دلیل کند  
بر باد های سخت و صعبی زمستان و افت درخت های میوه دار  
و مردم را رگام و نزله بسیار بود **در حوت** چون ماه در حوت  
بود دلیل کند بر باران بسیار و زیادتی آبهای چشم  
و کایترو نیز دلیل کند که میوه و نبات زمین فراوان بود  
**فصل بیست و ششم** در حکم دلیلهای باریدن بر  
پی سنگام بر حسب بودن ماه در بروج **در حمل** چون بر  
پی سنگام آید و ماه در حمل بود دلیل بود بر تشویش و اندیشه

مردم و بیماری و مرگ و شتم کردن پادشاهان بر رعیت و شفق  
ولایت از دزدان **در سرطان** چون ماه در سرطان بود دلیل کند  
بر غم و باران بسیار و صعبی زمستان اما مردم را کسب و منفعت بود  
و ایمنی بود در آن دیار **در اسد** چون ماه در اسد بود دلیل کند  
بر حرکت و تحویل مردمان و بارانها و زیادتی آبها و بیماریها  
صفراوی و مرگ در دوام **در سنبله** چون ماه در سنبله بود  
دلیل کند بر محط و تشکی و غم و اندیشه مردم و پیدا و پادشاه  
بر رعیت و بیماری و مرگ بسیار **در میزان** چون ماه در میزان  
بود دلیل کند بر کسب و منفعت بازرگانان و صعبی زمستان  
و کمی نبات زمین و گیاه و بتای میوه و کمی آبهای چشم و رود  
**در عقرب** چون ماه در عقرب بود دلیل کند بر غم و اندیشه  
مردمان و مصرت بازرگانان از نسیب دزدان در راه زمان

**در قفس** چون ماه در قوس بود دلیل کند بر کسب و منفعت  
مردم و عدل و انصاف پادشاهان بر رعیت و منفعت اهل  
تجارت و سود مسافران در راهها **در جلوی** چون ماه در جد  
بود دلیل کند بر شدت سرما و برف و پیکسی و دشواری معاش  
و قطع طرقت مسافران **در دلی** چون ماه در دلو بود  
دلیل کند بر باد سرد بسیار و وقوع و با در حیوانات و کرائی  
غلات و دسومات اما البسه ارزان باشد **در حوت** چون  
ماه در حوت بود دلیل کند بر استقامت امر مردم و راستی  
ایشان و میل سلطان به عدل و انصاف و رعیت پروری  
و فراخی معاش اما دسومات کمتر باشد

والله اعلم و احکم بالصواب

والیه المرجع و الامان